قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا

المرسلات

آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۷۷. سوره المرسلات

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره المرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

وَ الْمُرْسَلاتِ عُرْفاً (١)

فَالْعاصِفاتِ عَصْفاً (٢)

وَ النَّاشِراتِ نَشْراً (٣)

فَالْفارِقاتِ فَرْقاً (۴)

فَالْمُلْقِياتِ ذِكْراً (۵)

عُذْراً أَوْ نُذْراً (۶)

إِنَّما تُوعَدُونَ لَواقِعٌ (٧)

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (٨)

وَ إِذَا السَّماءُ فُرِجَتْ (٩)

وَ إِذَا الْجِبالُ نُسِفَتْ (١٠)

وَ إِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ (١١)

لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (١٢)

لِيَوْمِ الْفَصْلِ (١٣)

وَ ما أَدْراکَ ما يَوْمُ الْفَصْلِ (۱۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۵)

أَ لَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (۱۶)

ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ (۱۷)

كَذلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۱۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۹)

أَ لَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ (۲۰)

فَجَعَلْناهُ فِى قَرارٍ مَكِينٍ (۲۱)

إِلى قَدَرٍ مَعْلُومٍ (۲۲)

فَقَدَرْنا فَنِعْمَ الْقادِرُونَ (۲۳)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۲۴)

أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً (۲۵)

أَحْياءً وَ أَمْواتاً (۲۶)

وَ جَعَلْنا فِيها رَواسِيَ شامِخاتٍ وَ أَسْقَيْناكُمْ ماءً فُراتاً (۲۷)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۲۸)

انْطَلِقُوا إِلى ما كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۹)

انْطَلِقُوا إِلى ظِلٍّ ذِى ثَلاثِ شُعَبٍ (۳۰)

لا ظَلِيلٍ وَ لا يُغْنِى مِنَ اللَّهَبِ (۳۱)

إِنَّها تَرْمِى بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (۳۲)

كَأَنَّهُ جِمالَتٌ صُفْرٌ (۳۳)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۳۴)

هذا يَوْمُ لا يَنْطِقُونَ (۳۵)

وَ لا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (۳۶)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۳۷)

هذا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْناكُمْ وَ الْأَوَّلِينَ (۳۸)

فَإِنْ كانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ (۳۹)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۰)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلالٍ وَ عُيُونٍ (۴۱)

وَ فَواكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۴۲)

كُلُوا

وَ اشْرَبُوا هَنِيئاً بِما كُنْتُم تَعْمَلُونَ (۴۳)

إِنَّا كَذلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ (۴۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۵)

كُلُوا وَ تَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ (۴۶)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۷)

وَ إِذا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لا يَرْكَعُونَ (۴۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹)

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)

آشنایی با سوره

۷۷- مرسلات [فرستاده شده ها]

منظور از مرسلات (که در نخستین آیه خداوند به آنها قسم یاد کرده است) یا فرشتگانی است که پیاپی برای فرود آوردن وحی الهی به پیامبران فرستاده می شوند، یا تند بادهائی است که فرستاده می شوند. علائمی از بروز قیامت و توصیفی از محشر بیان شده است. تاکید اصلی این سوره روی قیامت است و مکررا تکذیب کنندگان بیم داده می شوند آیه «ویل یومئذ للمکذبین در این سوره ۱۰ بار تکرار شده است و صحنه هائی از دنیا و آخرت و حقائق هستی در آن بیان شده است. در سال دوم بعثت در مکه در غاری در «منا» نازل شده است (بعد از سوره همزه) و ۵۰ آیه دارد

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{وَالْمُرْسَلاتِ} (و) حرف قسم / اسم مجرور یا در محل جر {عُرْفاً} حال، منصوب

{فَالْعاصِفاتِ} (ف) حرف عطف / معطوف تابع {عَصْفاً} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب

{وَالنَّاشِراتِ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {نَشْراً} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب

{فَالْفارِقاتِ} (ف) حرف عطف / معطوف تابع {فَرْقاً} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب

{فَالْمُلْقِياتِ} (ف) حرف عطف / معطوف تابع {ذِكْراً} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{عُذْراً} مفعول لأجله، منصوب {أَوْ} حرف عطف {نُذْراً} معطوف تابع

{إِنَّما} (إنّ) حرف مشبه بالفعل ناسخ / (ما) اسم إنّ {تُوعَدُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع، نائب فاعل {لَواقِعٌ} (ل) حرف مزحلقه / خبر إنَّ، مرفوع یا در محل رفع

{فَإِذَا}

(ف) حرف استیناف / ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / فعل مقدّر یا محذوف {النُّجُومُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {طُمِسَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَإِذَا} (و) حرف عطف / ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / فعل مقدّر یا محذوف {السَّماءُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {فُرِجَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَإِذَا} (و) حرف عطف / ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / فعل مقدّر یا محذوف {الْجِبالُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {نُسِفَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَإِذَا} (و) حرف عطف / ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / فعل مقدّر یا محذوف {الرُّسُلُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {أُقِّتَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{لِأَيِّ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {يَوْمٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {أُجِّلَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{لِيَوْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {الْفَصْلِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{وَما} (و) حرف استیناف / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {أَدْراكَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل

در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {ما} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يَوْمُ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {الْفَصْلِ} مضاف اليه، مجرور یا در محل جر

{وَيْلٌ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / (إذ) مضاف إليه {لِلْمُكَذِّبِينَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{أَلَمْ} همزه (أ) حرف استفهام / حرف جزم {نُهْلِكِ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (نحن) در تقدیر {الْأَوَّلِينَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{ثُمَّ} حرف عطف {نُتْبِعُهُمُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (نحن) در تقدیر {الْآخِرِينَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{كَذَلِكَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {نَفْعَلُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (نحن) در تقدیر {بِالْمُجْرِمِينَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور

{وَيْلٌ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / (إذ) مضاف إليه {لِلْمُكَذِّبِينَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{أَلَمْ} همزه (أ) حرف استفهام / حرف جزم {نَخْلُقْكُمْ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (نحن) در تقدیر {مِنْ} حرف جر {ماءٍ} اسم مجرور یا در محل جر {مَهِينٍ}

نعت تابع

{فَجَعَلْناهُ} (ف) حرف عطف / فعل ماضـی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {فِی} حرف جر {قَرارٍ} اسم مجرور یا در محل جر {مَکِینٍ} نعت تابع

{إِلی} حرف جر {قَدَرٍ} اسم مجرور یا در محل جر {مَعْلُومٍ} نعت تابع

{فَقَدَرْنا} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {فَنِعْمَ} (ف) حرف عطف / فعل ماضی جامد برای انشاء مدح {الْقادِرُونَ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع

{وَيْلٌ} مبتـدا، مرفوع یا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / (إذ) مضاف إلیه {لِلْمُکَذِّبِينَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{أَلَمْ} همزه (أ) حرف استفهام / حرف جزم {نَجْعَلِ} فعـل مضارع، مجزوم به سـکون / فاعل، ضـمیر مسـتتر (نحن) در تقـدیر {الْأَرْضَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {کِفاتاً} مفعولٌ به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب

{أَحْياءً} مفعولٌ به (کفاتا)، منصوب یا در محل نصب {وَأَمْواتاً} (و) حرف عطف / معطوف تابع

{وَجَعَلْنا} (و) حرف عطف / فعل ماضـی، مبنی بر سـکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {فِيها} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {رَواسِيَ} مفعـولٌ به، منصوب یـا در محـل نصب {شامِخاتٍ} نعت تـابع {وَأَسْقَيْناکُمْ} (و) حرف عطف / فعل ماضـی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ک) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {ماءً} مفعولٌ به ثان (دوم)، منصوب یا در

محل نصب {فُراتاً} نعت تابع

{وَيْلٌ} مبتـدا، مرفوع يا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب / (إذ) مضاف إليه {لِلْمُكَذِّبِينَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدير يا محذوف يا در محل

{انْطَلِقُوا} فعل امر، مبنى بر حـذف نون / (و) ضـمير متصل در محل رفع و فاعل {إِلى} حرف جر {ما} اسم مجرور يا در محل جر {كُنْتُمْ} فعل ماضـى، مبنى بر سـكون / (ت) ضـمير متصل در محل رفع، اسم كان {بِهِ} حرف جر و اسم بعـد از آن مجرور {تُكَذِّبُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل / خبر كان، محذوف يا در تقدير

{انْطَلِقُوا} فعل امر، مبنى بر حذف نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {إِلى} حرف جر {ظِلٍّ} اسم مجرور يا در محل جر {ذِى} نعت تابع {ثَلاثِ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر {شُعَبٍ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر

{لا} حرف نفى غير عامـل {ظَلِيـلٍ} نعت تـابع {وَلا} (و) حرف عطف / حرف نفى غير عامل {يُغْنِى} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهرى يا تقديرى / فاعل، ضمير مستتر (هو) در تقدير {مِنَ} حرف جر {اللَّهَبِ} اسم مجرور يا در محل جر

{إِنَّها} حرف مشـبه بالفعل يا حرف نفى ناسخ / (ه) ضـمير متصل در محل نصب، اسم إنّ {تَرْمِى} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهرى يـا تقـديرى / فاعـل، ضـمير مسـتتر (هى) در تقـدير / خـبر إنَّ محـذوف {بِشَرَرٍ} حرف جر و اسـم بعـد از آن مجرور {كَالْقَصْرِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور

{كَأَنَّهُ}

حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، اسم کأنّ {جِمالَتٌ} خبر کأنّ مرفوع {صُفْرٌ} نعت تابع

{وَیْلٌ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {یَوْمَئِذٍ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / (إذ) مضاف إلیه {لِلْمُکَذِّبِینَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{هـذا} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {یَوْمُ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {لا} حرف نفی غیر عامل {یَنْطِقُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل

{وَلا} (و) حرف عطف / حرف نفی غیر عامل {یُؤْذَنُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {لَهُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / نائب فاعل محذوف {فَیَعْتَذِرُونَ} (ف) حرف عطف / فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل

{وَیْلٌ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {یَوْمَئِذٍ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / (إذ) مضاف إلیه {لِلْمُکَذِّبِینَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{هـذا} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {یَوْمُ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {الْفَصْلِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {جَمَعْناکُمْ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {وَالْأَوَّلِینَ} (و) حرف عطف / عطف (ك)

{فَإِنْ} (ف) حرف عطف / حرف شرط جازم {کانَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {لَکُمْ} حرف جر و

اسم بعـد از آن مجرور / خبر كان، محذوف يا در تقدير {كَيْدٌ} اسم كانَ، مرفوع يا در محل رفع {فَكِيدُونِ} (ف) رابط جواب برای شـرط / فعل امر، مبنی بر حـذف نون / (و) ضـمير متصل در محل رفع و فاعل / (ن) حرف وقايه / (ی) محـذوف در محل نصب، مفعولٌ به

{وَيْلٌ} مبتـدا، مرفوع يا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب / (إذ) مضاف إليه {لِلْمُكَذِّبِينَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدير يا محذوف يا در محل

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل يـا حرف نفی ناسـخ {الْمُتَّقِينَ} اسم إنّ، منصوب يـا در محـل نصب {فِی} حرف جر {ظِلالٍ} اسـم مجرور يا در محل جر / خبر إنَّ محذوف {وَعُيُونٍ} (و) حرف عطف / معطوف تابع

{وَفَواكِهَ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {مِمَّا} حرف جر و اسم بعـد از آن مجرور {يَشْتَهُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل

{كُلُوا} فعـل امر، مبنی بر حـذف نون / (و) ضـمير متصـل در محل رفع و فاعل {وَاشْرَبُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنی بر حـذف نون / (و) ضـمير متصـل در محل رفع و فاعل {هَنِيئاً} حال، منصوب {بِما} حرف جر و اسم بعـد از آن مجرور {كُنْتُمْ} فعـل ماضـی، مبنی بر سـكون / (ت) ضـمير متصـل در محـل رفع، اسم كـان {تَعْمَلُونَ} فعـل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل / خبر كان، محذوف يا در تقدير

{إِنَّا} حرف مشبه بالفعل يا حرف نفی ناسخ / (نا) ضمير متصل

در محل نصب، اسم إنّ {كَذلِكَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {نَجْزِى} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهرى يا تقديرى / فاعل، ضمير مستتر (نحن) در تقدير / خبر إنَّ محذوف {الْمُحْسِنِينَ} مفعولٌ به، منصوب يا در محل نصب

{وَيْلٌ} مبتدا، مرفوع يا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب / (إذ) مضاف إليه {لِلْمُكَذِّبِينَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدير يا محذوف يا در محل

{كُلُوا} فعل امر، مبنى بر حذف نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {وَتَمَتَّعُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنى بر حذف نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {قَلِيلاً} مفعول مطلق يا نائب مفعول، منصوب {إِنَّكُمْ} حرف مشبه بالفعل يا حرف نفى ناسخ / (ك) ضمير متصل در محل نصب، اسم إنّ {مُجْرِمُونَ} خبر إنَّ، مرفوع يا در محل رفع

{وَيْلٌ} مبتدا، مرفوع يا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب / (إذ) مضاف إليه {لِلْمُكَذِّبِينَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدير يا محذوف يا در محل

{وَإِذا} (و) حرف استيناف / ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب {قِيلَ} فعل ماضى، مبنى بر فتحه ظاهرى يا تقديرى {لَهُمُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {ارْكَعُوا} فعل امر، مبنى بر حذف نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل / نائب فاعل محذوف {لا} حرف نفى غير عامل {يَرْكَعُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمير متصل در محل رفع

و فاعل

{وَيْلٌ} مبتدا، مرفوع يا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب / (إذ) مضاف إليه {لِلْمُكَذِّبِينَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدير يا محذوف يا در محل

{فَبِأَيِّ} (ف) رابط جواب براى شرط / حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {حَدِيثٍ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر {بَعْدَهُ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب / (ه) ضمير متصل در محل جر، مضاف اليه {يُؤْمِنُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل

آوانگارى قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Waalmursalati AAurfan.۱

FaalAAasifati AAasfan.۲

Waalnnashirati nashran.۳

Faalfariqati farqan.۴

Faalmulqiyati thikran.۵

AAuthran aw nuthran.۶

Innama tooAAadoona lawaqiAAun.۷

Fa-itha alnnujoomu tumisat.۸

Wa-itha alssamao furijat.۹

Wa-itha aljibalu nusifat.۱۰

Wa-itha alrrusulu oqqitat.۱۱

Li-ayyi yawmin ojjilat.۱۲

Liyawmi alfasli.۱۳

Wama adraka ma yawmu alfasli.۱۴

Waylun yawma-ithin lilmukaththibeena.۱۵

Alam nuhliki al-awwaleena.۱۶

Thumma nutbiAAuhumu al-akhireena.۱۷

Kathalika nafAAalu bialmujrimeena.۱۸

Waylun yawma-ithin lilmukaththibeena.۱۹

Alam nakhluqkum min ma-in maheenin.۲۰

FajaAAalnahu fee qararin makeenin.۲۱

Ila qadarin maAAloomin.۲۲

Faqadarna faniAAma alqadiroona.۲۳

Waylun yawma-ithin lilmukaththibeena.۲۴

Alam najAAali al-arda kifatan.۲۵

Ahyaan waamwatan.۲۶

WajaAAalna feeha rawasiya shamikhatin waasqaynakum maan furatan.۲۷

Waylun yawma-ithin lilmukaththibeena.۲۸

Intaliqoo ila ma kuntum bihi tukaththiboona.۲۹

Intaliqoo ila thillin thee thalathi shuAAabin.۳۰

La thaleelin wala yughnee mina allahabi.۳۱

Innaha tarmee bishararin kaalqasri.۳۲

Kaannahu jimalatun sufrun.۳۳

Waylun yawma-ithin lilmukaththibeena.۳۴

Hatha yawmu la yantiqoona.۳۵

Wala yu/thanu lahum fayaAAtathiroona.۳۶

Waylun yawma-ithin lilmukaththibeena.۳۷

Hatha yawmu alfasli jamaAAnakum waal-awwaleena.۳۸

Fa-in kana lakum kaydun fakeedooni.۳۹

Waylun yawma-ithin lilmukaththibeena.۴۰

Inna almuttaqeena fee thilalin waAAuyoonin.۴۱

Wafawakiha mimma yashtahoona.۴۲

Kuloo waishraboo hanee-an bima kuntum taAAmaloona.۴۳

Inna.۴۴

kathalika najzee almuhsineena

Waylun yawma-ithin lilmukaththibeena.۴۵

Kuloo watamattaAAoo qaleelan innakum mujrimoona.۴۶

Waylun yawma-ithin lilmukaththibeena.۴۷

Wa-itha qeela lahumu irkaAAoo la yarkaAAoona.۴۸

Waylun yawma-ithin lilmukaththibeena.۴۹

Fabi-ayyi hadeethin baAAdahu yu/minoona.۵۰

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

سوگند به فرستادگان پی درپی، (۱)

که سخت توفنده اند. (۲)

و سوگند به افشانندگان افشانگر، (۳)

که [میان حق و باطل جداگرند، (۴)

و القاکننده وحی اند. (۵)

خواه عذری باشد یا هشداری. (۶)

که آنچه وعده یافته اید قطعاً رخ خواهد داد. (۷)

پس وقتی که ستارگان محو شوند، (۸)

و آنگاه که آسمان بشکافد، (۹)

و آنگاه که کوه ها از جا کنده شوند، (۱۰)

و آنگاه که پیمبران به میقات آیند، (۱۱)

برای چه روزی تعیین وقت شده است؟ (۱۲)

برای روز داوری. (۱۳)

و تو چه دانی که روز داوری چیست؟ (۱۴)

آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (۱۵)

مگر پیشینیان را هلاک نکردیم؟ (۱۶)

سپس از پی آنان پسینیان را می بریم. (۱۷)

با مجرمان چنین می کنیم. (۱۸)

آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۱۹)

مگر شما را از آبی بی مقدار نیافریدیم؟ (۲۰)

پس آن را در جایگاهی استوار نهادیم، (۲۱)

تا مدّتی معیّن! (۲۲)

و توانا آمدیم، و چه نیک تواناییم. (۲۳)

آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۲۴)

مگر زمین را محل اجتماع نگردانیدیم؟ (۲۵)

چه برای مردگان چه زندگان. (۲۶)

و کوه های بلند در آن نهادیم و به شما آبی گوارا نوشانیدیم. (۲۷)

آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۲۸)

بروید به سوی همان چیزی که آن را تکذیب می کردید. (۲۹)

بروید به سوی [آن دود سه شاخه، (۳۰)

نه سایه دار است و نه از شعله [آتش حفاظت می کند. (۳۱)

[دوزخ

چون کاخی [بلند] شراره می افکند، (۳۲)

گویی شترانی زرد رنگند. (۳۳)

آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۳۴)

این، روزی است که دم نمی زنند. (۳۵)

و رخصت نمی یابند تا پوزش خواهند. (۳۶)

آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۳۷)

این [همان روز داوری است شما و [جمله پیشینیان را گرد می آوریم. (۳۸)

پس اگر حیلتی دارید، در برابر من بسگالید. (۳۹)

آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۰)

اهل تقوا در زیر سایه ها و بر کنار چشمه سارانند، (۴۱)

با هر میوه ای که خوش داشته باشند. (۴۲)

به [پاداش آنچه می کردید، بخورید و بیاشامید؛ گواراتان باد. (۴۳)

ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم. (۴۴)

آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۵)

[ای کافران،] بخورید و اندکی برخوردار شوید که شما گناهکارید. (۴۶)

[ولی آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۷)

و چون به آنان گفته شود: «رکوع کنید»، به رکوع نمی روند. (۴۸)

آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۹)

پس به کدامین سخن پس از [قرآن ایمان می آورند؟ (۵۰)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» سوگند به فرشتگانی که پی در پی فرستاده می شوند،

«۲» و آنها که همچون تند باد حرکت می کنند،

«۳» و سوگند به آنها که [ابرها را] می گسترانند،

«۴» و آنها که جدا می کنند،

«۵» و سوگند به آنها که آیات بیدارگر [الهی] را [به انبیا] القا می نمایند،

«۶» برای اتمام حجّت یا برای انذار،

«۷» که آنچه به شما [درباره قیامت] وعده داده می شود، یقیناً واقع شدنی است!

«۸» در آن هنگام که ستارگان محو و تاریک شوند،

«۹» و [کرات] آسمان از هم بشکافند،

«۱۰» و در آن زمان که کوه ها

از جا کنده شوند،

«۱۱» و در آن هنگام که برای پیامبران [بمنظور ادای شهادت] تعیین وقت شود!

«۱۲» [این امر] برای چه روزی به تأخیر افتاده؟

«۱۳» برای روز جدایی [حق از باطل]!

«۱۴» تو چه می دانی روز جدایی چیست!

«۱۵» وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

«۱۶» آیا ما اقوام [مجرم] نخستین را هلاك نکردیم؟!

«۱۷» سپس دیگر [مجرمان] را به دنبال آنها می فرستیم!

«۱۸» [آری] این گونه با مجرمان رفتار می کنیم!

«۱۹» وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

«۲۰» آیا شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم،

«۲۱» سپس آن را در قرارگاهی محفوظ و آماده قرار دادیم،

«۲۲» تا مدّتی معیّن؟!

«۲۳» ما قدرت بر این کار داشتیم، پس ما قدرتمند خوبی هستیم [و امر معاد برای ما آسان است]!

«۲۴» وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

«۲۵» آیا زمین را مرکز اجتماع انسانها قرار ندادیم،

«۲۶» هم در حال حیاتشان و هم مرگشان؟!

«۲۷» و در آن کوه های استوار و بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم!

«۲۸» وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

«۲۹» [در آن روز به آنها گفته می شود:] بی درنگ، به سوی همان چیزی که پیوسته آن را تکذیب می کردید بروید!

«۳۰» بروید به سوی سایه سه شاخه [دودهای خفقان بار و آتش زا]!

«۳۱» سایه ای که نه آرامبخش است و نه از شعله های آتش جلوگیری می کند!

«۳۲» شراره هایی از خود پرتاب می کند مانند یک کاخ!

«۳۳» گویی [در سرعت و کثرت] همچون شتران زردرنگی هستند [که به هر سو پراکنده می شوند]!

«۳۴» وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

«۳۵» امروز روزی است که سخن نمی گویند

[و قادر بر دفاع از خویشتن نیستند]،

«۳۶» و به آنها اجازه داده نمی شود که عذرخواهی کنند!

«۳۷» وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

«۳۸» [و به آنها گفته می شود:] امروز همان روز جدایی [حق از باطل] است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده ایم!

«۳۹» اگر چاره ای در برابر من [برای فرار از چنگال مجازات] دارید انجام دهید!

«۴۰» وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

«۴۱» [در آن روز] پرهیزگاران در سایه های [درختان بهشتی] و در میان چشمه ها قرار دارند،

«۴۲» و میوه هایی از آنچه مایل باشند!

«۴۳» بخورید و بنوشید گوارا، اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید!

«۴۴» ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم!

«۴۵» وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

«۴۶» [و به مجرمان بگو:] بخورید و بهره گیرید در این مدت کم [از زندگی دنیا، ولی بدانید عذاب الهی در انتظار شماست] چرا که شما مجرمید!

«۴۷» وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

«۴۸» و هنگامی که به آنها گفته شود رکوع کنید رکوع نمی کنند!

«۴۹» وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!

«۵۰» [و اگر آنها به این قرآن ایمان نمی آورند] پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند؟!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به آن فرشتگانی که پی در پی فرستاده می شوند، (۱)

و سوگند به آن فرشتگانی که [برای آوردن وحی در سرعت حرکت] چون تندبادند. (۲)

و سوگند به آن فرشتگانی که گشاینده صحیفه های وحی اند، (۳)

و سوگند به آن فرشتگانی که جدا کننده حق از باطل اند، (۴)

و سوگند به آن فرشتگانی که القاکننده آیات

آسمانی به پیامبران [اند،] (۵)

تا حجت [باشد برای اهل ایمان] و بیم و هشدار باشد [برای کافران] (۶)

[به همه این حقایق سوگند] که آنچه [به عنوان روز قیامت] وعده داده می شوید بی تردید واقع شدنی است. (۷)

در آن زمان که ستارگان محو و تاریک شوند، (۸)

و آن زمانی که آسمان بشکافد. (۹)

و آن زمان که کوه ها از بیخ و بن کنده شوند. (۱۰)

و آن زمان که وقت حضور پیامبران [برای گواهی بر امت ها] معین شود. (۱۱)

این امور برای چه روزی به تأخیر افتاده؟ (۱۲)

برای روز داوری (۱۳)

و تو چه می دانی روز داوری چیست؟ (۱۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان؛ (۱۵)

آیا پیشینیان را [به سبب تکذیبشان] هلاک نکردیم؟ (۱۶)

سپس به دنبال آنان دیگران را هم [به سبب تکذیبشان] هلاک می کنیم. (۱۷)

با گنهکاران این گونه رفتار می کنیم. (۱۸)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۱۹)

آیا شما را از آبی پست و بی مقدار نیافریدیم؟ (۲۰)

پس آن را در جایگاهی استوار قرار دادیم (۲۱)

تا زمانی معین؛ (۲۲)

پس توانا بودیم و چه نیکو تواناییم. (۲۳)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۲۴)

آیا زمین را فراهم آورنده [انسان ها] قرار ندادیم؟ (۲۵)

هم در حال حیاتشان و هم زمان مرگشان (۲۶)

و کوه های استوار و بلند در آن قرار دادیم و شما را آبی گوارا نوشاندیم. (۲۷)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۲۸)

[آن روز به آنان گویند:] به سوی آتشی که همواره آن را تکذیب می کردید، بروید؛ (۲۹)

و [نیز] به سوی سآیه ای [از دود متراکم و آتش زا] که دارای سه شاخه است،

بروید. (۳۰)

[سآیه ای که] نه مانع از حرارت است، و نه از شعله های آتش جلوگیری می کند. (۳۱)

آن آتش، شراره هایی چون ساختمان بلند پرتاب می کند. (۳۲)

گویی آن شراره ها هم چون شتران زرد رنگ هستند. (۳۳)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۴)

این روزی است که [انسان ها چون موقعیتی نمی بینند برای دفاع از خود] سخن نمی گویند، (۳۵)

و به آنان اجازه داده نمی شود که عذرخواهی کنند. (۳۶)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۷)

امروز همان روز داوری است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده ایم. (۳۸)

پس اگر [برای فرار از عذاب] چاره و تدبیری دارید، آن را به کار گیرید. (۳۹)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۰)

به یقین پرهیزکاران در زیر سایه ها و کنار چشمه سارهایند، (۴۱)

و نزد میوه هایی از آنچه همواره بخواهند. (۴۲)

[به آنان گویند:] به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید، بخورید و بیاشامید گوارایتان باد. (۴۳)

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۴۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۵)

[شما ای کافران و مشرکان! در این دنیا] بخورید و اندک زمانی برخوردار شوید که شما گنهکارید [و بی تردید به کیفر اعمالتان گرفتار خواهید شد.] (۴۶)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۷)

و هنگامی که به آنان گویند: [در برابر خدا] رکوع کنید، رکوع نمی کنند. (۴۸)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۹)

[اگر به قرآن ایمان نیاورند] پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند؟ (۵۰)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم به رسولانی که از پی هم بر خیر و سعادت خلق فرستاده شدند (۱)

قسم به فرشتگانی که

به سرعت تندباد به انجام حکم حق می شتابند (۲)

قسم به آنان که وحی حق و شرع الهی را در جهان با اخلاص علی (ع) نیکو نشر میدهند (۳)

و قسم به حق آنان که به حکم خدا راه هدایت را از ضلالت ممتاز کرده و بین حق و باطل را بر خلق کاملا جدا می کنند (۴)

و قسم به آنان که ذکر خدا و کتاب الهی را به انبیاء وحی می کنند (۵)

تا عذر و حجت نیکان و بیم و تهدید بدان شود (۶)

قسم به همه اینان که آنچه از ثواب و عقاب آخرت به شما وعده دادند البته واقع خواهد شد (۷)

چه وقت وقتی که ستارگان همه بی نور و محو شوند (۸)

و آسمان را بشکافند (۹)

و کوه ها چون خاک بر دم باد پراکنده شوند (۱۰)

و به رسولان وقت گواهی بر امتان را اعلام کنند (۱۱)

برای آن چه وقت وعده حق معین شد؟ (۱۲)

برای روز قیامت همان روزی که بین حق و باطل و سعید و شقی جدائی افتد (۱۳)

و تو چگونه توانی عظمت و سختی آن روز جدائی را تصور کنی؟ (۱۴)

وای آن روز به حال منکران خدا و قیامت و مکذبان کتاب و رسالت (۱۵)

آیا ما پیشینیان را به کیفر کفر هلاک نکردیم؟ (۱۶)

از پی آنان هم قومی دیگر را که منکران قرآن باشند نیز هلاک می کنیم (۱۷)

ما بدکاران عالم را همین گونه هلاک می سازیم (۱۸)

وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۱۹)

آیا ما شما آدمیان

را از آب نطفه بی قدر بدین زیبائی نیافریدیم؟ (۲۰)

و آن نطفه را از صلب پدر به قرارگاه رحم منتقل ساختیم (۲۱)

تا مدتی معین و معلوم در رحم بماند (۲۲)

و ما تقدیر مدت رحم و تعیین سرنوشت او تا ابد کردیم که نیکو مقدر حکیمی هستیم (۲۳)

وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۲۴)

آیا ما زمین را جامع حوایج و کفایت بر مسکن و هر امر بشر قرار ندادیم؟ (۲۵)

تا زندگان روی زمین تعیش کنند و مردگان درونش پنهان شوند (۲۶)

و در زمین کوه های بلند برافراشتیم و از ابر و باران به شما آب زلال گوارا نوشانیدیم (۲۷)

وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۲۸)

خطاب رسد ای منکران شما امروز به سوی آن دوزخی که تکذیب کردید بروید (۲۹)

بروید زیر سایه دود های آتش دوزخ که از سه جانب شما را احاطه کند (۳۰)

نه آنجا سایه خواهد بود و نه از شرار آتش هیچ گریز و نجاتی دارند (۳۱)

آن آتش هر شراری بیفکند شعله اش مانند قصریست (۳۲)

گوئی آن شراره در بزرگی و رنگ به شتران آردموی مانند است (۳۳)

وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۳۴)

این روزیست که کافران بر نجات خود سخنی نتوانند گفت (۳۵)

و به آنها رخصت عذرخواهی نخواهند داد (۳۶)

وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۳۷)

این روز فصل حکم و جدائی نیک و بد است که شما را با همه در

گذشتگان پیشین به عرصه محشر جمع گردانیم (۳۸)

پس اگر فکر و حیلتی بر نجات خود توانید حیلت کنید (۳۹)

وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۰)

آن روز سخت بندگان باتقوی و پرهیز در سایه درختان بهشت و طرف نهرهای جاری متنعمند (۴۱)

و از هر نوع میوه مایل باشند فراوان فراهم است (۴۲)

به آنها خطاب لطف شود که از هر طعام و شراب بخواهید بخورید و بیاشامید که شما را گوارا باد پاداش اعمال نیکی که در دنیا بجای آوردید (۴۳)

ما البته نیکوکاران عالم را چنین پاداش میدهیم (۴۴)

وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۵)

ای کافران شما هم که ایمان به لذات روحانی و تنعم و نشاط ابدی آخرت نداریدپس به خوی حیوانیت بخورید و تمتع برید به عمر کوتاه دنیا که شما بسیار مردم بزه کاری هستید (۴۶)

وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۷)

و هرگاه به آنها گفته شد که نماز و طاعت خدا را بجای آرید اطاعت نکردند (۴۸)

وای آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۹)

شما پس از آیات خدا که آن را تکذیب کردید باز به کدامین حدیث ایمان می آورید؟ (۵۰)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

به فرستاده های پی در پی سوگند. (۱)

پس به طوفان های سهمگین (سوگند). (۲)

به نشردهندگانی (که حق را به نیکویی) نشر می دهند سوگند. (۳)

پس آنان که به طور کامل (بین حق و باطل) فرق می گذارند. (۴)

پس به القا کنندگان ذکر (و

وحی به پیامبران). (۵)

برای (رفع) عذر یا هشدار و انذار. (۶)

همانا آنچه وعده داده می شوید، واقع شدنی است. (۷)

پس آنگاه که ستگارگان محو شوند. (۸)

و آنگاه که آسمان شکافته شود. (۹)

و آنگاه که کوه ها از ریشه کنده شود. (۱۰)

و آنگاه که برای رسولان (برای ادای شهادت) وقت تعیین شود. (۱۱)

برای چه روزی، اجل تعیین شده؟ (۱۲)

برای روز داوری. (۱۳)

و تو چه دانی که روز داوری چیست؟ (۱۴)

در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان. (۱۵)

آیا پیشینیان را هلاک نکردیم؟ (۱۶)

سپس دیگران را در پی آنان آوردیم. (۱۷)

ما با مجرمان این گونه عمل می کنیم. (۱۸)

وای بر تکذیب کنندگان در آن روز. (۱۹)

آیا ما شما را از آبی پست خلق نکردیم. (۲۰)

پس آن را در قرارگاهی استوار قرار دادیم. (۲۱)

تا مدّتی معیّن. (۲۲)

پس اندازه گیری کردیم و ما چه خوب اندازه گیریم. (۲۳)

در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۲۴)

آیا زمین را محل اجتماع قرار ندادیم؟ (۲۵)

زنده ها و مرده ها. (۲۶)

و در آن کوه هایی استوار و بلند قرار دادیم و آبی گوارا به شما نوشاندیم. (۲۷)

پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۲۸)

(به مجرمان گویند:) بروید به سوی آنچه آن را تکذیب می کردید. (۲۹)

بروید به سوی سایه ای سه شاخه، (۳۰)

نه خنک است و نه از شعله آتش مصون می دارد. (۳۱)

همانا دوزخ، شراره هایی به اندازه کاخ پرتاب می کند. (۳۲)

گویی شترانی زرد موینند. (۳۳)

در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۳۴)

(مجرمان) در این روز حرفی برای زدن ندارند. (۳۵)

و به آنان اجازه داده نمی شود تا عذر

خواهی کنند. (۳۶)

در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۳۷)

این روز، روز جدایی است که شما و پیشینیان را جمع کردیم. (۳۸)

پس اگر چاره ای دارید به کار گیرید. (۳۹)

در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۰)

همانا تقوی پیشگان در سایه ها و چشمه ها (قرار دارند). (۴۱)

و هر نوع میوه که بخواهند. (۴۲)

بخورید و بیاشامید به پاداش آنچه انجام می دادید، گوارایتان باد. (۴۳)

همانا ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۴۴)

در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۵)

بخورید و بهره گیرید اندک که همانا شما مجرمید. (۴۶)

در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۷)

و هر گاه به آنان گفته شود رکوع کنید، رکوع نمی کنند. (۴۸)

در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۴۹)

پس بعد از این (قرآن) به کدامین سخن ایمان می آورند؟ (۵۰)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

سوگند به آن فرستاده شدگان پیاپی، (۱)

پس به آن بادهای سخت وزنده، (۲)

و سوگند به آن پراکنده کنندگان پراکندنی، (۳)

پس به آن جداکنندگان جدا کردنی - میان حق و باطل -. (۴)

پس به آن القاکنندگان ذکر - یادها و پندها -، (۵)

برای باز نمودن عذر و برای بیم کردن، (۶)

که همانا آنچه وعده داده می شوید - رستاخیز - شدنی و بودنی است. (۷)

پس آنگاه که ستارگان تاریک و ناپدید شوند، (۸)

و آنگاه که آسمان شکافته شود، (۹)

و آنگاه که کوه ها از بیخ برکنده شوند، (۱۰)

و آنگاه که پیامبران را میعادگاهی نهند - تا بر امتهای خود گواهی دهند -. (۱۱)

برای کدام روز اینها واپس داشته شده؟ (۱۲)

برای روز جدایی. (۱۳)

و چه دانی که روز جدایی - یا داوری - چیست؟ (۱۴)

در آن روز وای بر دروغ انگاران. (۱۵)

آیا پیشینیان را هلاک نکردیم؟ (۱۶)

سپس پسینیان - مانند کفار مکه - را از پی آنها درآریم - هلاک سازیم -. (۱۷)

با بزه کاران چنین می کنیم. (۱۸)

در آن روز وای بر دروغ انگاران. (۱۹)

آیا شما را از آبی پست و بی ارج نیافریدیم؟ (۲۰)

پس آن را در جایگاهی استوار نهادیم، (۲۱)

تا اندازه ای دانسته - دوران بارداری -. (۲۲)

پس توانا بودیم و نیکو توانا بودیم - یا: پس سرنوشت شما را تقدیر کردیم و نیکو تقدیر کردیم -. (۲۳)

در آن روز وای بر دروغ انگاران. (۲۴)

آیا زمین را فراهم آرنده نساختیم، (۲۵)

مر زندگان و مردگان را - که زندگان و مردگان را در خود جای دهد -؟ (۲۶)

و در آن کوه ها سخت استوار و بلند پدید کردیم و شما را آبی خوشگوار نوشاندیم. (۲۷)

در آن روز وای بر دروغ انگاران. (۲۸)

بروید به سوی آنچه دروغش می انگاشتید - دوزخ -. (۲۹)

بروید به سوی سآیه ای سه شاخه - از دود -، (۳۰)

که نه سایه گستر است و نه از آتش بازدارد. (۳۱)

[آتشی] که شراره ها می افکند همچون کوشکها - از بزرگی -، (۳۲)

تو گویی شترانی زرد رنگ است. (۳۳)

در آن روز وای بر دروغ انگاران. (۳۴)

این است روزی که سخن نیارند گفت، (۳۵)

و آنان را اجازه ندهند تا عذر بخواهند. (۳۶)

در آن روز وای بر دروغ انگاران. (۳۷)

این است روز داوری، که شما – ای منکران این امت – و پیشینیان را فراهم آوردیم. (۳۸)

پس اگر نیرنگ و ترفندی دارید، درباره [عذاب] من به کار برید. (۳۹)

در آن روز وای بر دروغ انگاران. (۴۰)

همانا پرهیزگاران در سایه ها و [کنار] چشمه ها باشند. (۴۱)

و میوه هایی از آنچه بخواهند. (۴۲)

بخورید و بیاشامید، نوش و گوارا، به پاداش آنچه می کردید. (۴۳)

همانا نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم. (۴۴)

در آن روز وای بر دروغ انگاران. (۴۵)

بخورید و اندکی [در این جهان] برخوردار شوید، که شما بزه کارانید. (۴۶)

در آن روز وای بر دروغ انگاران. (۴۷)

و چون به آنان گفته شود رکوع کنید - نماز گزارید - رکوع نکنند. (۴۸)

در آن روز وای بر دروغ انگاران. (۴۹)

پس به کدام سخن بعد از آن (قرآن) ایمان خواهند آورد؟ (۵۰)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

سوگند به بادهایی که از پی هم می آیند، (۱)

و سوگند به بادهای سخت وزنده ، (۲)

و سوگند به بادهای باران آور، (۳)

و سوگند به آنها که حق را از باطل جدا می کنند، (۴)

و سوگند به آنها که یاد خدا را می آموزند: (۵)

تمام کردن حجت را، یا بیم کردن را، (۶)

که آنچه به شما وعده داده شود واقع خواهد شد. (۷)

پس آنگاه که ستارگان خاموش شوند، (۸)

و آنگاه که آسمان بشکافد، (۹)

و آنگاه که کوهها پراکنده گردند، (۱۰)

و آنگاه که پیامبران را وقتی معین شود. (۱۱)

برای چه روزی معین شود؟ (۱۲)

برای روز فصل. (۱۳)

و چه دانی که روز فصل چیست؟ (۱۴)

در آن روز وای بر تکذیبکنندگان. (۱۵)

آیا اولیان را هلاک نکرده ایم، (۱۶)

و آخریان را نیز از پی آنها

نمی بریم؟ (۱۷)

با مجرمان چنین رفتار می کنیم. (۱۸)

در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۱۹)

آیا شما را از آبی پست و بی مقدار نیافریده ایم؟ (۲۰)

و آن را در جایگاهی استوار قرار ندادیم، (۲۱)

تا زمانی معین؟ (۲۲)

پس ما توانا بودیم و نیک توانا بودیم. (۲۳)

در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. (۲۴)

آیا زمین را جایگاهی نساختیم، (۲۵)

برای زندگان و مردگان؟ (۲۶)

در آن کوههای بلند پدید آوردیم و از آبی گوارا سیرابتان ساختیم. (۲۷)

در آن روز وای بر تکذیبکنندگان. (۲۸)

به سوی آنچه دروغش می شمردید به راه افتید. (۲۹)

به سوی آن دود سه شعبه به راه افتید، (۳۰)

که نه از آسیبتان نگه دارد و نه دفع آن شعله کند: (۳۱)

و جهنم شراره هایی می افکند هر یک به بلندی کاخی عظیم، (۳۲)

گویی که اشترانی زردگونند. (۳۳)

در آن روز وای بر تکذیبکنندگان. (۳۴)

این روزی است که کس سخن نگوید. (۳۵)

آنها را رخصت ندهند تا پوزش خواهند. (۳۶)

در آن روز وای بر تکذیبکنندگان. (۳۷)

این روز روز فصل است که شما و پیشینیانتان را گرد می آوریم. (۳۸)

پس اگر حیلتی دارید به کار برید. (۳۹)

در آن روز وای بر تکذیب- کنندگان. (۴۰)

پرهیزگاران در سایه ها و کنار چشمه سارانند، (۴۱)

با هر میوه ای که آرزو کنند. (۴۲)

به پاداش کارهایی که می کرده اید بخورید و بیاشامید، شما را گوارا باد. (۴۳)

ما نیکوکاران را اینچنین پاداش می دهیم. (۴۴)

در آن روز وای بر تکذیبکنندگان. (۴۵)

بخورید و اندک بهره ای برگیرید،

که شما مجرمانید. (۴۶)

در آن روز وای بر تکذیبکنندگان. (۴۷)

و چون گویندشان که رکوع کنید، رکوع نمی کنند. (۴۸)

در آن روز وای بر تکذیبکنندگان. (۴۹)

پس از قرآن به کدام سخن ایمان می آورند؟ (۵۰)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوگند به فرستادگان پیاپی (۱)

و تندبادهای سخت (۲)

و سوگند به بادهای پراکنده ساز [ابرها] (۳)

و جداسازان [حق و باطل] (۴)

و سوگند به فرشتگان وحی آور (۵)

برای اتمام حجت و هشدار (۶)

که آنچه به شما وعده داده شده است، رخ دادنی است (۷)

پس چون ستارگان تیره شوند (۸)

و چون آسمان شکافته شود (۹)

و چون کوه ها بر باد رود (۱۰)

و چون پیامبران را میقات معین کنند (۱۱)

برای کدامین روز زمان داده شود؟ (۱۲)

برای روز داوری (۱۳)

و تو چه دانی روز داوری چیست؟ (۱۴)

در چنین روز وای بر منکران (۱۵)

آیا پیشینیان را نابود نکردیم؟ (۱۶)

سپس به دنبال آنان واپسینان را روان نساختیم؟ (۱۷)

با گناهکاران چنین رفتار کنیم (۱۸)

در چنین روز وای بر منکران (۱۹)

آیا شما را از آبی بی مقدار نیافریده ایم؟ (۲۰)

که سپس آن را در جایگاهی استوار قرار دادیم (۲۱)

تا هنگامی معین (۲۲)

پس سامان دادیم و چه نیک سامانگریم (۲۳)

در چنین روز وای بر منکران (۲۴)

آیا زمین را فراگیر نساختیم؟ (۲۵)

چه برای زندگان، چه برای مردگان (۲۶)

و در آن کوه های بلند پدید آوردیم و به شما آبی شیرین نوشاندیم (۲۷)

در چنین روز وای بر منکران (۲۸)

به سوی چیزی که انکارش می کردید بروید (۲۹)

به سوی دودی دارای

سه شاخه بروید (۳۰)

که نه سایه گستر است و نه از لهیب آتش باز می دارد (۳۱)

آن شراره هایی همچون کوشک می پراکند (۳۲)

گویی شترانی زرد سیه تاب هستند (۳۳)

در چنین روز وای بر منکران (۳۴)

این روزی است که سخن نگویند (۳۵)

و به ایشان اجازه ندهند که عذرخواهی کنند (۳۶)

در چنین روز وای بر منکران (۳۷)

این روز داوری است، شما و پیشینیان را گرد آورده ایم (۳۸)

اگر نیرنگی دارید برای من بسگالید (۳۹)

در چنین روز وای بر منکران (۴۰)

پرهیزگاران در سایه ساران و [کنار] چشمه سارانند (۴۱)

و میوه هایی که دلخواهشان است (۴۲)

به خاطر کارهایی که کرده اید، بخورید و بنوشید، [خوش و] گوارا (۴۳)

ما بدین گونه نیکوکاران را جزا می دهیم (۴۴)

در چنین روز وای بر منکران (۴۵)

اندکی بخورید و بهره مند باشید، چرا که شما گناهکارید (۴۶)

در چنین روز وای بر منکران (۴۷)

و چون به ایشان گفته می شد نماز بگزارید، نماز نمی گزاردند (۴۸)

در چنین روز وای بر منکران (۴۹)

پس به کدامین سخن پس از آن ایمان می آورند (۵۰)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سوگند به فرستادگان پیاپی (انبوه چون یال اسب) (۱)

پس تندوزندگانی از بادها وزیدنی تند (۲)

و بگسترانندگان گسترانیدنی (۳)

پس به جداکنندگان جداکردنی (۴)

پس با فکنندگان ذکر (۵)

بهانه ای یا بیمی را (۶)

که آنچه وعده داده شوید فرودآینده است (۷)

پس گاهی که ستارگان نابود شوند (۸)

و گاهی که آسمان شکافته شود (۹)

و گاهی که کوه ها پراکنده شوند (۱۰)

و گاهی که فرستادگان وقت داده شوند (۱۱)

برای چه روزی پس انداخته شده است

(۱۲)

برای روز جداشدن (۱۳)

و ندانستد چیست روز جداشدن (۱۴)

وای در آن روز برای تکذیب کنندگان (۱۵)

آیا نابود نساختیم پیشینیان را (۱۶)

پس پیرو کردیمشان پسینیان را (۱۷)

چنین کنیم به گنهکاران (۱۸)

وای در آن روز برای تکذیب کنندگان (۱۹)

آیا نیافریدیمتان از آبی خوار و زبون (۲۰)

پس نهادیمش در آرامگهی جایدار (۲۱)

تا اندازه دانسته (۲۲)

پس اندازه نهادیم پس چه خوبند اندازه نهان (۲۳)

وای در آن روز برای تکذیب کنندگان (۲۴)

آیا نگردانیدیم زمین را فراگیرنده (۲۵)

زندگان را و مردگان را (۲۶)

و نهادیم در آن لنگرهائی افراشته و نوشانیدیمتان آبی گوارا (۲۷)

وای در آن روز برای تکذیب کنندگان (۲۸)

بروید بسوی آنچه بودید بدان تکذیب می کردید (۲۹)

بروید بسوی سایه سه شعبه (۳۰)

که نه سایه افکن است و نه بی نیاز کند از شراره آتش (۳۱)

پرتاب کند همانا شراره هائی چون کاخ (۳۲)

گوئیا آن است اشتری زردفام (۳۳)

وای در آن روز برای تکذیب کنندگان (۳۴)

این است روزی که سخن نگویند (۳۵)

و نه دستور داده شوند تا بهانه آرند (۳۶)

وای در آن روز برای تکذیب کنندگان (۳۷)

این است روز جداکردن گردآوردیم شما را و پیشینیان (۳۸)

اگر شما را است نیرنگی پس آهنگم کنید (۳۹)

وای در آنروز برای تکذیب کنندگان (۴۰)

همانا پرهیزکارانند در سایه ها و چشمه سارهائی (۴۱)

و میوه ای از آنچه هوس کنند (۴۲)

بخورید و بنوشید نوش باد بدانچه بودید می کردید (۴۳)

همانا ما بدینگونه پاداش دهیم به نکوکاران (۴۴)

وای در آن روز برای تکذیب کنندگان (۴۵)

بخورید و برخوردار شوید اندکی که شمائید گنهکاران (۴۶)

وای در آن روز برای تکذیب کنندگان (۴۷)

و

هر گاه گفته شود بدیشان رکوع بگزارید نگزارند (۴۸)

وای در آن روز برای تکذیب کنندگان (۴۹)

پس به کدام داستانند پس از این ایمان آرندگان (۵۰)

ترجمه انگلیسی قرائی

In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful.

۱ By the successive emis-saries,

۲ by the raging hurricanes,

۳ by the sweeping spreaders,

۴ by the decisive separators,

۵ by the inspirers of remembrance,

۶ to excuse or to warn:

۷ indeed what you are promised will surely befall.

۸ So when the stars are blotted out,

۹ and when the sky is split,

۱۰ and when the mountains are scattered [like dust],

۱۱ and when the time is set for the apostles [to witness]

۱۲ —for what day has [all] that been set [to occur]?

۱۳ For the Day of Judgement!

۱۴ And what will show you what is the Day of Judgement!

۱۵ Woe to the deniers on that day!

۱۶ Did We not destroy the ancients,

۱۷ [and] then made the latter ones follow them?

۱۸ That is how We deal with the guilty.

۱۹ Woe to the deniers on that day!

۲۰ Have We not created you from a base fluid,

۲۱ [and] then lodged it in a secure abode

۲۲ until a known span [of time]?

۲۳ Then We designed; so how excellent designers We are!

۲۴ Woe to the deniers on that day!

۲۵ Have We not made the earth a receptacle

۲۶ for the living and the dead,

۲۷ and set in it lofty [and] firm mountains, and given you agreeable water

?to drink

!Woe to the deniers on that day ۲۸

!They will be told]: 'Get off toward what you used to deny] ۲۹

,Get off toward the triple-forked shadow ۳۰

.which is neither shady nor is of any avail against the flame ۳۱

,Indeed it throws up sparks [huge] like palaces ۳۲

.bright] as if they were yellow camels] ۳۳

!Woe to the deniers on that day ۳۴

,This is a day wherein they will not speak ۳۵

.nor will they be permitted to offer excuses ۳۶

!Woe to the deniers on that day ۳۷

.This is the Day of Judgement. We have brought together you and the ancients' ۳۸

'!If you have any stratagems [left], try out your stratagems against Me ۳۹

!Woe to the deniers on that day ۴۰

,Indeed the Godwary will be amid shades and springs ۴۱

.and fruits, such as they desire ۴۲

They will be told:] 'Enjoy your food and drink, [as a reward] for what you used to] ۴۳
'.do

.Thus indeed do We reward the virtuous ۴۴

!Woe to the deniers on that day ۴۵

۴۶ ‘Eat and enjoy a little! You are indeed guilty.’

۴۷ Woe to the deniers on that day!

۴۸ When they are told, ‘Bow down,’ they do not bow down!

۴۹ Woe to the deniers on that day!

۵۰ So what discourse will they believe after this?

ترجمه انگلیسی شاکر

(۱) I swear by the emissary winds, sent one after another (for men's benefit),

(۲) By the raging hurricanes,

Which scatter clouds to their destined

(places, (۳

(Then separate them one from another, (۴

(Then I swear by the angels who bring down the revelation, (۵

(To clear or to warn. (۶

(Most surely what you are threatened with must come to pass. (۷

(So when the stars are made to lose their light, (۸

(And when the heaven is rent asunder, (۹

(And when the mountains are carried away as dust, (۱۰

(And when the messengers are gathered at their appointed time (۱۱

(To what day is the doom fixed? (۱۲

(To the day of decision. (۱۳

(And what will make you comprehend what the day of decision is? (۱۴

(Woe on that day to the rejecters. (۱۵

(Did We not destroy the former generations? (۱۶

(Then did We follow them up with later ones. (۱۷

(Even thus shall We deal with the guilty. (۱۸

(Woe on that day to the rejecters. (۱۹

(Did We not create you from contemptible water? (۲۰

(Then We placed it in a secure resting-place, (۲۱

(Till an appointed term, (۲۲

(So We proportion it-- how well are We at proportioning (things). (۲۳

(Woe on that day to the rejecters. (۲۴

(Have We not made the earth to draw together to itself, (۲۵

(The living and the dead, (۲۶

(And made therein lofty mountains, and given you to drink of sweet water? (۲۷

(Woe on that day to the rejecters. (۲۸

(Walk on to that which you called a lie. (۲۹

(Walk on to the covering having three branches, (۳۰

Neither having the coolness

(of the shade nor availing against the flame. (۳۱

(Surely it sends up sparks like palaces, (۳۲

(As if they were tawny camels. (۳۳

(Woe on that day to the rejecters. (۳۴

(This is the day on which they shall not speak, (۳۵

(And permission shall not be given to them so that they should offer excuses. (۳۶

(Woe on that day to the rejecters. (۳۷

(This is the day of decision: We have gathered you and those of yore. (۳۸

(So if you have a plan, plan against Me (now). (۳۹

(Woe on that day to the rejecters. (۴۰

(Surely those who guard (against evil) shall be amid shades and fountains, (۴۱

(And fruits such as they desire. (۴۲

(Eat and drink pleasantly because of what you did. (۴۳

(Surely thus do We reward the doers of good. (۴۴

(Woe on that day to the rejecters. (۴۵

(Eat and enjoy yourselves for a little; surely you are guilty. (۴۶

(Woe on that day to the rejecters. (۴۷

(And where it is said to them: Bow down, they do not bow down. (۴۸

(Woe on that day to the rejecters. (۴۹

(In what announcement, then, after it, will they believe? (۵۰

ترجمه انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

By the [winds] sent forth for a purpose (١)

,and gales that rage on and on (٢)

;scattering things around (٣)

,then dividing them all up (۴)

and delivering a Reminder (۵)

,either as a plea or a warning (۶)

you (all) are surely (٧)

.promised something inevitable

,When the stars fade away (٨)

,w hen the sky splits open (٩)

when mountains are pulverized (١٠)

,and when messengers' time is set (١١)

?till which day will they be put off (١٢)

!Till the day for Sorting [things] out (١٣)

?What will make you realize what the day for Sorting is (١٤)

!It will be too bad for rejectors on that day (١٥)

?Did We not wipe out ancient men (١٦)

.Then We followed them up with later ones (١٧)

!Thus We deal with criminals (١٨)

!It will be too bad for rejectors on that day (١٩)

?Do We not create you (all) from a despised fluid (٢٠)

We place it in a firm resting-place (٢١)

.for a known period (٢٢)

!We measure it out and how favored are Those Who measure it (٢٣)

!It will be too bad for rejectors on that day (٢٤)

Have We not placed the earth as a round- up (٢٥)

?for the living and the dead (٢٦)

(٢٧) We have planted lofty headlands on it and offered you (all) fresh water to drink.

(٢٨) It will be too bad for rejectors on that day!

(٢٩) Hurry off to whatever you have been rejecting!

(٣٠) Hurry away to shade which has three sections,

(٣١) which is not shady nor any help against flame.

(٣٢) It throws off sparks like a palace [on fire],

(٣٣) [bright] as a yellow camel herd.

(٣٤) It will be too bad for rejectors on that day!

(٣٥) This will be

;[a day when they will not utter [a sound

.nor will they be permitted to offer any excuse (۳۶)

!It will be too bad for rejectors on that day (۳۷)

This is a day for Sorting [things] out; We shall bring you (all) together with the (۳۸) .original men

.If you have any scheme, then scheme against me (۳۹)

!It will be too bad for rejectors on that day (۴۰)

The heedful will be in shady nooks by springs (۴۱)

:and have whatever fruit they may hanker for (۴۲)

".Eat and drink at leisure because of what you have been doing" (۴۳)

.Thus We reward those who act kindly (۴۴)

.It will be too bad for rejectors on that day (۴۵)

.Eat and enjoy yourselves for a little while, since you are criminals (۴۶)

.It will be too bad for rejectors on that day (۴۷)

When someone told them: "Bow your heads!", they would not bow their heads [in (۴۸) .[prayer

.It will be too bad for rejectors on that day (۴۹)

?Yet what report will they believe in later on (۵۰)

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(By the loosed ones successively (۱

(storming tempestuously (٢

(by the scatterers scattering (٣

(and the severally severing (۴

(and those hurling a reminder (۵

(excusing or warning, (۶

(surely that which you are promised is about to fall! (٧

(When the stars shall be extinguished, (٨

(when heaven shall be split (٩

(when the mountains shall be scattered (١٠

'and when the Messengers

(time is set, (١١

(to what day shall they be delayed? (١٢

(To the Day of Decision. (١٣

(And what shall teach thee what is the Day of Decision? (١۴

(Woe that day unto those who cry it lies ! (١۵

(Did We not destroy the ancients, (١۶

(and then follow them with the later folk? (١٧

(So We serve the sinners. (١٨

(Woe that day unto those who cry it lies! (١٩

(Did We not create you of a mean water, (٢٠

(that We laid within a sure lodging (٢١

(till a known term decreed? (٢٢

(We determined; excellent determiners are We. (٢٣

(Woe that day unto those who cry it lies! (٢۴

(Made We not the earth to be a housing (٢۵

(for the living and for the dead? (٢۶

(Set We not therein soaring mountains? Sated you with sweetest water? (٢٧

(Woe that day unto those who cry it lies! (٢٨

(Depart to that you cried was lies! (٢٩

(Depart to a triple-massing shadow (٣٠

(unshading against the blazing flame (٣١

(that shoots sparks like dry faggots, (٣٢

(sparks like to golden herds. (٣٣

(Woe that day unto those who cry it lies! (٣٤

(This is the day they shall not speak (٣٥

(neither be given leave, and excuse themselves. (٣٦

(Woe that day unto those who cry it lies! (٣٧

(This is the Day of Decision; We have joined you with the ancients; (٣٨`

(if you have a trick, try you now to trick Me!' (٣٩

Woe that day unto those

(who cry it lies! (۴۰

(Truly the godfearing shall dwell amid shades and fountains, (۴۱

(and such fruits as their hearts desire: (۴۲

(Eat and drink, with wholesome appetite, for that you were working.' (۴۳`

(Even so do We recompense the good-doers. (۴۴

(Woe that day unto those who cry it lies! (۴۵

(Eat and take your joy a little; you are sinners!' (۴۶`

(Woe that day unto those who cry it lies! (۴۷

(When it is said to them, `Prostrate yourselves!' they prostrate not. (۴۸

(Woe that day unto those who cry it lies! (۴۹

(In what discourse after this will they believe? (۵۰

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(By the emissary winds, (sent) one after another (۱

(By the raging hurricanes, (۲

(By those which cause earth's vegetation to revive; (۳

(By those who winnow with a winnowing, (۴

(By those who bring down the Reminder, (۵

(To excuse or to warn, (۶

(Surely that which ye are promised will befall. (۷

(So when the stars are put out, (٨

(And when the sky is riven asunder, (٩

(And when the mountains are blown away, (١٠

(And when the messengers are brought unto their time appointed (١١

(For what day is the time appointed? (١٢

(For the Day of Decision. (١٣

(And what will convey unto thee what the Day of Decision is! (١٤

(Woe unto the repudiators on that day! (١٥

(Destroyed We not the former folk, (١٦

(Then caused the latter folk to follow after? (١٧

(Thus deal We ever with the guilty. (۱۸

(Woe unto the repudiators on that day! (۱۹

(Did We not create you from a base fluid (۲۰

(Which We laid up in a safe abode (۲۱

(For a known term? (۲۲

(Thus We arranged. How excellent is Our arranging! (۲۳

(Woe unto the repudiators on that day! (۲۴

(Have We not made the earth a receptacle (۲۵

(Both for the living and the dead, (۲۶

(And placed therein high mountains and given you to drink sweet water therein? (۲۷

(Woe unto the repudiators on that day! (۲۸

(It will be said unto them:) Depart unto that (doom) which ye used to deny; (۲۹)

(Depart unto the shadow falling threefold. (۳۰

(Which yet is) no relief nor shelter from the flame. (۳۱)

(Lo! it throweth up sparks like the castles, (۳۲

(Or) as it might be camels of bright yellow hue. (۳۳)

(Woe unto the repudiators on that day! (۳۴

(This is a day wherein they speak not, (۳۵

(Nor are they suffered to put forth excuses. (۳۶

(Woe unto the repudiators on that day! (۳۷

(This is the Day of Decision, We have brought you and the men of old together. (۳۸

(If now ye have any wit, outwit Me. (۳۹

(Woe unto the repudiators on that day! (۴۰

(Lo! those who kept their duty are amid shade and fountains, (۴۱

(And fruits such as they desire. (۴۲

.Unto them it is said:) Eat, drink and welcome, O ye blessed, in return for what ye did)

(۴۳)

(Thus do We reward the good. (۴۴

(Woe unto the repudiators on that day! (۴۵

(Eat and take your ease (on earth) a little. Lo! ye are guilty. (۴۶

(Woe unto the repudiators on that day! (۴۷

(When it is said unto them: Bow down, they bow not down! (۴۸

(Woe unto the repudiators on that day! (۴۹

(In what statement, after this, will they believe? (۵۰

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(By the (Winds) Sent Forth one after another (to mans profit); (۱

(Which then blow violently in tempestuous Gusts (۲

(And scatter (things) far and wide; (۳

(Then separate them one from another (۴

(Then spread abroad a Message (۵

(Whether of Justification or of Warning (۶

(Assuredly what ye are promised must come to pass. (۷

(Then when the stars become dim; (۸

(When the heaven is cleft asunder; (۹

(When the mountains are scattered (to the winds) as dust; (۱۰

(And when the apostles are (all) appointed a time (to collect) (١١

(For what Day are these (Portents) deferred? (١٢

(For the Day of Sorting out. (١٣

(And what will explain to thee what is the Day of Sorting out? (١۴

(Ah woe that Day to the Rejecters of Truth! (١۵

(Did We not destroy the men of old (for their evil)? (١۶

(So shall We make later (generations) follow them. (١٧

(Thus do We deal with men of sin. (١٨

(Ah woe that Day to the Rejecters of Truth! (١٩

Have We not created you

(from a fluid (held) despicable? (۲۰

(The which We placed in a place of rest firmly fixed. (۲۱

(For a period (of gestation) determined (according to need)? (۲۲

For We do determine (according to need); for We are the Best to determine (things)! ((۲۳

(Ah woe that Day to the Rejecters of Truth! (۲۴

(Have We not made the earth (as a place) to draw together (۲۵

(The living and the dead (۲۶

And made therein mountains standing firm lofty (in stature); and provided for you (water sweet (and wholesome)? (۲۷

(Ah woe that Day to the Rejecters of Truth! (۲۸

(It will be said:) "Depart ye to that which ye used to reject as false! (۲۹)

(Depart ye to a Shadow (of smoke ascending) in three columns (۳۰"

(Which yields) no shade of coolness and is of no use against the fierce Blaze. (۳۱)"

(Indeed it throws about sparks (huge) as Forts (۳۲"

(As if there were (a string of) yellow camels (marching swiftly)." (۳۳"

(Ah woe that Day to the Rejecters of Truth! (۳۴

(That will be a Day when they shall not be able to speak (۳۵

(Nor will it be open to them to put forth pleas. (۳۶

(Ah woe that Day to the Rejecters of Truth! (۳۷

That will be a Day of Sorting out! We shall Gather you together and those before (you)!

((۳۸

(Now if ye have a trick (or plot) use it against Me! (۳۹

(Ah woe that Day to the Rejecters of Truth! (۴۰

As to

(the Righteous they shall be amidst (cool) shades and springs (of water). (۴۱

(And (they shall have) fruits all they desire. (۴۲

(Eat ye and drink ye to your hearts content: for that ye worked (Righteousness)." (۴۳"

(Thus do We certainly reward the Doers of Good. (۴۴

(Ah woe that Day to the Rejecters of Truth! (۴۵

O ye Unjust!) Eat ye and enjoy yourselves (but) a little while for that ye are Sinners.) ((۴۶

(Ah woe that Day to the Rejecters of Truth! (۴۷

(And when it is said to them "Prostrate yourselves!" They do not so. (۴۸

(Ah woe that Day to the Rejecters of truth! (۴۹

(Then what Message after that will they believe in? (۵۰

ترجمه فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

.Par ceux qu'on envoie en rafales .۱

!et qui soufflent en tempête .۲

.[Et qui dispersent largement [dans toutes les directions .۳

,(Par ceux qui séparent nettement (le bien et le mal .۴

et lancent un rappel .۵

! !En guise d'excuse ou d'avertissement .۶

.Ce qui vous est promis est inéluctable .۷

,Quand donc les étoiles seront effacées .۸

,et que le ciel sera fendu .۹

,et que les montagnes seront pulvérisées .۱۰

...!et que le moment (pour la réunion) des Messagers a été fixé .۱۱

?A quel jour tout cela a-t-il été renvoyé .۱۲

![Au Jour de la Décision. [le Jugement .۱۳

?Et qui te dira ce qu'est le Jour de la Décision .۱۴

.Malheur, ce jour-là, à ceux qui criaient au mensonge .۱۵

.۱۶

N'avons-Nous pas fait périr les premières [générations]?

١٧. Puis ne les avons-Nous pas fait suivre par les derniers?

١٨. C'est ainsi que Nous agissons avec les criminels.

١٩. Malheur, ce jour-là, à ceux qui criaient au mensonge.

٢٠. Ne vous avons-Nous pas créés d'une eau vile

٢١. que Nous avons placée dans un reposoir sûr,,

٢٢. pour une durée connue?

٢٣. Nous l'avons décrété ainsi et Nous décrétons [tout] de façon parfaite.

٢٤. Malheur, ce jour-là, à ceux qui criaient au mensonge.

٢٥. N'avons-Nous pas fait de la terre un endroit les contenant tous,

٢٦. les vivants ainsi que les morts?

٢٧. Et n'y avons-Nous pas placé fermement de hautes montagnes? Et ne vous avons-Nous pas abreuvés d'eau douce?

٢٨. Malheur, ce jour-là, à ceux qui criaient au mensonge.

٢٩. Allez vers ce que vous traitiez alors de mensonge!

٣٠. Allez vers une ombre [fumée de l'Enfer] à trois branches;

٣١. qui n'est ni ombreuse ni capable de protéger contre la flamme;

٣٢. car [le feu] jette des étincelles volumineuses comme des châteaux,

٣٣. et qu'on prendrait pour des chameaux jaunes.

٣٤. Malheur, ce jour-là, à ceux qui criaient au mensonge.

,Ce sera le jour où ils ne [peuvent] pas parler .۳۵

.et point ne leur sera donné permission de s'excuser .۳۶

.Malheur, ce jour-là, à ceux qui criaient au mensonge .۳۷

C'est le Jour de la Décision [Jugement], où nous vous réunirons ainsi que les .۳۸
.anciens

.Si vous disposez d'une ruse, rusez donc contre Moi .۳۹

Malheur, ce jour-là, à ceux qui .۴۰

.criaient au mensonge

.Les pieux seront parmi des ombrages et des sources .۴۱

.De même que des fruits selon leurs désirs .۴۲

.‹Mangez et buvez agréablement, pour ce que vous faisiez› .۴۳

.C'est ainsi que Nous récompensons les bienfaisants .۴۴

.Malheur, ce jour-là, à ceux qui criaient au mensonge .۴۵

.‹Mangez et jouissez un peu (ici-bas); vous êtes certes des criminels› .۴۶

.Malheur, ce jour-là, à ceux qui criaient au mensonge .۴۷

.Et quand on leur dit: ‹Inclinez-vous, ils ne s'inclinent pas .۴۸

.Malheur, ce jour-là, à ceux qui criaient au mensonge .۴۹

? Après cela, en quelle parole croiront-ils donc .۵۰

ترجمه اسپانیایی

!Por los enviados en ráfagasi .۱

!Por los que soplan violentamentei .۲

!Por los que diseminan en todos los sentidosi .۳

!Por los que distinguen claramentei .۴

Por los que lanzan una amonestacióni .۵

!a modo de excusa o de advertencia .۶

!Ciertamente, aquello con que se os amenaza se cumplirái .۷

,Cuando las estrellas pierden su luz .۸

۹. cuando el cielo se hienda,

۱۰. cuando las montañas sean reducidas a polvo,

۱۱. cuando se fije a los enviados su tiempo:

۱۲. «¿Qué día comparecerán?»

۱۳. «¡El día del Fallo!»

۱۴. Y ¿cómo sabrás qué es el día del Fallo?

۱۵. ¡Ese día, ¡ay de los desmentidores!

۱۶. ¿No hemos hecho que perecieran los primeros hombres

۱۷. y, luego, que les siguieran los últimos?

۱۸. Así haremos con los pecadores.

۱۹. ¡Ese día, ¡ay de los desmentidores!

۲۰. ¿No os hemos creado de un líquido vil,

۲۱. que hemos depositado en un

,receptáculo seguro

?durante un tiempo determinado .۲۲

!Así lo hemos decidido y ¡qué bien que lo hemos decidido .۲۳

!Ese día ¡ay de los desmentidores .۲۴

No hemos hecho de la tierra lugar de reunión¿ .۲۵

,de vivos y muertos .۲۶

?y puesto en ella elevadas montañas? ¿No os hemos dado de beber un agua dulce .۲۷

!Ese día, ¡ay de los desmentidores .۲۸

!Id a lo que desmentíais¡» .۲۹

,Id a la sombra ramificada en tres¡ .۳۰

«!sombra tenue, sombra inútil frente a la llama .۳۱

,Porque arroja chispas grandes como palacios .۳۲

.chispas que semejan camellos leonados .۳۳

!Ese día, ¡ay de los desmentidores .۳۴

Ése será un día en que no tendrán que decir .۳۵

.ni se les permitirá excusarse .۳۶

!Ese día, ¡ay de los desmentidores .۳۷

.Éste es el día del Fallo. Os hemos reunido, a vosotros y a los antiguos» .۳۸

«Si disponéis de alguna artimaña, ¡empleadla contra mí .۳۹

!Ese día, ¡ay de los desmentidores .۴۰

۴۱. Los temerosos de Alá estarán a la sombra y entre fuentes,

۴۲. y tendrán la fruta que deseen.

۴۳. «¡Comed y bebed en paz el fruto de vuestras obras!»

۴۴. Así retribuimos a quienes hacen el bien.

۴۵. ¡Ese día, ¡ay de los desmentidores!

۴۶. «¡Comed y disfrutad aún un poco!, ¡Sois unos pecadores!»

۴۷. ¡Ese día, ¡ay de los desmentidores!

۴۸. Cuando se les dice: «¡Inclinaos!», no se inclinan.

۴۹. ¡Ese día, ¡ay de los desmentidores!

۵۰. ¿En qué anuncio, después de éste, van a creer?

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des

.digen, des BarmherzigenنGn

,Bei denen, die gute Gedanken in die Herzen senden .١

,Und bei den stürmischen Wallungen, die stürmischen .٢

,ften, die stets (die Wahrheit) verbreitenنUnd bei den Kr .٣

,Und dann zwischen (Gut und Bse) unterscheiden .۴

,Und dann die Ermahnung überall tragen .۵

.Zu entschuldigen oder zu warnen .۶

.sich erfüllen كen ward, muكWahrlich, was euch verhei .٧

Wenn dann die Sterne erlschen .٨

,Und (die Pforten des) Himmels sich ffnen .٩

Und wenn die Berge hinweggeblasen sind .١٠

- Und die Gesandten zu ihrer vorbestimmten Zeit gebracht werden .١١

?Für welchen Tag sind (diese Geschehnisse) aufgeschoben worden .١٢

.Für den Tag der Entscheidung .١٣

- !Und wie kannst du wissen, was der Tag der Entscheidung ist .١۴

!Wehe an jenem Tag den Leugnern .١۵

?Haben Wir nicht die Früheren vernichtet .١۶

.teren ihnen folgenنNun lassen Wir die Sp .١٧

.So verfahren Wir mit den Schuldigen .١٨

!Wehe an jenem Tag den Leugnern .١٩

٢٠. Schufen Wir euch nicht aus einer verنchtlichen Flüssigkeit,

٢١. Die Wir an sichere Stنtte brachten,

٢٢. Für eine bewuكte Frist?

٢٣. So bemaكen Wir. Wie trefflich ist Unsere Bemessung!

٢٤. Wehe an jenem Tag den Leugnern!

٢٥. Haben Wir die Erde nicht gemacht, zu halten

٢٦. Die Lebenden und die Toten?

٢٧. Und Wir setzten in sie hohe Berge und gaben euch süكes Wasser zu trinken.

٢٨. Wehe an jenem Tag den Leugnern!

٢٩. «Gehet nun hin zu dem, was ihr nicht glaubtet.

٣٠. Gehet hin zu einem Schatten, der drei Wandlungen hat,

٣١. Der keine Erleichterung

bietet noch vor der Flamme schützt.»

۳۲. Siehe, sie wirft Funken empor gleich Türmen,

۳۳. Als wنren sie Kamele von hellgelber Farbe.

۳۴. Wehe an jenem Tag den Leugnern!

۳۵. Das ist ein Tag, da sie nicht (fنhig sein werden zu) sprechen,

۳۶. Noch wird ihnen erlaubt sein, Entschuldigungen vorzubringen.

۳۷. Wehe an jenem Tag den Leugnern!

۳۸. «Dies ist der Tag der Entscheidung. Wir haben euch und die Früheren versammelt.

۳۹. Habt ihr nun eine List, so brauchet sie wider Mich.»

۴۰. Wehe an jenem Tag den Leugnern!

۴۱. Die Gerechten werden inmitten von Schatten und Quellen sein,

۴۲. Und Früchten, wie sie sich wünschen.

۴۳. «Esset und trinkt in Gesundheit, um dessentwillen, was ihr getan.»

۴۴. So fürwahr lohnen Wir denen, die Gutes tun.

۴۵. Wehe an jenem Tag den Leugnern!

۴۶. «Esset und ergtzt euch (auf Erden) eine kleine Weile. Gewiك, ihr seid die Schuldigen.»

۴۷. Wehe an jenem Tag den Leugnern!

۴۸. Und wenn zu ihnen gesprochen wird: «Beuget euch!», sie beugen sich nicht.

۴۹. Wehe an jenem Tag den Leugnern!

?An welches Wort, nach diesem, wollen sie denn glauben .۵۰

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

, Per le inviate in successione .۱

,per quelle che impetuose tempestano .۲

,per quelle che si diffondono ampie .۳

per quelle che separano con esattezza .۴

e per quelle che lanciano un monito .۵

!a guisa] di scusa o di avvertimento] .۶

,In verità quello che vi è stato promesso avverrà .۷

quando le stelle perderanno la luce .۸

e .۹

si fenderà il cielo

e le montagne saranno disperse .١٠

...!e sarà indicato il momento ai Messaggeri .١١

?A quale giorno saranno rinviati .١٢

! Al Giorno della Decisione .١٣

?Chi mai ti dirà cos'è il Giorno della Decisione .١۴

! Guai, in quel Giorno, a coloro che tacciano di menzogna .١۵

?Già non facemmo perire gli antichi .١۶

?E non li facemmo seguire dagli ultimi .١٧

.Così trattiamo i colpevoli .١٨

!Guai, in quel Giorno, a coloro che tacciano di menzogna .١٩

, Non vi creammo da un liquido vile .٢٠

che depositammo in un sicuro ricettacolo .٢١

? per un tempo stabilito .٢٢

.[Siamo Noi che lo stabiliamo. Siamo i migliori nello stabilire [tutte le cose .٢٣

!Guai, in quel Giorno, a coloro che tacciano di menzogna .٢۴

Non abbiamo fatto della terra un luogo di riunione .٢۵

?dei vivi e dei morti .٢۶

? Non vi ponemmo alte montagne? Non vi demmo da bere un'acqua dolce .٢٧

!Guai, in quel Giorno, a coloro che tacciano di menzogna .٢٨

۲۹. [Sarà detto ai miscredenti]: «Andate verso quel che tacciavate di menzogna!

۳۰. Andate verso un'ombra di tre colonne

۳۱. che non ombreggia e non ripara dalla vampa [infernale]

۳۲. che proietta scintille [grandi] come tronchi,

۳۳. che sembrano invero lastre di rame» .

۳۴. Guai, in quel Giorno, a quelli che tacciano di menzogna!

۳۵. Sarà il Giorno in cui non potranno parlare,

۳۶. e non sarà dato loro il permesso di scusarsi.

۳۷. Guai, in quel Giorno, a coloro che tacciano di

!menzogna

.E' il Giorno della Decisione, in cui riuniremo voi e gli antichi .۳۸

.Se possedete uno stratagemma, usatelo dunque contro di Me .۳۹

!Guai, in quel Giorno, a coloro che tacciano di menzogna .۴۰

,I timorati [di Allah] saranno tra ombre e sorgenti .۴۱

.e frutti che brameranno .۴۲

Sarà detto loro]: « Mangiate e bevete in pace, [compenso] per quello che avete] .۴۳
.«fatto

.Compensiamo così coloro che compiono il bene .۴۴

!Guai, in quel Giorno, a coloro che tacciano di menzogna .۴۵

.« Sarà detto loro]: « Mangiate e godete un poco , voi che siete criminali] .۴۶

!Guai, in quel Giorno, a coloro che tacciano di menzogna .۴۷

.Quando si dice loro: «Inchinatevi » , non si inchinano .۴۸

!Guai, in quel Giorno, a coloro che tacciano di menzogna .۴۹

?A quale discorso mai crederanno, dopo di ciò .۵۰

ترجمه روسی

!Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного

,Клянусь посылаемыми поочередно .۱

,и веющими сильно .۲

,и распространяющими бурно .۳

۴. и различающими твердо,

۵. и передающими напоминание,

۶. извинение или внушение!

۷. Ведь то, что вам обещано, – готово – случиться.

۸. И когда звезды померкнут,

۹. и когда небо расколется,

۱۰. и когда горы развеются,

۱۱. и когда посланникам будет дан срок, –

۱۲. до какого дня будет отложено?

۱۳. До дня различения!

۱۴. А что тебе даст знать, что такое день различения?

۱۵. Горе в тот день обвиняющим во лжи!

۱۶. Разве Мы не погубили первых?

۱۷. Потом отправим Мы за ними вслед позднейших.

۱۸. Так поступаем Мы с грешниками.

۱۹. Горе

!в тот день обвиняющим во лжи

Разве Мы не создали вас из воды ничтожной .۲۰

и поместили ее в прочном месте .۲۱

?до известного срока .۲۲

!Мы распределили, и как прекрасны распределяющие .۲۳

!Горе в тот день обвиняющим во лжи .۲۴

Разве Мы не сделали землю вместилищем .۲۵

,живым и мертвым .۲۶

?и устроили на ней прочно стоящие, гордые, и напоили вас водой пресной .۲۷

!Горе в тот день обвиняющим во лжи .۲۸

!Ступайте к тому, что вы обзывали ложью .۲۹

,Ступайте к тени с тремя разветвлениями .۳۰

!не тенистой, и не спасает она от пламени .۳۱

,Ведь оно бросает искры, как замки .۳۲

.точно они желтые верблюды .۳۳

!Горе в тот день обвиняющим во лжи .۳۴

.Это – день, когда не заговорят .۳۵

.И не будет дано позволения, чтобы им оправдаться .۳۶

!Горе в тот день обвиняющим во лжи .۳۷

.Это – день разделения; собрали Мы вас и первых .۳۸

۳۹. И если есть у вас хитрость, то ухитритесь против Меня!

۴۰. Горе в тот день обвиняющим во лжи!

۴۱. Богобоязненные ведь среди тени, и источников,

۴۲. и плодов, каких ни пожелают.

۴۳. Ешьте и пейте во здравие за то, что вы творили!

۴۴. Поистине, так Мы вознаграждаем добродеющих!

۴۵. Горе в тот день обвиняющим во лжи!

۴۶. Ешьте и пользуйтесь немного: ведь вы - грешники.

۴۷. Горе в тот день обвиняющим во лжи!

۴۸. И когда скажут им: "Поклонитесь!" - они не кланяются.

۴۹. Горе в тот день обвиняющим во лжи!

۵۰. В какой же рассказ после этого вы уверуете?

ترجمه ترکی استانبولی

Rahman ve rahîm

Allah adiyle.

١- Andolsun, ard ardnca, iyilikle gnderilenlere.

٢- قiddetle esip yelenlere.

٣- Bulutlar yayp sürenlere.

٤- Gerçekle asl olmayan ayrt edenlere.

٥- ضًütleri telkin edenlere.

٦- ضzürle suçu yok etmek husûsunda olsun, yahut korkutma husûsuna âit bulunsun.

٧- قüphe yok ki size vaat edilen, mutlaka olacak.

٨- Yldzlarn klar snünce.

٩- Ve gk yarlnca.

١٠- Ve daĺar, yerlerinden kopup dümdüz olunca.

١١- Ve peygamberler toplannca.

١٢- Hangi gün için geciktirildi bunlar?

١٣- Ayrma günü için.

١٤- Ve nedir, bilir misin ayrma günü?

١٥- Vay hallerine o gün yalanlayanlarn.

١٦- ضnce gelenleri helâk etmedik mi?

١٧- Sonra da son gelenleri tutar, katarz onlara.

١٨- Byle yaparz günahkârlara.

١٩- Vay hallerine o gün yalanlayanlarn.

?Sizi, baya ve azck bir sudan yaratmadk m -۲۰

?Derken onu, karâr edilecek kuvvetli bir yerde tutmadk m -۲۱

.Bilinen bir müddete dek -۲۲

.Derken taktîr ettik yaratl n, ne güzel de takdîr ederiz biz -۲۳

.Vay hallerine o gün yalanlayanlarn -۲۴

?Yeryüzünü, bir toplant yeri olarak halk etmedik mi -۲۵

.Dirilere ve lülere -۲۶

.Ve orada, sâbit ve metin dalar yarattk ve sizi, tatl suyla suvardk -۲۷

.Vay hallerine o gün yalanlayanlarn -۲۸

.Haydi yürüyün yalanladnza doru -۲۹

.Yürüyün üç kola ayrlm glgeye doru -۳۰

.Ne glgelendirir sizi o, ne alevden korur -۳۱

.O, k k gibi kvlcmlar frlatr -۳۲

.Sanki o kvlcmlar, birer sar erkek devedir -۳۳

.Vay hallerine o gün yalanlayanlarn -۳۴

.Bu, bir gündür ki sz syleyemezler -۳۵

.Onlara izin de verilmez, zür getiremezler -۳۶

.Vay hallerine o gün yalanlayanlarn -۳۷

.Budur ayrma günü, sizi de toplarz, ncekileri de -۳۸

۳۹- Artk bir düzeniniz varsa düzüp ko un.

۴۰- Vay hallerine o gün yalanlayanlarn.

۴۱- قüphe yok ki çekinenler, glgeliklerdedir ve pnar ba larnda,

۴۲- arzuladklar meyveleri bulurlar.

۴۳- Yiyin ve için, âfiyetler olsun yaptklarnza kar lk.

۴۴- قüphe yok ki byle mükâfatlandrrz iyilik edenleri.

۴۵- Vay hallerine o gün yalanlayanlarn.

۴۶- Yiyin ve geçinin az bir müddet, üphe yok ki suçlularsnz siz.

۴۷- Vay hallerine o gün yalanlayanlarn.

۴۸- Rükû edin denince onlara, rükû etmezler.

۴۹- Vay hallerine o gün yalanlayanlarn.

۵۰- Bundan sonra artk hangi sze inanrlar ki?

ترجمه آذربایجانی

Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə!

۱. And olsun bir-birinin ardınca göndərilənlərə (mələklərə, peyğəmbərlərə, yaxud küləklərə);

۲. And olsun şiddətlə əsənlərə (və ya yel kimi tez gedənlərə);

۳. And olsun (Allahın ayələrini, kitablarını və əmrlərini) yayanlara;

۴. And olsun (haqla batili) ayıranlara;

۵. And olsun vəhyi (peyğəmbərlərə) çatdıranlara -

Mö'minlər tövbə edib) üzr diləmək və ya (kafirləri) qorxutmaq üçün (olan vəhyi) .۶
,çatdıranlara) ki

!Sizə və'd edilən (qiyamət) mütləq vaqe olacaqdır .۷

;Ulduzlar sönəcəyi .۸

;Göy yarılacağı .۹

;(Dağlar parça-parça olub dağılacağı (toz kimi havada uçacağı .۱۰

Peyğəmbərlərə (öz ümmətlərinə şahidlik etmək üçün bir qədər) möhlət veriləcəyi .۱۱
,zaman

"?Belə soruşulacaqdır:) "(Bunlara) hansı günə qədər möhlət verilmişdir) .۱۲

Həmin suala cavab olaraq deyiləcəkdir:) "(Haqla batili) ayırd ediləcəyi günə) .۱۳
"!qədər

!?Nə bilirsən (haradan bilirsən) ki, nədir o ayırd etmə günü .۱۴

!O gün vay halına (qiyaməti) yalan sayanların .۱۵

!?Məgər Biz əvvəlkiləri (keçmiş kafir ümmətləri) məhv etmədikmi .۱۶

.Sonra axırda gələnləri (Məkkə müşriklərini) də onlara qatacağıq .۱۷

.Biz günahkarlarla belə rəftar edirik .۱۸

O gün vay halına .۱۹

!qiyaməti) yalan sayanların)

!?Məgər sizi bir qətrə zəif (dəyərsiz) sudan (nütfədən) yaratmadıqmı .۲۰

,Biz onu möhkəm bir yerdə (ana bətnində) saxladıq .۲۱

.Müəyyən bir vaxta qədər .۲۲

!Biz (nütfədən insan yaratmağa) qadir olduq. Nə gözəl qadir olanlarıq Biz .۲۳

!O gün vay halına (qiyaməti) yalan sayanların .۲۴

Məgər Biz yeri məskən etmədikmi .۲۵

Həm dirilərə, həm də ölülərə?! (Yerin altında ölülər yatar, üstündə dirilər gəzib- .۲۶
.(dolanar

.Biz orada möhkəm durmuş uca dağlar yaratdıq və sizə şirin su içirtdik .۲۷

!O gün vay halına (bu ne'mətləri) yalan sayanların .۲۸

O gün kafirlərə belə deyiləcəkdir:) "Girin (dünyada) yalan hesab etdiyiniz) .۲۹
!(cəhənnəm əzabının) içinə

"!Girin (cəhənnəm tüstüsünün) üç qola ayrılmış kölgəsinə .۳۰

.O (sizə) nə kölgəlik olar, nə də (sizi) alovdan qoruyar .۳۱

.O (hər biri) bir saray boyda qığılcımlar saçar .۳۲

.O (qığılcımlar), sanki sarı dəvə sürükləridir .۳۳

!O gün vay halına (qiyaməti) yalan sayanların .۳۴

.Bu elə bir gündür ki, (qiyaməti yalan sayanlar) danışa bilməzlər .۳۵

.Onlara üzr istəməyə izin də verilməz .۳۶

!O gün vay halına (qiyaməti) yalan sayanların .۳۷

Bu sizi də, (sizdən) əvvəlkiləri də bir yerə topladığımız (haqla batili) ayırd etmə .۳۸
!günüdür

Dünyada etdiyiniz kimi, bu günün əzabından qurtarmaq üçün) bir hiyləniz varsa,) .۳۹
!Mənə qarşı qurun görək

!O gün vay halına (qiyaməti) yalan sayanların .۴۰

,Həqiqətən, (o gün) müttəqilər kölgəliklərdə və çeşmələr başında .۴۱

!İstədikləri meyvə içində olacaqlar .۴۲

Onlara belə deyiləcəkdir:) "(Dünyada) etdiyiniz (yaxşı) əməllərə görə nuşcanlıqla) .۴۳
!yeyin-için

"!Biz yaxşı əməl sahiblərini belə mükafatlandırırıq .۴۴

!O gün vay halına (qiyaməti) yalan sayanların .۴۵

Siz ey) .۴۶

kafirlər!) Yeyin və (dünyada) bir az kef çəkin. Həqiqətən, siz günahkarlarsınız! (Axirətdə qismətiniz Cəhənnəmdir!)

۴۷. O gün vay halına (qiyaməti) yalan sayanların!

۴۸. Onlara: "Namaz qılın!" – deyildiyi zaman namaz qılmazlar!

۴۹. O gün vay halına (qiyaməti) yalan sayanların!

۵۰. (Bu kafirlər) ona da (Qur'ana da) inanmayandan sonra daha hansı kəlama inanacaqlar?!

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام ل□ کر جو ب□ا م□ربان ن□ایت رحم والا □□

۱. □واؤ□ کی قسم جو نرم نرم چلتی □ی□

۲. پ□ر زور پک□ کر ج□ک□ □و جاتی □ی□

۳. اور (بادلو□ کو) پ□ا□ کر پ□یلا دیتی □ی□

۴. پ□ر ان کو پ□ا□ کر جدا جدا کر دیتی □ی□

۵. پ□ر فرشتو□ کی قسم جو وحی لات□ □ی□

۶. تاک□ عذر (رفع) کردیا جائ□ یا □ر سنا دیا جائ□

۷. ک□ جس بات کا تم س□ وعد□ کیا جاتا □□ و□ □و کر ر□□ گی

۸. جب تارو□ کی چمک جاتی ر□□

۹. اور جب آسمان پ□□ جائ□

۱۰. اور جب پ□ا□ اُ□□ اُ□□ پ□ری□

۱۱. اور جب پیغمبر فرا□م کئ□ جائی□

۱۲. ب□لا (ان امور می□) تاخیر کس دن ک□ لئ□ کی گئی؟

۱۳. فیصل□ ک□ دن ک□ لئ□

۱۴. اور تم□ی□ کیا خبر ک□ فیصل□ کا دن کیا □□؟

۱۵. اس دن ج□□لان□ والو□ ک□ لئ□ خرابی □□

۱۶. کیا □م ن□ پ□ل□ لوگو□ کو □لاک ن□ی□ کر □الا

۱۷. پ□ر ان پچ□لو□ کو ب□ی ان ک□ پیچ□□ ب□یج دیت□ □ی□

۱۸. □م گن□گارو□ ک□ سات□ ایسا □ی کیا کرت□ □ی□

۱۹. اس دن ج□□لان□ والو□ کی خرابی □□

۲۰. کیا □م ن□ تم کو حقیر پانی س□ ن□ی□

پیدا کیا؟

۲۱. (پ□ل□) اس کو ایک محفوظ جگ□ می□ رک□ا

۲۲. ایک وقت معین تک

۲۳. پ□ر انداز□ مقرر کیا اور □م کیا □ی خوب انداز□ مقرر کرن□ وال□ □ی□

۲۴. اس دن ج□□لان□ والو□ کی خرابی □□

۲۵. کیا □م ن□ زمین کو سمی□ن□ والی ن□ی□ بنایا

۲۶. یعنی) زندو□ اور مردو□ کو

۲۷. (بنایا) اور اس پر اونچ□ اونچ□ پ□ا□ رک□ دیئ□ اور تم لوگو□ کو می□□ا پانی پلایا

۲۸. اس دن ج□□لان□ والو□ کی خرابی □□

۲۹. جس چیز کو تم ج□□لایا کرت□ ت□□ (اب) اس کی طرف چلو

۳۰. (یعنی) اس سائ□ کی طرف چلو جس کی تین شاخی□ □ی□

۳۱. ن□ □□ن□ی چ□اؤ□ اور ن□ لپ□ س□ بچاؤ

۳۲. اس س□ (آگ کی اتنی اتنی ب□ی) چنگاریا□ اُ□تی □ی□ جیس□ محل

۳۳. گویا زرد رنگ ک□ اون□ □ی□

۳۴. اس دن ج□□لان□ والو□ کی خرابی □□

۳۵. ی□ و□ دن □□ ک□(لوگ) لب تک ن□ □لا سکی□ گ□

۳۶. اور ن□ ان کو اجازت دی جائ□ گی ک□ عذر کرسکی□

۳۷. اس دن ج□□لان□ والو□ کی خرابی □□

۳۸. ی□ی فیصل□ کا دن □□ (جس می□) □م ن□ تم کو اور پ□ل□ لوگو□ کو جمع کیا □□

۳۹. اگر تم کو کوئی داؤ□ آتا □و تو مج□ س□ کر لو

۴۰. اس دن ج□□لان□ والو□ کی خرابی □□

۴۱. بیشک پر□یزگار سایو□ اور چشمو□ می□ □و□ گ□

۴۲. اور میؤو□ می□ جو ان کو مرغوب □و□

۴۳. اور جو عمل تم کرت□ ر□□ ت□□ ان ک□ بدل□ می□ مز□ س□ ک□اؤ اور پیو

۴۴. □م نیکو کارو□ کو

ایسا □ی بدل□ دیا کرت□ □ی□

۴۵. اس دن ج□□لان□ والو□ کی خرابی □وگی

۴۶. (ا□ ج□□لان□ والو!) تم کسی قدر ک□ا لو اور فائد□ اُ□□ا لو تم بیشک گن□گار □و

۴۷. اس دن ج□□لان□ والو□ کی خرابی □□

۴۸. اور جب ان س□ ک□ا جاتا □□ ک□ (خدا ک□ آگ□) ج□کو تو ج□کت□ ن□ی□

۴۹. اس دن ج□□لان□ والو□ کی خرابی □□

۵۰. اب اس ک□ بعد ی□ کون سی بات پر ایمان لائی□ گ□؟

ترجمه پشتو

$ (۱)

$ (۲)

$ (۳)

$ (۴)

$ (۵)

$ (۶)

$ (۷)

$ (۸)

$ (۹)

$ (۱۰)

$ (۱۱)

$ (۱۲)

$ (١٣)

$ (١٤)

$ (١٥)

$ (١٦)

$ (١٧)

$ (١٨)

$ (١٩)

$ (٢٠)

$ (٢١)

$ (٢٢)

$ (٢٣)

$ (٢٤)

$ (٢٥)

$ (٢٦)

$ (٢٧)

$ (٢٨)

$ (٢٩)

$ (٣٠)

$ (٣١)

$ (٣٢)

$ (۳۳)

$ (۳۴)

$ (۳۵)

$ (۳۶)

$ (۳۷)

$ (۳۸)

$ (۳۹)

$ (۴۰)

$ (۴۱)

$ (۴۲)

$ (۴۳)

$ (۴۴)

$ (۴۵)

$ (۴۶)

$ (۴۷)

$ (۴۸)

$ (۴۹)

$ (۵۰)

ترجمه کردی

۱. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn Bi wan (bayê) şandayê (peywestene) ji bona

.qencîyan

.Bi wan (bayê) bagerok .۲

.(Bi wan (bayê) vekerokê (tiştan e .۳

.Bi wan (bayê) ji hev derxistok .۴

.Bi wan (bayê) bûyerên (borî) tîne bîra merivan .۵

.Tatan û ya jî hişyarîyê .۶

.Sond dixum!) tişta ji bo¬na we ra hatîye peymandanê, wê hatibe) .۷

.Îdî gava sitêrk biçilmisin .۸

.(Û gava ezman ji hev çirya (ji hev çû .۹

.Gava çîya hatine jenandinê .۱۰

.Û gava qasid (ji bona nihrewanîyê) danê ra dewanîyê dabe .۱۱

?Aha tê gotinê): "Ji bona kîjan royê "Dan" para hatîye danînê) .۱۲

.(Ji bona roja berewanî (tê da tê kirinê .۱۳

?Tu ji ku dizanî, ka roja berewanîyê çîye .۱۴

!Di wê royê da, xwelî li derewdêran be .۱۵

?Maqey me ewan (virekê) berê teşqele ne kirîye .۱۶

.Paşê emê ewanê para da mayî jî bûne peyrewê wan .۱۷

Bi vî awayî .۱۸

em gunehkaran (celat) dikin.

۱۹. Di wê royê da xwelî li derewdêran be.

۲۰. Maqey me hûn ji aveke sike tîr ne afirandîne?

۲۱. Îdî me eva (ava) di ewreke parisvane bi hêz da cîh kirîye.

۲۲. Heya danekî dîyarî.

۲۳. Îdî me ewa (ava) pîva (xistiye meriv). Îdî pîvdanok çiqa qenc e!

۲۴. Di wê royê da xwelî li derewdêran be.

۲۵. Maqey me zemîn ne xistîye şûna civînê?

۲۶. Ji bona zindî û miryan.

۲۷. Û me di zemîn da çîyane bilindê dirêj binecî danîne û me hûn bi ava hêsaî û şirin dane avdanê.

۲۸. Di wê royê da xwelî li derewdêran be.

۲۹. Hûn (gelî filan!) li bal wê (şapata) ku we bi hatina wê derew dikinir, herin.

۳۰. Hûn li bal wê sî ya (doja) sê şax da herin.

۳۱. Ewan (sîyan) sîwanê nakin û ji pêtê agir jî (naparisînin).

۳۲. Bi rastî ewa (doja) pêtê wusa devêje, ta dibê qey wekî koşkan in.

۳۳. Ewan (pêtê hatine avêtinê) tu dibê qey pîletê keleka nin (ji agirê) sor (dirêj bûne).

۳۴. Di wê royê da xwelî li derewdêran be.

۳۵. Eva roja royeke wusane qe ewan tê da na-axivin.

۳۶. Ji bona wan ra destûr nayê dayînê heya, ku ewan tatê xwe jî bixwazin.

.Di wê royê da xwelî li derewdêran be .۳۷

Ewa roja (ku pûçî û rastî ji hev ra diqete) eva ye. Emê we û ewanê berya we da (di .۳۸
.vê royî da) bicivînin

Îdî heke ji bona we ra endeze hene (ku hûn xwe .۳۹

.bi wan fereste bikin) ka ji bona xwe ra endezan bikin

.Di wê royê da xwelî li derewdêran be .۴۰

.Bi rastî Xuda-pariz di nava sîwan fi kanî ya danin .۴۱

.Di nava êmîşên dilxwastî danin .۴۲

Hûn (gelî Xuda parizan!) bi sedema kirinê xwe bigivirandin bixwun û vexun, noşê .۴۳
.canê we be

.Bi rastî em bi vî awayî qenckaran xelat dikin .۴۴

.Di wê royê da xwelî li derewdêran be .۴۵

Gelî gunehkaran!) hûn hindik bi xwaşî bixun û bijîn. Qe (tu zîyan tuneye) bi rastî hûn) .۴۶
.gunehkar in

.Di wê royê da xwelî liderewdêran be .۴۷

Gava ji bona wan ra hatîye gotinê: "Hûn ji bona (Yezdan ra) xwe kûz bikin. Ewan (ji .۴۸
.bona Yezdan ra biperestî) xwe kûz nakin

.Di wê royê da xwelî li derewdêran be .۴۹

?Îdî gelo ji piştî (Qur'an ê) ewanê bi kîjan axiftinê bawer bikin .۵۰

ترجمه اندونزی

(dan apabila langit telah dibelah,(۹

(dan apabila gunung- gunung telah dihancurkan menjadi debu, (۱۰

(dan apabila rasul- rasul telah ditetapkan waktu (mereka).(۱۱) (۲

Niscaya dikatakan kepada mereka): " Sampai hari apakah ditangguhkan (mengazab)
(orang- orang kafir itu)"(۱۲) (۳

(Sampai hari keputusan.(۱۳) (۴

(Dan tahukah kamu apakah hari keputusan itu (١۴) (۵

(Kecelakaan yang besarlah pada hari itu bagi orang- orang yang mendustakan.(١۵) (۶

(Bukankah kami telah membinasakan orang- orang yang dahulu(١۶) (٧

Lalu Kami iringkan (azab Kami terhadap) mereka dengan (mengazab) orang- orang (yang datang kemudian. (١٧) (٨

(Demikianlah Kami berbuat terhadap orang- orang yang berdosa.(١٨) (٩

(Kecelakaan besarlah pada hari itu bagi orang- orang yang mendustakan.(١٩) (١٠

(Bukankah Kami menciptakan kamu dari air yang hina,(٢٠) (١١

(Kemudian Kami letakkan dia dalam tempat yang kokoh (rahim),(٢١) (١٢

(sampai waktu yang ditentukan,(٢٢) (١٣

lalu Kami tentukan (bentuknya) , maka Kami- lah sebaik- baik yang menentukan.(٢٣) ((١۴

(Kecelakaan yang besarlah pada hari itu bagi orang- orang yang mendustakan.(٢۴) (١۵

(Bukankah Kami menjadikan bumi (tempat) berkumpul,(٢۵) (١۶

(Orang- orang hidup dan orang- orang mati,(٢۶) (١٧

dan Kami jadikan padanya gunung- gunung yang tinggi, dan Kami beri minum kamu (dengan air yang tawar(٢٧) (١٨

(Kecelakaan yang besarlah pada hari itu bagi orang- orang yang mendustakan.(٢٨) (١٩

Dikatakan kepada mereka pada hari kiamat):" Pergilah kamu mendapatkan azab) (yang dahulunya kamu mendustakannya.(٢٩) (٢٠

(Pergilah kamu mendapatkan naungan yang mempunyai tiga cabang,(٣٠) (٢١

(yang tidak melindungi dan tidak pula menolak nyala api neraka".(٣١) (٢٢

(Sesungguhnya neraka itu melontarkan bunga api sebesar dan setinggi istana,(٣٢) (٢٣

(seolah- olah ia iringan unta yang kuning.(٣٣) (٢۴

(Kecelakaan yang besarlah pada hari itu bagi orang- orang yang mendustakan.(٣۴) (٢۵

(Ini adalah hari, yang mereka tidak dapat berbicara (pada hari itu),(٣۵) (٢۶

dan tidak diizinkan kepada mereka minta uzur sehingga mereka (dapat) minta uzur. ((٣۶) (٢٧

(Kecelakaan yang besarlah pada hari itu bagi orang- orang yang mendustakan.(٣٧) (٢٨

Ini adalah hari keputusan; (pada hari ini) Kami mengumpulkan kamu dan orang- (orang yang terdahulu. (٣٨) (٢٩

Jika kamu mempunyai tipu daya, maka lakukanlah tipu dayamu itu terhadap- Ku.(٣٩) ((٣٠

(Kecelakaan yang besarlah pada hari itu bagi orang- orang yang mendustakan.(٤٠) (٣١

Sesungguhnya orang- orang yang bertakwa berada dalam naungan (yang teduh) dan ((di sekitar) mata- mata air.(٤١

(Dan (mendapat) buah- buahan dari (macam- macam) yang mereka ingini.(۴۲) (۳۳

Dikatakan kepada mereka):" Makan dan minumlah kamu dengan enak karena apa) (yang telah kamu kerjakan".(۴۳) (۳۴

Sesungguhnya demikianlah Kami memberi balasan kepada orang- orang yang (berbuat baik.(۴۴) (۳۵

(Kecelakaan yang besarlah pada hari itu bagi orang- orang yang mendustakan.(۴۵) (۳۶

Dikatakan kepada orang- orang Kafir) :" Makanlah dan bersenang- senanglah kamu) (di dunia dalam waktu) yang pendek; sesungguhnya kamu adalah orang- orang yang (berdosa".(۴۶) (۳۷

(Kecelakaan yang besarlah pada hari itu bagi orang- orang yang mendustakan.(۴۷) (۳۸

Dan apabila dikatakan kepada mereka:" Ruku`lah", niscaya mereka tidak mau rukuk. ((۴۸) (۳۹

(Kecelakaan yang besarlah pada hari itu bagi orang- orang yang mendustakan.(۴۹) (۴۰

(Maka kepada perkataan apakah selain Al Quran ini mereka akan beriman(۵۰) (۴۱

(Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang. (۴۲

(Tentang apakah mereka saling bertanya- tanya.(۱) (۴۳

(Tentang berita yang besar.(۲) (۴۴

(Yang mereka perselisihkan tentang ini.(۳) (۴۵

(Sekali- kali tidak; kelak mereka akan mengetahui,(۴) (۴۶

(Kemudian sekali- kali tidak; kelak mereka akan mengetahui.(۵) (۴۷

(Bukankah Kami telah menjadikan bumi itu sebagai hamparan,(۶) (۴۸

(Dan gunung- gunung sebagai pasak,(٧) (۴٩

(Dan Kami jadikan kamu berpasang- pasangan,(٨) (۵٠

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

Demi (makhluk-makhluk) yang dihantarkan berturut-turut (menjalankan tugasnya), ((١

(Juga yang merempuh mara dengan sekencang-kencangnya, (٢

Dan demi (makhluk-makhluk) yang menyebarkan (pengajaran dan peringatan) (dengan sebaran yang sesungguh-sungguhnya, (٣

Serta yang memisahkan (antara yang benar dengan yang salah) dengan pemisahan (yang sejelas-jelasnya, (۴

(Lalu menyampaikan pengajaran dan peringatan (kepada manusia), (۵

Untuk menghapuskan kesalahan

orang-orang yang bertaubat serta memperbaiki keadaan dirinya, dan untuk (menakutkan orang-orang yang ingkar - derhaka; - (۶

Sumpah demi sumpah) sesungguhnya segala yang dijanjikan kepada kamu tetap) (berlaku. (۷

(Oleh itu, apabila bintang-bintang (binasa dan) hilang lenyap; (۸

(Dan apabila langit terbelah; (۹

(Dan apabila gunung-ganang hancur lebur berterbangan; (۱۰

Dan apabila Rasul-rasul ditentukan waktunya untuk dipanggil menjadi saksi terhadap (umatnya, (maka sudah tentu manusia akan menerima balasan masing-masing). (۱۱

Jika ditanya): ke hari yang manakah (perkara-perkara yang besar) itu ditangguhkan?) ((۱۲

(Jawabnya): Ke hari pemutusan hukum. (۱۳)

Dan apa jalannya engkau dapat mengetahui kedahsyatan hari pemutusan hukum itu? ((۱۴

Kecelakaan besar, pada hari itu, bagi orang-orang yang mendustakan (apa yang (dijanjikan oleh Rasulnya)! (۱۵

Bukankah Kami telah binasakan orang-orang dahulu (yang ingkar derhaka, seperti (kaum Nabi Nuh, Aad dan Thamud)? (۱۶

Kemudian kami akan iringi mereka dengan (membinasakan orang-orang yang ingkar (derhaka, dari) kaum-kaum yang datang kemudian. (۱۷

(Demikian cara kami lakukan terhadap sesiapa yang berdosa. (۱۸

Kecelakaan besar, pada hari itu, bagi orang-orang yang mendustakan (apa yang (Kami janjikan)! (۱۹

Bukankah Kami telah menciptakan kamu dari air (benih) yang sedikit dipandang (orang? (٢٠

(Lalu Kami jadikan air (benih) itu pada tempat penetapan yang kukuh, (٢١

(Hingga ke suatu masa yang termaklum? (٢٢

Serta Kami tentukan (keadaannya), maka Kamilah sebaik-baik yang berkuasa (menentukan dan melakukan (tiap-tiap sesuatu)! (٢٣

Kecelakaan besar, pada hari itu, bagi orang-orang yang mendustakan (kekuasaan (Kami)! (٢٤

Bukankah Kami telah menjadikan bumi (sebagai tempat) penampung dan (penghimpun (penduduknya)? - (٢٥

(Yang hidup dan yang mati? (٢٦

Dan Kami telah jadikan di

bumi: gunung-ganang yang menetapnya, yang tinggi menjulang; dan Kami telah (memberi minum kepada kamu air yang tawar lagi memuaskan dahaga? (٢٧

Kecelakaan besar, pada hari itu, bagi orang-orang yang mendustakan (nikmat-(nikmat pemberian Kami)! (٢٨

Dikatakan kepada mereka semasa ditimpakan dengan azab): "Pergilah kepada azab) (yang dahulu kamu mendustakannya. (٢٩

(Pergilah kamu kepada naungan (asap neraka) yang bercabang tiga, - (٣٠"

Yang tidak dapat dijadikan naungan, dan tidak dapat memberikan sebarang" (lindungan dari julangan api neraka. (٣١

Sesungguhnya neraka itu melemparkan bunga api, (yang besarnya) seperti" (bangunan besar, (٣٢

(Banyaknya dan warnanya) bunga api itu seolah-olah rombongan unta kuning". (٣٣)"

Kecelakaan besar, pada hari itu, bagi orang-orang yang mendustakan (keadaan yang (demikian). (٣٤

Inilah hari mereka tidak dapat berkata-kata, (kerana masing-masing terpinga-pinga (ketakutan), (٣٥

Dan tidak pula diizinkan mereka bercakap, maka mereka tidak dapat meminta maaf. ((٣٦

Kecelakaan besar, pada hari itu, bagi orang-orang yang mendustakan (hari akhirat)! ((٣٧

Inilah hari pemutusan hukum (yang menentukan siapa yang benar dan siapa yang (salah). Kami himpunkan kamu bersama orang-orang yang terdahulu (dari kamu). (٣٨

Oleh itu, kalau kamu ada sebarang tipu-helah melepaskan diri, maka cubalah kamu (lakukan terhadap azabKu. (٣٩

Kecelakaan besar, pada hari itu, bagi orang-orang yang mendustakan (apa yang (telah dijanjikan oleh Allah)! (٤٠

Sesungguhnya orang-orang yang bertaqwa berada di tempat teduh (yang dipenuhi (pelbagai nikmat), dan yang berdekatan dengan matair-matair (yang mengalir), - (٤١

(Serta menikmati buah-buahan dari segala jenis yang mereka ingini. (٤٢

Pada ketika itu dikatakan kepada mereka): "Makanlah dan minumlah kamu dengan) (lazatnya, disebabkan apa yang kamu telah kerjakan." (٤٣

Sesungguhnya, demikianlah

(Kami membalas orang-orang yang berusaha mengerjakan amal-amal yang baik. (۴۴

Kecelakaan besar, pada hari itu, bagi orang-orang yang mendustakan (nikmat-(nikmat Syurga)! (۴۵

Makanlah dan bersenang-senanglah kamu (wahai orang-orang yang ingkar derhaka) sementara waktu hidup, (kemudian kamu akan menghadapi bahaya), kerana (sesungguhnya kamu adalah orang-orang yang berdosa. (۴۶

Kecelakaan besar, pada hari itu, bagi orang-orang yang mendustakan (amaran Allah), (- (۴۷

Dan apabila dikatakan kepada mereka (yang ingkar): "Taatlah dan kerjakanlah (sembahyang", mereka enggan mengerjakannya. (۴۸

Kecelakaan besar, pada hari itu, bagi orang-orang yang mendustakan (perintah-(perintah Allah dan laranganNya)! (۴۹

Kalau mereka tidak juga mahu beriman kepada keterangan-keterangan yang) tersebut) maka kepada perkataan yang mana lagi, sesudah itu, mereka mahu (beriman? (۵۰

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

.Naapa kwa (pepo) zinazopelekwa kwa upole .۱

.Na kwa (pepo) zinazovuma kwa kasi .۲

.Tena kwa (pepo) zinazopeperusha (mawingu) mpeperusho .۳

.Na zinafarikisha mbali mbali .۴

.Tena kwa (Malaika) wanaopeleka mawaidha .۵

.Kuondoa udhuru au kuhadharisha .۶

.Kwa hakika mnayoahidiwa bila shaka yatatokea .٧

.(Basi nyota zitakapofutwa (nuru zake .٨

.Na mbingu zitakapopasuliwa .٩

.Na milima itakaposagwasagwa .١٠

.Na Mitume watakapokusanywa .١١

?Kwa siku gani wamewekewa muda .١٢

.Siku ya hukumu .١٣

?Na nini kitakachojulisha siku ya hukumu ni nini .١٤

.Ole wao siku hiyo wanaokadhibisha .١٥

?Je, hatukuwaangamiza (watu) wa zamani .١٦

.Kisha tukawafuatishia (watu) wengine .١٧

.Hivyo ndivyo tutakavyowafanya waovu .١٨

.Ole wao siku hiyo wanaokadhibisha .١٩

?Je, hatukukuumbeni kwa maji yaliyo dhalili .٢٠

.Kisha tukayaweka mahala pa utulivu .٢١

.Mpaka muda maalum .٢٢

.Na tukakadiria, nasi ni wazuri kabisa wa kukadiria .٢٣

۲۴. Ole wao siku hiyo wanaokadhibisha.

۲۵. Je, sisi hatukuifanya ardhi yenye kukusanya.

۲۶. Wazima na Wafu?

۲۷. Na ndani yake tukaweka milima mirefu na tumekunywesheni maji matamu.

۲۸. Ole wao siku hiyo wanaokadhibisha.

۲۹. Nendeni kwenye yale mliyokuwa mkikadhibisha.

۳۰. Nendeni kwenye kivuli chenye matawi matatu.

۳۱. Hayatoi kivuli chenye matawi matatu.

۳۲. Hakika huo Moto hutoa macheche yaliyo kama majumba.

۳۳. Kama kwamba ni ngamia wa rangi ya manjano.

۳۴. Ole wao siku hiyo wanaokadhibisha.

۳۵. Hii ni siku ambayo hawatazungumza.

۳۶. Wala hawatapewa ruhusa kutoa udhuru.

۳۷. Ole wao siku hiyo wanaokadhibisha.

۳۸. Hii ni siku ya hukumu tumekukusanyeni nyinyi na waliotangulia.

۳۹. Basi ikiwa mnayo hila ifanyeni juu yangu.

۴۰. Ole wao siku hiyo wanaokadhibisha.

۴۱. Bila shaka wamchao (Mwenyeezi Mungu) watakuwa katika vivuli na chem chem.

۴۲. Na matunda wanayoyapenda.

۴۳. Kuleni na kunyweni kwa furaha kwa sababu ya yale mliyokuwa mkitenda.

.Hakika sisi ndivyo tunavyowalipa watendao mema .۴۴

.Ole wao siku hiyo wanaokadhibisha .۴۵

.Kuleni na mjifurahishe kidogo, hakika nyinyi ni waovu .۴۶

.Ole wao siku hiyo wanaokadhibisha .۴۷

.Na ikisemwa kwao: Inameni (abuduni) hawainami .۴۸

.Ole wao siku hiyo wanaokadhibisha .۴۹

?Bali hadithi gani baada ya hii wataiamini .۵۰

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۲۳۲

(۷۷) سوره مرسلات مکی است و پنجاه آیه دارد (۵۰)

[سوره المرسلات (۷۷): آیات ۱ تا ۱۵] ترجمه آیات به نام خدای رحمان و رحیم.

قسم به رسولانی که از پی هم (بر خیر و سعادت خلق) فرستاده شدند (۱).

قسم به فرشتگانی که به سرعت تندباد به انجام حکم حق می شتابند (۲).

قسم به آنان که (وحی حق و شرع الهی

را) نیکو نشر می دهند (۳).

و به آنان که (بین حق و باطل را) کاملا جدا می کنند (۴).

و به آنان که ذکر (خدا و کتاب الهی) را به انبیا وحی می کنند (۵).

تا عذر نیکان و بیم و تهدید کافران بدان شود (۶).

قسم به همه اینان که آنچه (از ثواب و عقاب آخرت) به شما وعده دادند البته واقع خواهد شد (۷).

وقتی که ستارگان همه بی نور و محو شوند (۸).

و آسمان شکافته شود (۹).

و کوه ها (چون خاک بر دم باد) پراکنده شوند (۱۰).

و در آن هنگام که برای پیامبران (به منظور ادای شهادت) تعیین وقت شود (۱۱).

برای چه وقت معین می شود؟ (۱۲).

برای روز قیامت که بین حق و باطل و سعید و شقی جدایی افتد (۱۳).

و تو چگونه توانی عظمت آن روز جدایی را تصور کنی؟ (۱۴).

وای در آن روز (به حال منکران خدا و قیامت) و تکذیب کنندگان (کتاب و رسالت) (۱۵).

بیان آیات این سوره یوم الفصل که همان روز قیامت است را خاطر نشان ساخته، خبر از وقوع آن را تاکید می کند، و این تاکید خود را با تهدید شدیدی به منکرین آن و انذار و تبشیر به دیگران توأم نموده، جانب تهدید را بیش از سایر مطالب تاکید می کند، برای اینکه می بینیم ده مرتبه می فرماید:" وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ- وای در آن روز بر تکذیب گران" و این سوره به شهادت سیاق آیاتش در مکه نازل شده است.

" وَ الْمُرْسَلاتِ عُرْفاً" این آیه و آیات بعدش تا شش آیه سوگندهایی است از خدای تعالی، به اموری که از آن امور تعبیر کرده به" مرسلات"،" عاصفات"،" ناشرات"،" فارقات"،" ملقیات ذکرا" و" عُذْراً أَوْ نُذْراً".

و دو تعبیر اول یعنی " الْمُرْسَلاتِ عُرْفاً" و " فَالْعاصِفاتِ عَصْفاً" اگر از سیاق صرفنظر کنیم و خود آن دو را در نظر بگیریم، خالی از مختصر ظهوری در بادهای سخت و تند و پشت سر هم نیست، و لیکن تعبیر آخر یعنی " فَالْمُلْقِياتِ ذِكْراً عُذْراً أَوْ نُذْراً" تقریبا صریح در این است که مراد از آن ملائکه ای است که حامل وحی خدای تعالی بودند و بر انبیا و رسل نازل می شدند، و به منظور اتمام حجت و انذار و سایر غراض، وحی الهی را بر آنان القا می کردند و بقیه صفات پنجگانه هم آن طور نیست که قابل حمل بر معنایی مناسب با این معنا نباشند.

و ما نمی توانیم تمامی صفات پنجگانه را حمل کنیم بر بادهای تند که دو جمله اول- به بیانی که گذشت- ظهور در آن دارد، مگر اینکه خود را به سختی دچار زحمت نموده، سه صفت دیگر و مخصوصا صفت آخری را به زحمت حمل بر آن نماییم.

این کار را هم نمی توانیم بکنیم که دو جمله اول را حمل کنیم بر بادهای تند، و سه جمله بقیه را و یا تنها دو جمله آخر و یا حـــد اقـــل جملـــه اخیر را حمـــل بر ملائکه وحی کنیـــم، برای

صفحه ی ۲۳۴

اینکه ظاهرا هیچ تناسبی میان بادهای متعاقب و ملائکه وحی نیست، تا در یک سیاق که سیاق سوگند است بین آن دو جمع شود، و هر دو نوع سوگند در سلک واحدی قرار گیرند، و توجیهات مختلفی که در این باب کرده اند، معانی بعیدی است از ذهن، به طوری که هیچ شنونده ای بدون توجه قبلی، به آن معانی منتقل نمی شود.

پس وجه صحیح

همـان است که از این سـخنان که بسـیار هم زیـاد است صـرفنظر کنیم، چـون به هیـچ وجه تحت ضـابطه در نمی آینـد، و بـاید بگوییم در همه صفات پنجگانه ملائکه وحی منظورند نظیر سایر سوگندهایی که در ابتدای سوره صافات آمده، می فرماید:" وَ الصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِراتِ زَجْراً فَالتَّالِیاتِ ذِکْراً" «۱»، و در معنای آن است آیه شـریفه زیر که می فرمایـد:" عالِمُ الْغَیْبِ فَلا یُظْهِرُ عَلی غَیْبِهِ أَحَداً إِلَّا مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ یَسْلُکُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَداً لِیَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسالاتِ رَبِّهِمْ" «۲» که ترجمه اش در اوائل کتاب در تفسیر سوره جن گذشت.

[مراد از قسم" وَ الْمُرْسَلاتِ عُرْفاً"،" وَ النَّاشِراتِ نَشْراً" و سوگندهای دیگر آغاز سوره مبارکه مرسلات برای تاکید وقوع قیامت

پس جمله" وَ الْمُرْسَلاتِ عُرْفاً" سوگنـدی است از خدای تعالی به مرسـلات. و کلمه" عرف"- به ضـمه عین و سـکون راء- به معنـای دسـته مویی است که در گردن اسب می باشـد و هر امری را که به طور تعـاقب و پشت سـر هم واقع بشود به یـال اسـب تشبیه می کنند، مثلا به عنوان استعاره گفته می شود فلانی ها مثل یال اسب آمدند، یعنی پشت سرهم. و یا گفته می شود:

" جاءوا الیه عرفا واحـدا- به یک یال نزدش آمدند"، یعنی زنجیروار و متصل به هم آمدند. کلمه" عرف" به معنای معروف از هر کـار نیز می آیـد، چـه کـار نیـک و چه کـار زشت، و این کلمه در آیه مـورد بحث اگر به معنـای اول گرفته شـود حـال، و معنایش چنین خواهـد بود:" سوگنـد به فرشـتگان روانه شـده، در حالی که پشت سـرهم می آیند"، و اگر به معنای دوم گرفته شود مفعول

له خواهد بود، و چنین معنا می دهد:" سوگند به فرشتگان که به خاطر کاری خیر و معروف روانه شده اند"، و کلمه" ارسال" در مقابل کلمه" امساك" است، اولی به معنای رها کردن، و دومی به معنای نگه داشتن است، و اگر مرسل ها را مؤنث آورد، و نفرمود:

" و المرسلین عرفا"، برای این اعتبار بوده که فرشتگان جماعتی بودند، و یا به اعتبار آن روحی ___________________

(۱) سوگند به آنها که صف کشیده اند، همانها که قویا نهی می کنند و آنها که پی در پی ذکر را تلاوت می کنند. سوره صافات، آیات ۱- ۳.

(۲) عالم الغیب او است و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد. مگر رسولانی که آنها را بر گزیده است و مراقبتی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می دهد، تا بدانند پیامبرانش رسالتهای پروردگارشان را ابلاغ کرده اند. سوره جن، آیات ۲۶- ۲۸. ___________________

است که ملائکه نازلش می کنند، هم چنان که در قرآن کریم فرموده:" یُنَزِّلُ الْمَلائِکَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ" «۱»، و نیز فرموده:" یُلْقِی الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ ..." «۲».

و معنای جمله این است که سوگند می خورم به جماعات ملائکه وحی، که روانه می شوند. بعضی «۳» گفته اند: مراد از این جمله بادهای پی در پی است. که در سابق به ضعف این نظریه اشاره کردیم، و نظیر این قول در ضعف، سخن آن مفسری «۴» است که گفته: منظور از مرسلات انبیایند، دلیل ضعف این قول این است که با آیات بعد سازگار نیست.

" فَالْعاصِفاتِ عَصْفاً" این جمله عطف است به جمله قبلی، و مراد از" عصف" سرعت سیر

است، باد تند را عاصف می گویند، و سرعت سیر ملائکه در رساندن وحی را به عنوان استعاره عصف خوانده، و معنایش این است که سوگند می خورم به ملائکه ای که پشت سر هم روانه می شوند، و ایشان با سرعت سیری که دارند، مانند بادهای تند ماموریت خود را انجام می دهند.

" وَ النَّاشِراتِ نَشْراً" این جمله سوگندی دیگر است، و نشر صحیفه و کتاب و جامه و امثال آن، به معنای گشودن آن است، و مراد از" نشر" گشودن صحف وحی است، هم چنان که آیه" کَلَّا إِنَّها تَذْکِرَةٌ فَمَنْ شاءَ ذَکَرَهُ فِی صُحُفٍ مُکَرَّمَةٍ مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ بِأَیْدِی سَفَرَةٍ کِرامٍ بَرَرَةٍ" «۵» به این معنا اشاره می کند.

و معنای آیه این است که: سوگند می خورم به ملائکه ای که صحیفه های آسمانی را باز می کنند، صحیفه هایی که وحی الهی بر آن نوشته شده، تا پیغمبر آن را تلقی کند.

بعضی «۶» از مفسرین گفته اند: مراد از این جمله بادهایی است که خداوند قبل از نزول باران و رحمت خدا می پراکند. بعضی «۷» دیگر گفته اند: مراد بادهایی است که ابرها را

---

(۱) فرشتگان را با روح الهی به فرمانش بر هر کس از بندگانش بخواهد نازل می کند. سوره نحل، آیه ۲.

(۲) روح را به امر خود بر هر که از بندگان بخواهد می فرستد تا خلق را از روز قیامت بترساند. سوره مؤمن، آیه ۱۵.

(۳ و ۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۵.

(۵) هرگز چنین مکن، این (قرآن) یک تذکر و یادآوری است. و هر کس بخواهد از آن پند می گیرد. در الواح پر ارزشی ثبت است. الواحی والا قدر و پاکیزه به دست سفیرانی است والا مقام و فرمان بردار و نیکوکار. سوره

عبس، آیات ۱۱- ۱۶.

(۶ و ۷) مجمـــــــــــــــع البیـــــــــــــــان، ج ۱۰، ص ۴۱۵.

می گسترند. بعضی «۱» دیگر گفته اند: مراد ملائکه ای است که نامه های اعمال را می گسترند.

و بعضی «۲» دیگر گفته اند: ملائکه ای است که در هنگام نزول، بال خود را می گسترند. و بعضی دیگر حرفهای دیگری زده اند.

" فَالْفارِقاتِ فَرْقاً" مراد از" فارقات" فرق هایی است که بین حق و باطل، و حلال و حرام است، و فرق در این آیه صفتی است که بر نشر یاد شده متفرع می شود.

" فَالْمُلْقِیاتِ ذِکْراً عُذْراً أَوْ نُذْراً" مراد از" ذکر" قرآن است، که او را به رسول خدا (ص) می خواندند. و ممکن هم هست وحی نازل بر انبیا باشد، که بر آنان خوانده می شد. و صفات سه گانه ای که اخیرا ذکر شده، یعنی" نشر"،" فرق" و" القاء"، سه صفت است که مترتب بر یکدیگرند، یعنی اول باید صحف آسمانی نشر بشود، تا فرق میان حق و باطل و حلال و حرام روشن شود، پس با نشر است که فرق تحقق خود را آغاز می کند، و با القاء تحققش تمام می شود، پس فرق مرتبه ای از وجود نشر است، که بر آن مترتب می شود، و القاء، مرتبه دیگری است که بر وجود آن مترتب می شود و وجود نشر را تمام می کند.

و در کلمه" عذرا" و" نذرا" مفعول له هستند، و اگر با حرف" أو" عطف شده اند برای افاده تنویع است.

بعضی «۳» گفته اند: این دو کلمه مصدر و به معنای اعذار و انذار است، و اعذار به معنای آوردن بهانه ای است که به وسیله آن انسان معذور شود، و معنای آیه این است که: فرشتگان ذکر را تلاوت می کنند تا عذر باشد برای

بندگان مؤمن، که به ذکر ایمان دارند، و تهدید باشد برای سایرین.

بعضی «۴» دیگر گفته انـد: معنایش این است که: فرشـتگان ذکر را تلاوت می کننـد تا خدای تعالی عذرش در برابر بندگان و عقـاب ایشان تمام باشـد، و معلوم شود که عقاب بنـدگان جز به وجه حکمت نبوده. برگشت این معنا هم به همان اتمام حجت است، پس بنـا بر این، حاصـل معنای آیه این است که فرشـتگان ذکر را القاء می کننـد تا حجت بر تکـذیب گران تمام شود، و تهدیدی برای غیر ایشان باشد، و این معنا معنای خوبی است.

---

(۱) روح المعانی، ج ۲۹، ص ۱۷۱.

(۲) تفسیر مراغی، ج ۲۹، ص ۱۷۸.

(۳ و ۴) مجمـــــــــــــــــع البیـــــــــــــــــان، ج ۱۰، ص ۴۱۵.

" إِنَّما تُوعَـدُونَ لَواقِعٌ " این جمله جواب از آن چنـد سوگند است، و کلمه" ما" موصوله و خطاب در" توعدون" به عموم بشـر است، و مراد از" إِنَّمـا تُوعَـدُونَ" وعـده هـای قیامت و ثواب و عقاب است، و اگر فرمود:" لواقع" و نفرمود:" لکائن" برای این بود که کلمه" واقع" رساتر است، چون در آن شایبه ای از استقرار نیز هست. و معنای آیه این است که: آن چیزی که خدا شما را به آن وعده داده، یعنی مساله بعث و عقاب و ثواب خواه ناخواه واقع خواهد شد.

گفتاری پیرامون سوگند یاد کردن خدای تعالی در قرآن یکی از لطائف فن بیان در این آیات شش گانه این است که علاوه بر اینکه سوگند در آن خبری را که در جواب است تاکید می کند، متضـمن حجت بر مضـمون جواب نیز هست، و می فهماند به چه دلیل جزای موعود واقع شدنی است، به این دلیل که تدبیر

ربوبی که سوگندها بدان اشاره دارد، یعنی ارسال مرسلات و عاصفات، نشر صحف، فرق و جداسازی حق از باطل، و القاء مرسلات ذکر را بر پیامبر، تدبیری است که جز با وجود تکلیف الهی تصور صحیح ندارد. و تکلیف هم جز با حتمی بودن روز جزا. روزی که مکلفین عاصی و مطیع به جزای خود برسند تمام نمی شود.

پس سوگندی که خدای تعالی یاد کرده سوگند تدبیر او است، تا هم وقوع جزای موعود را تاکید کند، و هم حجتی باشد بر وقوع آن جزا، گویا فرموده: من به این حجت سوگند می خورم که مدلولش واقع خواهد شد.

و خواننده عزیز اگر در آیاتی که خدای تعالی در آنها سوگند یاد کرده دقت بفرماید، خواهد دید که خود آن سوگندها حجت و برهانی است که بر حقانیت جواب قسم دلالت می کند، نظیر سوگندی که در مورد رزق خورده و فرموده:" فَوَ رَبِّ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ " «۱»، که در عین اینکه سوگند خورده بر حقیت رزق، دلیل آن را هم بیان کرده، و آن این است که خدای تعالی رب و مدبر آسمان و زمین است، و مبدأ رزق مرزوقین هم همان تدبیر الهی است. و سوگندی که در مورد مستی کفار یاد کرده می فرماید:

---

(۱) سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حق است. سوره ذاریات، آیه **۲۳**.

" لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ " «۱»، در عین سوگند بر گمراهی و کوری آنان دلیل آن را هم بیان کرده، و آن جان پیامبر است، که جانی طاهر و به عصمت خدایی مصون از هر نقص است، و معلوم است که مخالف چنین

پیامبری معصوم، در مستی و سرگردانی بسر می برد، و سوگندی که در رستگاری نفوس الهی و خسران نفوس آلوده یاد کرده، می فرماید:" وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها ..." وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاها وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسَّاها" «۲» که در عین اینکه سوگند یاد کرده دلیلش را هم آورده، می فرماید: نظامی که در خورشید و ماه و شب و روز جریان دارد، و منتهی شده به پیدایش نفسی که فجور و تقوایش به او الهام شده، خود دلیل است بر رستگاری کسی که نفس را تزکیه کند و خسران کسی که آن را آلوده سازد.

این چند آیه را به عنوان نمونه آوردیم، سایر سوگندها هم که در کلام خدای تعالی آمده همین حال را دارد، هر چند که همه آنها به روشنی این چند سوگند نیست، و نیازمند دقت نظر بیشتری است نظیر این سوگند که می فرماید:" وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سِينِينَ " «۳»، که خواننده باید در آن تدبر کند.

[بیان

" فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ... أُقِّتَتْ" این آیات بیانگر روز موعودی است که از وقوع آن خبر داده و فرموده بود:" إِنَّما تُوعَدُونَ لَواقِعٌ "، و جواب کلمه" اذا" حذف شده، چون جملات" لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ...

لِلْمُكَذِّبِينَ " بر آن دلالت می کرد.

[حوادث و نشانه های قیامت که حاکی از تغایر نظام اخروی و نظام دنیوی در همه شؤون است

خدای سبحان روز موعود را با ذکر حوادثی که در آن واقع می شود، و مستلزم انقراض عالم انسانی و انقطاع نظام دنیوی است معرفی می کند، نظیر تیره شدن ستارگان، شکافتن زمین، متلاشی شدن کوه ها، و تحول نظام دنیا به

نظامی دیگر. و این نشانیها در بسیاری از سوره های قرآنی و مخصوصا سوره های کوچک قرآن از قبیل سوره نبا، نازعات، تکویر، انفطار، انشقاق، فجر، زلزال، قارعه، و غیر آن مکرر آمده است، و در روایاتی هم که در مورد مقدمات قیامت و نشانیهای آن وارد شده این امور ذکر شده.

---

(۱) به جانت سوگند اینها در مستی خود سرگردانند. سوره حجر، آیه ۷۲.

(۲) به خورشید و گسترش نور آن سوگند ... و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته. سپس فجور و تقوا را به او الهام کرده است. که هر کس نفس خود را تزکیه کرده رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته نومید و محروم گشته است. سوره شمس، آیات ۱- ۱۰.

(۳) قسم به انجیر و زیتون و قسم به طور سینا. سوره تین، آیات ۱ - ۲.

و این معنا از بیانات کتاب و سنت به طور بدیهی معلوم است که نظام حیات در همه شؤونش در آخرت غیر نظامی است که در دنیا دارد، چون خانه آخرت خانه ابدی است، و از ساکنین آن خانه کسانی که اهل سعادتند، سعادتشان خالص، و آنها که اهل شقاوتند شقاوتشان خالص است. طبقه اول آنچه را بخواهند و دوست داشته باشند در اختیار دارند، و طبقه دوم بغیر از مکروه سهمی ندارند، هر چه دارند ناخوشایند است، ولی دار دنیا دار فنا و زوال است، در دنیا جز عوامل و اسباب خارجی و ظاهری، که آمیخته ای از مرگ و حیات، و فقدان و و جدان، و کام و ناکامی، و تعب

و راحت، و اندوه و مسرت است، حاکم نیست، به خلاف خانه آخرت که دار جزا است، و در آن عملی نیست و دنیا دار عمل است، و جزایی در آن نیست، و کوتاه سخن اینکه نشاه آخرت غیر نشاه دنیا است.

پس اینکه خدای تعالی نشاه قیامت و جزا را به وسیله مقدمات آن تعریف می کند، و خاطرنشان می سازد که نشانی آن برچیده شدن بساط دنیا و خراب شدن بنیان زمین آن، و متلاشی شدن کوه های آن، و پاره پاره شدن آسمان آن، و محو و بی نور شدن ستارگان آن و غیر اینها در حقیقت از قبیل تحدید حدود یک نشاه به سقوط نظام حاکم بر نشاه ای دیگر است:" وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولی فَلَوْ لا تَذَكَّرُونَ " «۱».

پس معنای اینکه فرمود:" فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ " این است که در آن روز اثر ستارگان، نور و سایر آثار آن محو می شود، چون کلمه" طمس" به معنای زایل کردن اثر و محو آن است، هم چنان که در جای دیگر این طمس را معنا کرده فرموده:" وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ " «۲».

" وَ إِذَا السَّماءُ فُرِجَتْ "- یعنی روزی که آسمان پاره می شود، چون کلمه" فرج، فرجه" به معنای پیدا شدن شکاف بین دو چیز است، و در جای دیگر این فرج را معنا کرده فرموده:" إِذَا السَّماءُ انْشَقَّتْ " «۳».

" وَ إِذَا الْجِبالُ نُسِفَتْ "- یعنی روزی که کوه ها از ریشه کنده می شوند و از بین می روند، وقتی گفته می شود:" نسفت الریح الکلاء" معنایش این است که باد، علف را از ریشه در آورد و از بین برد، هم چنان که در جای دیگر فرموده:

---

(۱) شما که از نشاه دنیا خبردار

شدید پس چرا نسبت به نشاه آخرت متذکر نمی شوید. سوره واقعه، آیه ۶۲.

(۲) زمانی که ستارگان تیره می شوند. سوره تکویر، آیه ۲.

(۳) در آن زمـــــان کــــــه آســــــمان شــــــکافته شــــــود. ســــــوره انشــــــقاق، آیــــــه ۱.

" وَ یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْجِبالِ فَقُلْ یَنْسِفُها رَبِّی نَسْفاً " «۱».

" وَ إِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ "- یعنی و روزی که زمان حضور انبیا برای شهادت علیه امت ها معین می شود، و یا آن زمانی که منتظر رسیدنش هستیم تا رسولان علیه امت ها شهادت دهند فرا می رسد. و کلمه" اقتت" فعل ماضی مجهول از باب تفعیل از مصدر تاقیت است، که به معنای توقیت و تعیین وقت است، و در باره شهادت انبیا در جای دیگر فرموده:" فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِینَ أُرْسِلَ إِلَیْهِمْ وَ لَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِینَ " «۲»، و نیز فرموده:" یَوْمَ یَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَیَقُولُ ما ذا أُجِبْتُمْ " «۳».

" لِأَیِّ یَوْمٍ أُجِّلَتْ ... لِلْمُکَذِّبِینَ " کلمه" أجل" به معنای مدتی است که برای چیزی معین شده باشد و" تاجیل" به معنای اجل قرار دادن برای چیزی است، که البته در لازمه آن که همان تاخیر باشد نیز استعمال می شود، مثلا وقتی می گویند:" قرض مؤجل" معنایش قرض مدت دار است، به خلاف" قرض حال" که به معنای قرض فوری است، و این معنا با آیه مناسب تر است تا معنای لغوی کلمه. و ضمیر در" اجلت" به امور مذکور یعنی طمس نجوم، شکافتن آسمان، ریشه کن شدن کوه ها، و تعیین وقت شهادت رسولان بر می گردد. و معنای آیه این است که:

این امور برای چه روزی تاخیر داده شده، و خلاصه چه روزی صورت می گیرد.

این احتمال هم داده شده که: کلمه" اجلت" به معنای مدت قرار دادن برای چیزی باشد، و

ضمیر مقدر در آن به رسل و یا به آنچه که کلام بدان اشعار دارد، و مربوط به اخباری است که رسولان از احوال آخرت داده اند بر گردد، و معنا چنین باشد: چند سال و یا چند قرن به رسولان مهلت داده اند تا بعد از آن مهلت برای شهادت حاضر شوند، و یا چند قرن معین کرده اند تا بعد از آن آنچه انبیا خبر داده اند واقع شود، و صحنه هول انگیز قیامت و تعذیب کفار و تنعیم مؤمنین محقق گردد. و لیکن این احتمال خالی از خفا و ابهام نیست.

این آیه شریفه و آیه بعدش یعنی مجموع " لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ لِيَوْمِ الْفَصْلِ " به صورت سؤال ______________________

(۱) از تو از کوه ها می پرسند، بگو پروردگارم به نحوی ناگفتنی آنها را از بین می برد. سوره طه، آیه ۱۰۵.

(۲) به طور قطع از مردمی که رسولان به سویشان گسیل شدند، و از خود رسولان سؤال خواهیم کرد. سوره اعراف، آیه ۶.

(۳) روزی که خدا رسولان را جمع می کند، و از ایشان می پرسد امت ها چه جوابی به شما دادند.

سوره مائده، آیه ۱۰۹. ____

و جواب آمده تا عظمت و هول انگیزی آن روز را رسانیده تعجب شنونده را برانگیزد، و اصل معنا این است که این امور تاخیر انداخته شده برای روز فصل.

و این نوع جمله های استفهامی در معنای تقدیر قول است، و معنای آن این است که:

دلیل بر عظمت این روز و هول انگیزی و عجیب بودنش، این است که می پرسند: برای چه روزی این امور عظیم و هائل و عجیب تاخیر انداخته شده اند، پس جواب داده می شود برای روز فصل.

و منظور از" روز فصل" روز جزا است که

در آن خدای تعالی بین خلائق فصل قضا می کند، هم چنان که فرمود:" إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ " «۱».

و جمله" وَ ما أَدْراكَ ما يَوْمُ الْفَصْلِ " تعظیمی است از آن روز، و از وقایع آن روز.

" فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ "- کلمه" ویل" به معنای هلاکت است، و مراد از" مکذبین" تکذیب گران روز فصل است، که وعده اش را به ایشان داده اند چون سیاق آیات، سیاق رساندن این معناست که آن روز واقع شدنی است، و به همین منظور هم سوگند یاد شده. و در این جمله نفرینی به تکذیب گران شده، و به همین نفرین اکتفاء شده، دیگر جواب کلمه" اذا" را نیاورده، و نفرموده:" اذا النجوم طمست ...- وقتی ستارگان تیره می شود چه می شود ..."، و تقدیر کلام این است که وقتی چنین و چنان می شود" آنچه وعده اش به شما داده شده واقع می شود". و یا این است که وقتی چنین و چنان می شود" روز فصل واقع گشته" و تکذیب گران هلاک می شوند، (که جمله هایی که بین گیومه است حذف شده و آن نفرین به جایش نشسته است).

بحث روایتی [(روایاتی در ذیل برخی آیات گذشته)]

در کتاب خصال از ابن عباس روایت آورده که گفت: روزی ابو بکر به حضور رسول خدا (ص) عرضه داشت: یا رسول اللَّه محاسنت زود سفید شد؟ فرمود:

سوره هود، واقعه، مرسلات، و عم یتساءلون مرا پیر کرد «۲».

و در الدر المنثور است که بخاری، مسلم، نسایی و ابن مردویه از ابن مسعود روایت کرده اند که گفت: روزی در حالی که ما با رسول خدا (ص) در غار منی

(۱) خداوند در روز قیامت بین آنان فصل قضا می کند. سوره حج، آیه ۱۷.

(۲) خصال

صدوق، ج ۱، ص ۱۹۹.

صفحه ی ۲۴۲

جای گرفته بودیم، ناگهان سوره" و المرسلات عرفا" نازل گردید، رسول خدا (ص) در همان حال آن را می خواند و من از دهانش می گرفتم هنوز دهان رسول خدا (ص) از خواندن این سوره باز نایستاده بود که ناگهان ماری بر آن جناب حمله کرد، رسول خدا (ص) فرمود: او را بکشید، دویدیم که مار را بکشیم، لیکن دست ما به آن نرسید و فرار کرد، رسول خدا (ص) فرمود من از شر شما حفظ شده ام، همانطور که شما از شر این مار حفظ شدید «۱».

مؤلف: صاحب الدر المنثور این روایت را به دو طریق دیگر نیز نقل کرده «۲».

و در تفسیر قمی در ذیل جمله" وَ الْمُرْسَلاتِ عُرْفاً" گفته: این آیات تابع یکدیگر و مترتب بر همند «۳».

و در مجمع در ذیل همین آیه گفته: بعضی معتقدند که مرسلات ملائکه ای هستند که برای ابلاغ اوامر و نواهی خدای تعالی ارسال شده اند، (نقل از روایت هروی از ابن مسعود و نقل از ابی حمزه ثمالی یکی از اصحاب علی (ع) از آن جناب) «۴».

و در تفسیر قمی در ذیل جمله" فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ" گفته است: یعنی نور ستارگان از بین می رود، و خود آنان فرو می ریزند «۵».

و در همان کتاب در روایت ابی الجارود از امام ابی جعفر (ع) آمده که در تفسیر جمله مذکور، فرمود:" طمس نجوم" از بین رفتن روشنی آنها است، و در تفسیر آیه" وَ إِذَا السَّماءُ فُرِجَتْ" فرمود: یعنی آسمان منشق می شود." وَ إِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ" یعنی رسولان در اوقاتی مختلف مبعوث می شوند «۶».

و در مجمع البیان است که امام صادق (ع) در معنای

جمله" اقتت" فرمود: یعنی در اوقات مختلف مبعوث شدند «۷».

و در تفسیر قمی در ذیل جمله" لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ" فرموده: یعنی تاخیر انداخته شده «۸».

(۱ و ۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۰۲.

(۳) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۰.

(۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۵.

(۵ و ۶) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۱.

(۷) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۵.

(۸) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۰. صفحه ی ۲۴۴

ترجمه آیات آیا ما پیشینیان را (به کیفر کفر) هلاک نکردیم؟ (۱۶).

از پی آنان هم قومی دیگر را (که منکران قرآن باشند) نیز هلاک می کنیم (۱۷).

ما بدکاران عالم را همین گونه هلاک می سازیم (۱۸).

وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند! (۱۹).

آیا ما شما آدمیان را از آبی پست و ناچیز بدین زیبایی نیافریدیم؟ (۲۰).

سپس آن را (از صلب پدر) به قرارگاه رحم منتقل ساختیم (۲۱).

تا مدتی معین و معلوم (در رحم بماند) (۲۲).

و ما تقدیر مدت رحم (و تعیین سرنوشت او تا ابد) را کردیم، که نیکو مقدر حکیمی هستیم (۲۳).

وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۲۴).

آیا ما زمین را محل اجتماع بشر قرار ندادیم؟ (۲۵).

تا زندگان روی زمین تعیش کنند و مردگان درونش پنهان شوند (۲۶).

و در زمین کوه های بلند برافراشتیم و از ابر و باران به شما آب زلال گوارا نوشاندیم (۲۷).

وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۲۸).

خطاب رسد ای منکران! شما امروز به سوی آن دوزخی که تکذیب کردید بروید (۲۹).

بروید زیر سایه دودهای آتش دوزخ که دارای سه شعبه است (۳۰).

نه آنجا سایه ای خواهد بود

و نه از شرار آتش هیچ نجاتی دارند (۳۱).

آن آتش هر شراری بیفکند مانند قصری است (۳۲).

گویی آن شراره (در سرعت و کثرت) همچون شتران زرد موی است (۳۳).

وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۳۴).

این روزی است که کافران (برای نجات خود) سخنی نتوانند گفت (۳۵).

و به آنها رخصت عذرخواهی نیز نخواهند داد (۳۶).

وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۳۷).

این روز فصل (حکم و جدایی نیک و بد) است که شما را با همه در گذشتگان پیشین به عرصه محشر جمع گردانیم (۳۸).

پس اگر چاره ای بر نجات خود می توانید انجام دهید کنید (۳۹).

صفحه ی ۲۴۵

وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۰).

آن روز سخت بندگان با تقوا در سایه درختان بهشت و کنار نهرهای جاری متنعمند (۴۱).

و از هر نوع میوه که مایل باشند فراهم است (۴۲).

به آنها خطاب شود که از هر طعام و شراب بخواهید بخورید و بیاشامید که شما را گوارا باد پاداش اعمال نیکی که در دنیا بجا آوردید (۴۳).

ما البته نیکوکاران عالم را چنین پاداش می دهیم (۴۴).

وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۵).

ای کافران شما هم بخورید و تمتع برید به عمر کوتاه دنیا که شما بسیار بدکارید (۴۶).

وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند (۴۷).

و هر گاه به آنها گفته شد که نماز و طاعت خدا را به جای آرید اطاعت نکردند (۴۸).

وای در آن روز به حال آنان که آیات خدا را تکذیب کردند

(۴۹).

شما پس از آیات خدا (که آن را تکذیب کردید) باز به کدامین حدیث ایمان می آورید؟! (۵۰).

بیان آیات [بیان احتجاجاتی بر یگانگی خداونـد در ربوبیت، و بر اثبات یوم الفصل که از آیه:" أَ لَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ..." و آیات بعد از آن استفاده می شود]

این آیـات حجت هـایی است که بر یگـانگی خـدای تعالی در ربوبیت دلالت می کنـد، ادله ای است که به حکم آن بایـد یوم الفصلی باشد، و در آن مکذبین به جزای خود برسند، و نیز به کیفرهایی که برای آنان تهیه شده، و به نعمت و کرامتی که برای مردم با تقوی آماده شـده اشاره می کنـد، و سوره را با توبیـخ و مذمت منکرین که از عبادت خدا و ایمان به گفتار او اسـتکبار می ورزند، ختم نموده است.

" أَ لَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ كَذلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ " اسـتفهام در این آیه انکاری است، و منظور از" اولین " امثال قوم نوح و عاد و ثمود است، که از امت های قدیم العهدند، و منظور از" آخرین " امت هایی است که بعدا به ایشان پیوستند، و کلمه" اتباع" به معنای آن است که چیزی را دنبال چیزی دیگر قرار دهند.

در جمله" ثم نتبعهم" کلمه" نتبع" را به رفع می خوانیم، بنـا بر اینکه استینـافی و از نـو باشـد، چون عطف به کلمه" نهلـك" نیست، و گر نه آن نیز مجزوم می شد. و معنای آیه این است که: ما تکذیب گران را که در امتهای اولین بودند هلاك کردیم، و سپس ما امتهای دیگر را به دنبال آنان هلاك می کنیم.

و جمله" كَذلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ " به منزله تعلیل برای مطالب قبل است، و لذا بدون فصل (واو)

آمده و عطف به ما قبل نشده، گویا گوینده ای پرسیده: آخر چرا هلاک شدند؟ در پاسخ فرموده: برای این که سنت ما با مجرمین همین است، و این آیات- به طوری که ملاحظه می کنید- انذار است، و می خواهد لحن بیان را به همان اصلی که محور آیات این سوره است یعنی جمله" وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ " برگرداند، و در عین حال حجتی است بر یگانگی خدا در ربوبیت، چون هلاک کردن انسانهای مجرم، خود تصرفی در عالم انسانی و تدبیری برای آن است، و چون غیر از خدا هلاک کننده ای نیست، و خود مشرکین هم به این اعتراف دارند، پس رب هم تنها او است و غیر او رب و معبودی نیست.

علاوه بر اشارات یاد شده بر وجود یوم الفصل هم دلالت دارد، چون اهلاک قومی به خاطر جرائمی که داشته اند وقتی تصور دارد که قبلا تکلیف کرده باشد، و تکلیف هم وقتی می تواند متوجه قومی بشود که مجازاتی هم در کار باشد، اطاعت کاران را پاداش و گنهکاران را کیفر دهند، پس معلوم می شود که در این میان یوم الفصلی هست، و در آن افراد مطیع پاداش، و عاصیان کیفر داده می شوند، و پاداش و کیفر آن روز از جنس پاداش و کیفر دنیا نیست، چون پاداش و کیفر دنیوی نمی تواند همه اولین و آخرین را شامل شود، پس در این میان روزی هست که هر انسانی در برابر هر کاری که کرده جزا داده می شود، و این همان روز فصل و روز" مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ " است.

" أَ لَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ ... فَنِعْمَ الْقادِرُونَ" استفهام در این آیه انکاری است، و کلمه" ماء مهین"

به معنای آبی خوار و پست است، که خودش نمی تواند خود را نگه دارد، و مراد از آن نطفه است، و مراد از" قرار مکین" محفظه رحم است، و منظور از" قدر معلوم" مدت حمل است.

و فعل" فقدرنا" از باب قدر به معنای اندازه گیری است، و حرف" فاء" برای تفریع قدر بر خلق است، و معنایش این است که: ما شما را خلق کردیم و حوادثی که بعدها بر سرتان می آید و اوصاف و احوالی که در آینده به خود می گیرید همه را معین و تقدیر کردیم. خلاصه هم خلقتان کردیم، و هم حوادثی که در طول زندگی برایتان پیش می آید معین کردیم، یکی عمرش طولانی و دیگری کوتاه شد، یکی قیافه اش زیبا و دیگری زشت شد، یکی سالم و دیگری مریض شد، و همچنین از نظر رزق و چیزهای دیگر.

بعضی «۱» احتمال داده اند که: جمله" قدرنا" از قدرت در مقابل عجز گرفته شده باشد،

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۷.

و مراد این باشد که ما بر همه اینها توانائیم. ولی وجه قبلی وجیه تر است.

و معنای آیه این است که: ما شما را از آبی پست و ناچیز که همان نطفه باشد آفریده ایم، و آن آب را در قرارگاهی محفوظ که همان رحم مادران باشد جای دادیم، و تا مدتی معلوم که همان مدت حمل باشد در آنجا نگه داشتیم، پس ما همه این حوادث و صفات و احوال را که با هستی شما ارتباط دارند تقدیر کردیم، و چه خوب مقدری هستیم ما.

در این آیات و اینکه مضمونش حجتی بر وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت است، نظیر آن بیانی که در

آیات سابق داشتیم جریان دارد. و همچنین در اینکه این حجت، حجت بر تحقق یوم الفصل نیز هست، چون ربوبیت اقتضای آن دارد که مربوبین در برابر ساحتش خضوع کنند، و این خضوع همان گرویدن به دینی است که مربوب را مکلف به تکالیفی می کند، و تکلیف هم جز بر دائر کردن جزا در برابر اطاعت و عصیان تمام نمی شود، و روزی که مکلفین در آن روز به جزای اعمال خود می رسند، همان یوم الفصل است.

" أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً أَحْياءً وَ أَمْواتاً ... فُراتاً" کلمه" کفات" و همچنین کلمه" کفت" به معنای جمع کردن و ضمیمه کردن است، می فرماید: مگر ما نبودیم که زمین را کفات کردیم، یعنی چنان کردیم که همه بندگان را در خود جمع می کند، چه مرده ها را و چه زنده ها را. بعضی «۱» گفته اند: کفات جمع کفت به معنای ظرف است. و معنای آیه این است که: مگر ما زمین را ظرفهایی برای جمع احیا و اموات نکردیم.

" وَ جَعَلْنا فِيها رَواسِيَ شامِخاتٍ"- کلمه" رواسی" جمع" راسیه" است، که به معنای کوه پا بر جا و استوار است، و" شامخات" به معنای کوه های بلند است، و گویا آوردن کلمه" رواسی" زمینه چینی است برای آیه" وَ أَسْقَيْناكُمْ ماءً فُراتاً"، چون نهرها و چشمه های طبیعی همه از کوه ها منفجر می شود، و به طرف دشت ها سرازیر می گردد، و کلمه" فرات" به معنای آب گوارا است، در دلیل بودن این آیات هم همان بیان که در آیات قبل داشتیم می آید.

[وصف عذابی که مکذبان قیامت در آن روز به سوی آن روانه می شوند]

" انْطَلِقُوا إِلى ما كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ" این آیه حکایت فرمانی است

که در یوم الفصل به ایشان داده می شود، صاحب کلام خدای تعالی است، به قرینه اینکه در آخر آیات می فرماید:" اگر نیرنگی دارید به کار ببرید"،

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۷.

و مراد از جمله" آنچه همواره تکذیبش می کردند" جهنم است، و کلمه" انطلاق" به معنای روانه شدن و منتقل گشتن از جایی به جای دیگر و بدون مکث است. و معنای آیه این است که: به ایشان گفته می شود از محشر بدون هیچ درنگی به سوی آتش روانه شوید، همان آتشی که همواره تکذیبش می کردید.

" انْطَلِقُوا إِلی ظِلٍّ ذِی ثَلاثِ شُعَبٍ" مفسرین «۱» گفته اند: مراد از این" ظل" سایه دودی است که از آتش جهنم بالا می رود، هم چنان که در جای دیگر فرموده:" وَ ظِلٍّ مِنْ یَحْمُومٍ" «۲».

و نیز در مورد انشعاب آن به سه شعبه گفته اند: این اشاره است به عظمت دود جهنم، چون دود وقتی خیلی متراکم و عظیم باشد شاخه شاخه می شود.

" لا ظَلِیلٍ وَ لا یُغْنِی مِنَ اللَّهَبِ"" ظل ظلیل" به معنای سایه خنک است، سایه ای که از رسیدن حرارت به انسان جلوگیری کند، و برای آدمی ساتری از آزار حرارت باشد، و اینکه می فرماید سایه شعبه دار ظلیل نیست، منظور این است که از هرم آتش و شعله های آن جلوگیری نمی کند.

" إِنَّها تَرْمِی بِشَرَرٍ کَالْقَصْرِ کَأَنَّهُ جِمالَتٌ صُفْرٌ" ضمیر" انها" به" نار- آتش" بر می گردد هر چند در کلام نامی از" نار" برده نشده بود، و لیکن از سیاق معلوم است. و کلمه" شرر" به معنای زبانه هایی است که از آتش بر می خیزد. و معنای" قصر" معلوم است و کلمه" جماله" جمع جمل است، که به

معنای شتر نر است، و معنای آیه روشن است.

" هذا يَوْمُ لا يَنْطِقُونَ وَ لا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ " كلمه " هذا " اشاره است به " يوم الفصل " و مراد از " يؤذن " اذن در سخن گفتن و يا عذرخواهى كردن است.

و جمله " فيعتذرون " عطف است بر جمله " يؤذن " و هر دو در سلك نفى قرار دارند، مى فرمايد امروز روزى است كه اهل محشر- از انسانها- سخن نمى گويند و اذن سخن گفتن به ايشان داده نمى شود، و يا اذن عذرخواهى كردن به ايشان داده نمى شود، پس اعتذارى نخواهند كرد. و نفى نطق در اين آيه با اثبات آن در آيات ديگر منافات ندارد، چون روز قيامت مواقف بسيار و مختلف دارد، در يک موقف از ايشان سؤال مى شود جواب هم مى دهند، و در

---

(۱) تفسير كشاف، ج ۴، ص ۶۸۰.

(۲) سايه اى از دود. سوره واقعه، آيه ۴۳.

موقفى ديگر بر دهان آنان مهر مى زنند و نمى توانند سخن بگويند، و ما در تفسير آيه شريفه " يَوْمَ يَأْتِ لا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ " «۱»، بيانى در اين باره داشتيم، بدانجا مراجعه شود.

" هذا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْناكُمْ وَ الْأَوَّلِينَ فَإِنْ كانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ " روز قيامت را از اين جهت يوم الفصل خوانده كه خداى تعالى در آن روز جدا سازى مى كند، و ميان اهل حق و اهل باطل با داورى خود جدايى مى اندازد، هم چنان كه فرمود: " إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ فِيما كانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ " «۲»، و نيز فرموده: " إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ فِيما كانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ " «۳» كه در يكى تعبير به فصل، و در ديگرى تعبير به قضا كرده است.

و خطاب " كم- شما

را" در جمله" جَمَعْناكُمْ وَ الْأَوَّلِينَ" به تكذيب گران اين امت است، بدان جهت كه جزء آخرين هستند، و به همين جهت در مقابل" اولين" قرارشان داد، و در جاى ديگر به نحو جامع فرموده: امروز روزى است كه همه مردم در آن جمع مى شوند،" ذلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ" «۴» و در جاى ديگر فرموده:" وَ حَشَرْناهُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَداً" «۵».

و معناى اينكه فرمود:" فَإِنْ كانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ" اين است كه اگر شما حيله اى عليه من داريد تا با آن حيله عذاب مرا از خود دفع كنيد، آن حيله را بكار ببريد، و اين خطاب را اصطلاحا تعجيزى مى گويند، و معنايش اين است كه شما چنين نيرويى نداريد، در آن روز به طور كلى همه نيروها از شما گرفته مى شود، و با ظهور اين حقيقت كه" لا قوه الا للّه" خود ستمكاران با ديدن عذاب يقين مى كنند، و بلكه مى بينند كه قوت همه اش از آن خدا است، و اينكه خدا شديد العذاب است، و اين زمانى است كه پيشوايان از پيروان خود بيزارى مى جويند، و عذاب را مى بينند، و همه اسبابها از كار مى افتد «۶».

و اين آيه يعنى آيه" فَإِنْ كانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ" مدلولى وسيع تر از آيه شريفه زير

---

(۱) آن روز كه فرا رسد هيچ كس جز به اجازه او سخن نمى گويد. سوره هود، آيه ۱۰۵.

(۲) البته خداى تو در روز قيامت در آنچه اين مردم اختلاف انگيختند حكم خواهد كرد. سوره سجده، آيه ۲۵.

(۳) پروردگار تو در روز قيامت ميان آنها در آنچه اختلاف كردند داورى خواهد كرد. سوره يونس، آيه ۹۳.

(۴) همان روز است كه مردم در آن جمع مى شوند،

سوره هود، آیه ۱۰۳.

(۵) و همه آنها را محشور می کنیم و احدی از ایشان را از قلم نمی اندازیم. سوره کهف، آیه ۴۷.

(۶) سوره بقره، آیه ۱۶۶. ______________________________

دارد که می فرماید:" یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ" «۱»، چون این آیه تنها قدرت بر فرار را نفی می کند، به خلاف آیه مورد بحث که همه انحای حیله را نفی می کند.

در جمله" فکیدون" التفاتی از تکلم مع الغیر (ما) به تکلم وحده (من) به کار رفته، چون در جملات قبل خداوند تعبیر به" ما" می کرد و می فرمود:" ما شما را جمع می کنیم"، و در اینجا تعبیر به من کرده، و نکته در آن این است که امر" فکیدون" تعجیزی است، و متعلق آن کید با کسی است که همه قوت ها و قدرت ها از اوست، و او تنها خدای تعالی است، و اگر می فرمود:" فکیدونا" اشاره به" توحید" از بین می رفت.

" إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی ظِلالٍ وَ عُیُونٍ وَ فَواکِهَ مِمَّا یَشْتَهُونَ ... الْمُحْسِنِینَ" مراد از کلمه" ظلال" سایه های بهشت، و مراد از کلمه" عیون" چشمه های آن است، که اهل بهشت از آن سایه ها استفاده نموده، و از آن چشمه ها می نوشند، و کلمه" فواکه" جمع فاکهه است که به معنای میوه است.

" کُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِیئاً بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ"- مفاد این آیه اذن و اباحه است، تو گویی خوردن و نوشیدن کنایه است از مطلق تنعم به نعمتهای بهشتی و تصرف در آن، هر چند که از مقوله خوردن و نوشیدن نباشد. و استعمال این کنایه شایع است، هم چنان که خوردن مال را کنایه

می گیرند از مطلق تصرف، مثلا می گویند مال مردم را مخور، یعنی در آن تصرف مکن.

" إِنَّا كَذلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ "- در این جمله سعادت اهل بهشت را مسجل می سازد.

" كُلُوا وَ تَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ" خطاب در این آیه از قبیل خطابهای تهدیدآمیزی است که ما به دشمن خود می کنیم و می گوییم هر چه دلت می خواهد بکن، و یا هر چه از دستت بر می آید کوتاهی مکن، که معنایش این است که هر کاری بکنی سودی به حالت ندارد، و این نوع خطابها مخاطب را از اینکه از حیله های خود سود ببرد و در نتیجه به هدف خود برسد مایوس می کند، و نظیر آن در چند جای قرآن آمده، می فرماید:" فَاقْضِ ما أَنْتَ قاضٍ إِنَّما تَقْضِي هذِهِ الْحَياةَ الدُّنْيا" «۲».

---

(۱) ای گروه جن و انس اگر می توانید به قسمتی از اقطار آسمانها و زمین نفوذ کنید بکنید و نفوذ نخواهید کرد مگر با داشتن قدرت. سوره الرحمن، آیه ۳۳.

(۲) هر حکمی می خواهی بکن که تنها می توانی در این زندگی دنیا داوری کنی. سوره طه، آیه ۷۲.

و نیز می فرماید:" اعْمَلُوا ما شِئْتُمْ إِنَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ" «۱».

پس اینکه فرمود:" كُلُوا وَ تَمَتَّعُوا قَلِيلًا": بخورید، و در اندک زمانی تمتع ببرید، و یا تمتعی اندک ببرید، در حقیقت می خواهد ایشان را مایوس کند از اینکه با خوردن و تمتع بردن بتوانند عذاب را از خود دفع کنند، وقتی نمی توانند جلو عذاب را بگیرند، هر چه دلشان می خواهد از متاع قلیل دنیا بخورند.

و اگر در این زمینه خصوص خوردن و تمتع را یادآور شد، برای این بود که منکرین معاد برای سعادت معنایی جز سعادت دنیا

قائـل نیسـتند، و برای سـعادت دنیـا هم معنایی جز خوردن و شـهوترانی کردن نمی فهمنـد، عیناماننـد یک حیوان بی زبان، که قرآن کریم ایشان را به آن تشبیه نموده می فرماید:" وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَ يَأْكُلُونَ كَما تَأْكُلُ الْأَنْعامُ وَ النَّارُ مَثْوىً لَهُمْ " «۲».

و جمله" إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ"، علت مطالب ما قبل را بیان می کنـد، که در آن امر می کرد به اینکه بخوریـد و تمتع ببرید که از آن سودی نخواهیـد برد، برای اینکه شـما با تکـذیب یوم الفصل، و تکذیب کیفر تکذیب گران، مجرم شدید، و جزای مجرم خواه ناخواه آتش است.

[مقصود از رکوع در آیه:" وَ إِذا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لا يَرْكَعُونَ" و وجه اتصال این آیه با آیات قبل

" وَ إِذا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لا يَرْكَعُونَ" مراد از" رکوع"- به طوری که دیگران هم گفته انـد «۳»- نماز خوانـدن است، و شاید به اعتبار آن باشد که نماز مشتمل بر رکوع است.

بعضی «۴» هم گفته انـد: مراد از رکـوعی که در این آیه به آن امر فرموده، مطلق خشوع و خضوع و تواضع برای خـدای تعـالی است، به اینکه دعوتش را بپذیرند، و کلامش را قبول نموده، دینش را پیروی نمایند، و خلاصه بندگیش کنند.

بعضی «۵» دیگر گفته انـد: مراد از این رکوع همان سـجده ای است که در قیامت مامور بـدان می شوند، ولی نمی توانند انجام دهند، که قرآن در باره اش فرموده:" وَ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلا يَسْتَطِيعُونَ" «۶»، لیکن این دو وجه خالی از بعد نیست.

---

(۱) هر چه می خواهید بکنید، که او بدانچه می کنید بینا است. سوره حم سجده، آیه ۴۰.

(۲) و کسانی که کافر شدند تمتع می برند، و می خورند آن چنان که چارپایان می خورند، و آتش منزلگاه

ایشان است. سوره محمد، آیه ۱۲.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۹.

(۴ و ۵) روح المعانی، ج ۲۹، ص ۱۷۸.

(۶) و دعوت به سجود می شوند اما قادر بر آن نیستند. سوره قلم، آیه ۴۲.

و اما اینکه وجه اتصال این آیه به ما قبلش چیست؟ به نظر ما وجهش این است که زمینه گفتار در سابق زمینه تهدید تکذیب گران روز فصل بود، و در این مقام بود که آثار سوء این تکذیبشان را بیان کند، در آیه مورد بحث هم همین مطلب را تمام نموده، می فرماید اینان خدا را وقتی که ایشان را به عبادت خود می خواند عبادت نمی کنند، چون منکر روز جزایند، و با انکار روز جزا عبادت معنا ندارد، پس آیه مورد بحث به این بیان متصل به ما قبل است، و در عین حال زمینه ای است برای آیه بعد که می فرماید:" فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ".

بعضی «۱» به زمخشری نسبت داده اند که گفته است: این آیه متصل به کلمه" للمکذبین" است، که در آیه قبل بود، گویا فرموده: ویل برای کسانی که تکذیب کردند، و کسانی که وقتی به ایشان گفته می شود رکوع کنید رکوع نمی کنند.

در این آیه التفاتی به کار رفته، قبلا- منکرین معاد مورد خطاب بودند، به ایشان می فرمود:" بخورید ..." و در اینجا غایب به حساب آمده اند، می فرماید:" وقتی به ایشان گفته می شود ..." و وجه این التفات روگردانی از ایشان است، چون بعد از آنکه در جمله" کلوا و تمتعوا" ایشان را به خودشان واگذاشت، که هر چه می خواهند بکنند، دیگر معنا ندارد باز خطاب را متوجهشان کند.

" فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ" یعنی وقتی به قرآن که

معجزه و آیتی است الهی ایمان نمی آورند، و وقتی این قرآن با کمال روشنی و با برهان قاطع برایشان بیان می کند که معبودی جز خدا ندارند، و خدا شریکی ندارد، و در پیش رویشان یوم الفصلی چنین و چنان دارند، توجهی بدان نمی کنند، دیگر بعد از این قرآن به چه سخنی ایمان می آورند.

این جمله رسول خدا (ص) را مایوس می کند از اینکه به خدا و رسولش ایمان بیاورند، و به منزله هشداری است به اینکه دیگر ایشان را به ایمان دعوت مکن، و اینکه گفتیم" بخورند و تمتع ببرند" سخن به جایی بود، دیگر ایمان آور نیستند، و هیچ فایده ای در دعوت کردن آنان نیست، جز همین مقدار که حجت بر آنان تمام شود.

بحث روایتی [(چند روایت در ذیل برخی آیات گذشته)]

در تفسیر قمی در ذیل آیه" أَ لَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ" آمده یعنی آبی گندیده و

---

(۱) روح المعانی، ج ۲۹، ص ۱۷۸.

" فَجَعَلْناهُ فِي قَرارٍ مَكِينٍ"، یعنی در رحم و" إِلى قَدَرٍ مَعْلُومٍ" یعنی تا منتهای اجل «۱».

مؤلف: و در اصول کافی در روایتی از ابی الحسن ماضی (ع) آمده که آیه" أَ لَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ" را بر تکذیب گرانی تطبیق فرموده که در خصوص اطاعت از اوصیای پیغمبر او را تکذیب کردند و جمله" ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ" را بر کسانی تطبیق فرموده که نسبت به آل محمد جفا کردند «۲».

و این حدیث علاوه بر اضطرابی که در متن آن هست صرف تطبیق مصداق بر آیه است، نه تفسیر آن.

و نیز در آن کتاب آمده که در معنای آیه" أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً أَحْياءً وَ أَمْواتاً" فرموده" کفات" به معنای مساکن

است. آن گاه اضافه کرده که امیر المؤمنین (ع) در مراجعتش از صفین به قبرها نظر انداخت، و آن گاه فرمود: اینجا کفات اموات است، یعنی منزلگاه ایشان است و سپس نظر انداخت به خانه های کوفه و فرمود: اینها کفات زندگان است، آن گاه این آیه را تلاوت کرد:" أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً أَحْياءً وَ أَمْواتاً" «۳».

مؤلف: و در کتاب معانی الاخبار به سند خود از حماد از امام صادق (ع) روایت کرده که آن جناب نظری به مقابر انداخت، و سخنانی که در حدیث قبل آمده بود به زبان آورد «۴».

و در همان کتاب در تفسیر جمله" وَ جَعَلْنا فِيها رَواسِيَ شامِخاتٍ" آمده که منظور کوه های مرتفع است.

و نیز در همان کتاب در معنای جمله" ذِي ثَلاثِ شُعَبٍ" آمده که: در آن، سه شعبه از آتش است، و در معنای" إِنَّها تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ" فرموده شراره هایی از آتش که به بزرگی قصرها و کوه ها است.

و نیز در همان کتاب در تفسیر" إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلالٍ وَ عُيُونٍ" آمده که فرمود: در سایه هایی از نور که روشن تر از نور خورشید است«۵».

و در مجمع البیان در ذیل آیه" وَ إِذا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لا يَرْكَعُونَ" می گوید: مقاتل گفته ______________

(۱) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۰.

(۲) اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۵، ح ۱.

(۳) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۰.

(۴) معانی الاخبار، ص ۳۴۲، ح ۱.

(۵) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۰.

این آیه در باره قبیله ثقیف نازل شد، که رسول خدا (ص) به ایشان دستور داد نماز بخوانند، و آنها گفتند" لا ننحنی" یعنی ما هرگز قامت خم نمی کنیم. البته در روایت

به جای کلمه " لا- ننحنی "" لا- نحنی " آمده. آن گاه گفتند قامت خم کردن ننگی است بر ما، پس رسول خدا (ص) فرمود: دینی هم که رکوع و سجود نداشته باشد چیزی ندارد «۱».

مؤلف: در انطباق این قصه- که حتما باید بعد از هجرت و وجوب نماز واقع شده باشد- با آیه مورد بحث خفایی هست، و آن طور که باید روشن نیست.

و در تفسیر قمی در باره آیه قبلی آمده که وقتی به ایشان گفته می شود: امام را دوست بدارید و ولایتش را بپذیرید، نمی پذیرند «۲».

مؤلف: این روایت هم از باب تطبیق کلی بر مصداق است، نه از باب تفسیر.

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۹.

(۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۱.

تفسیر نمونه

سوره مرسلات

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۵۰ آیه است

محتوای سوره مرسلات

معروف این است که این سوره در مکه نازل شده ، ولی بعضی تصریح کرده اند به این که آیه ۴۸ ((و اذا قیل لهم ارکعوا لا یرکعون)) ((مدنی)) است ، هر چند دلیل روشنی برای آن ذکر نکرده اند، و اگر مساءله ((رکوع)) و ((نماز)) سبب این استنباط شده ، درست به نظر نمی رسد، زیرا مدتها مسلمانان در مکه نماز می خواندند و رکوع می کردند.

به هر حال بیشترین مطلبی که در این سوره مطرح شده است ، مسائل مربوط به قیامت و تهدید و انذار مکذبان و منکران است .

و از امتیازات این سوره این است که آیه ((ویل یومئذ للمکذبین)): ((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان ده بار در آن تکرار شده ، و هر بار به دنبال مطلب تازه

ای)).

بعد از ذکر سوگندهائی ، از قیامت و حوادث سنگین و سخت رستاخیز خبر می دهد، و به دنبال آن همین آیه را ذکر می کند، و می گوید: ((وای بر تکذیب کنندگان در آن روز))!

در مرحله بعد سرگذشت غم انگیز اقوام گنهکار پیشین .

و در مرحله سوم گوشه ای از ویژگیهای آفرینش انسان .

و در مرحله چهارم قسمتی از مواهب الهی در زمین .

و در مرحله پنجم قسمتهائی از عذاب تکذیب کنندگان را شرح می دهد.

همچنین در هر مرحله اشاره ای به مطلبی بیدارگر و تکان دهنده کرده ، و به دنبال آن این آیه را تکرار می کند، و حتی در بخشی از آن به نعمتهای

بهشتی که نصیب پرهیزگاران شده اشاره نموده تا انذار را با بشارت بیامیزد و تهدید را با تشویق .

و به هر حال این تکرار، تکرار بعضی از آیات را در سوره الرحمان تداعی می کند، با این تفاوت که در آنجا سخن از نعمتها بود، و در اینجا غالبا از عذابهای مکذبان است .

انتخاب نام ((مرسلات)) برای این سوره به تناسب نخستین آیه این سوره است .

فضیلت تلاوت این سوره

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم : ((من قرء سوره و المرسلات کتب انه لیس من المشرکین)): ((کسی که سوره مرسلات را بخواند نوشته می شود که او از مشرکان نیست)). <۱>

و در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است : ((من قراها عرف الله بینه و بین محمد (صلی اللّه علیه و آله و سلّم))): ((کسی که این سوره را

بخواند خداوند او را با پیامبر آشنا (و همجوار) می سازد)). <۲>

بدون شک این ثواب و فضیلت از آن کسانی است که بخوانند و بیندیشند و عمل کنند، و لذا در حدیثی آمده است : بعضی از یاران پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) خدمتش عرض کردند: اسرع الشیب الیک یا رسول الله (صلی اللّه علیه و آله و سلّم): ((چه زود آثار پیری در شما نمایان شده ای رسول خدا))؟!

فرمود: ((شیبتنی هود و الواقعه و المرسلات و عم یتسائلون))!: ((سوره های هود، واقعه ، مرسلات ، و عم یتسائلون مرا پیر کرده))!. <۳>

قابل توجه این که در تمام این سوره ها احوال قیامت و مسائل هول انگیز آن دادگاه بزرگ منعکس است ، و همینها بوده که در روح مقدس پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) اثر گذارد.

بدیهی است تلاوت بدون فکر و تصمیم بر عمل نمی تواند چنین اثری بگذارد.

تفسیر :

وعده های الهی حق است ، وای بر تکذیب کنندگان !

در آغاز این سوره مقدمه در پنج آیه ، پنج سوگند آمده که در تفسیر معنی آنها سخن بسیار است :

می فرماید: ((سوگند به آنها که پی درپی فرستاده می شوند)) (و المرسلات عرفا. <۴>

((و آنها که همچون طوفان و تند باد حرکت می کنند)) (فالعاصفات عصفا).

((و سوگند به آنها که می گسترانند و منتشر می سازند)) (و الناشرات نشرا).

((و آنها که جدا می کنند)) (فالفارقات فرقا).

((و آنها که آیات بیدار کننده را القا می نمایند)) (فالملقیات ذکرا).

((برای اتمام حجت یا انذار)) (عذرا او نذرا). <۵>

اکنون ببینیم این سوگندهای

سربسته که از مسائل مهمی خبر می دهد مفهومش چیست ؟

در اینجا سه تفسیر معروف وجود دارد:

۱ - تمام این قسمتهای پنجگانه اشاره به بادها و طوفانها است ، که نقش مؤ ثری در بسیاری از مسائل جهان طبیعت دارند، بنابراین مفهوم آیات چنین می شود: سوگند به بادهائی که پشت سر هم می وزند.

و سوگند به طوفانهائی که شدیدا حرکت می کنند.

و قسم به آنها که ابرها را می گسترانند و قطرات حیاتبخش باران را از لابلای آنها روانه سرزمینهای خشک می کنند.

و سوگند به آنها که ابرها را بعد از ریزش باران پراکنده می سازند.

و قسم به این بادها که با این برنامه انسانها را به یاد خدا می اندازند.

(بعضی نیز ((فالعاصفات عصفا)) را اشاره به طوفانهای عذاب که نقطه مقابل بادهای حیاتبخش است دانسته اند که آن هم به نوبه خود مایه تذکر و بیداری است).

۲ - تمام این سوگندها اشاره به ((فرشتگان آسمان)) است ، یعنی قسم به فرشتگانی که پی درپی به سوی انبیاء فرستاده می شوند (یا فرشتگانی که با برنامه های شناخته شده و معروف فرستاده می شوند).

و قسم به آنها که همچون طوفان با سرعت تمام به دنبال ماءموریت خود می روند.

و به آنها که آیات کتب آسمانی را در برابر پیامبران می گسترانند و نشر می دهند.

و آنها که با این عمل حق را از باطل جدا می سازند.

و آنها که ذکر حق و دستورات او را به انبیاء القا می کنند.

۳ - سوگند اول و دوم ناظر به مساءله ((بادها و طوفانها)) است ، و سوگند سوم و چهارم و پنجم را

ناظر به نشر آیات حق به وسیله ((فرشتگان))، و سپس جدا کردن حق از باطل ، و بعد القاء ذکر و دستورهای الهی به پیامبران ، به منظور اتمام حجت و انذار است .

چیزی که می تواند شاهد بر تفسیر سوم باشد اولا جداسازی این دو دسته از سوگندها در آیات به وسیله ((واو)) است ، در حالی که بقیه به وسیله ((فاء)) عطف شده که نشانه ارتباط و پیوند آنها است .

ثانیا چنانکه خواهیم دید همه این سوگندها برای مطلبی است که در آیه هفتم آمده یعنی حقانیت و واقعیت رستاخیز و معاد، و می دانیم در آستانه رستاخیز دگرگونی عظیمی در عالم پیدا می شود، طوفانهای شدید زلزله ها و حوادث تکاندهنده از یکسو، و سپس تشکیل دادگاه عدل الهی از سوی دیگر که در آنجا فرشتگان نامه های اعمال را نشر می دهند، و میان صفوف مؤ منان و کافران جدائی می افکنند، و حکم الهی را در این زمینه القا می کنند.

اگر قسمتهای پنجگانه فوق طبق این تفسیر بیان شود تناسبی با مقسم به یعنی چیزی که برای آن سوگند یاد شده است خواهد داشت و تفسیر اخیر از این نظر برتری دارد.

ذکر در جمله ((فالملقیات ذکرا)) یا به معنی علوم و دانشهائی است که به انبیاء القا شده ، یا آیاتی است که بر آنها نازل گشته است ، و می دانیم در آیات قرآن از خود قرآن تعبیر به ((ذکر)) شده است ، چنانکه در آیه ۶ سوره حجر

آمده است و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون (دشمنان) می گفتند ای کسی که ذکر

بر تو نازل شده است تو دیوانه ای !

تعبیر به ((الملقیات)) به صورت ((جمع)) با اینکه فرشته وحی یعنی جبرئیل یک فرد بیشتر نبود، به خاطر این است که از بعضی از روایات استفاده می شود که گاه برای نزول آیات قرآن گروههای عظیمی از فرشتگان جبرئیل را همراهی می کردند، در آیه ۱۵ سوره عبس نیز آمده است بایدی سفره یعنی ((آیات قرآنی به دست سفیران الهی (فرشتگان) بر پیامبر اسلام نازل شده است)).

حال باید دید که این سوگندها برای چه منظوری است ؟ در آیه بعد پرده از روی این معنی برداشته ، می گوید: آنچه به شما وعده داده می شود واقع خواهد شد (انما توعدون لواقع)

بعث و نشور، ثواب و عقاب ، حساب و جزا، همه حق است ، و تردیدی در آن نیست .

بعضی نیز آن را اشاره به تمام وعده های الهی ، اعم از وعده هائی که به نیکان یا بدان در دنیا، یا در آخرت داده است ، ولی آیات بعد نشان می دهد که منظور فقط وعده قیامت است . <۶>

گرچه در این آیه استدلالی بر مساءله معاد نشده است و تنها به ادعا قناعت گردیده ، ولی لطف مطلب اینجا است که در قسمهای پیشین مطالبی آمده که خود از دلائل معاد است ، از جمله زنده شدن زمینهای مرده به وسیله نزول بارانها که خود نمونه ای از صحنه معاد است دیگر نزول تکالیف الهی بر پیامبران و ارسال رسل که بدون وجود معاد نامفهوم است ، خود نشان می دهد که وعده رستاخیز قطعی است .

نظیر این

مطلب در آیه ۲۳ سوره ذاریات نیز آمده است که خداوند می فرماید: فو رب السماء انه لحق : ((سوگند به پروردگار آسمان که روزی شما حق است)) سوگند به ((رب)) که اشاره به ربوبیت پروردگار و تدبیر او در جهان آفرینش است ایجاب می کند که بندگان را بی روزی نگذارد.

سپس به بیان نشانه های این روز موعود پرداخته ، می فرماید: ((این روز موعود زمانی فرا می رسد که ستاره ها از صفحه آسمان محو و تاریک گردند)). (فاذا النجوم طمست).

((و آسمان (کواکب آسمان) از هم شکافته شود)) (و اذا السماء فرجت)

((و زمانی که کوهها از جا کنده شود)) (و اذا الجبال نسفت).

((طمست)) از ماده ((طمس)) (بر وزن شمس) به معنی محو کردن و زائل کردن آثار چیزی است ، و در اینجا ممکن است اشاره به محو نور ستارگان باشد یا متلاشی شدن آنها، ولی تفسیر اول مناسبتر است ، همانگونه که در آیه ۲ - تکویر آمده است و اذا النجوم انکدرت : ((در آن هنگام که ستارگان تاریک شوند)).

و ((نسفت)) از ماده ((نسف)) (بر وزن حذف) در اصل به معنی ریختن دانه های غذائی در غربال و تکان دادن آن است تا پوست از دانه جدا شود، و در اینجا به معنی خرد شدن و سپس بر باد رفتن کوهها است .

اصولا از آیات متعددی در قرآن مجید استفاده می شود که پایان این جهان

با یک سلسله حوادث بسیار هول انگیز و کوبنده همراه است ، به طوری که نظام آن را به کلی متلاشی می سازد، و

جهان آخرت با نظامی نوین جایگزین آن می گردد.

به طوری که این حوادث عجیب و وحشتناک است که با هیچ بیانی نمی توان آن را توصیف کرد، آیا حوادثی که کوهها را از جا می کند و چنان به هم می کوبد که تبدیل به غبار می شود، و به صورت پشمهای زده شده در می آورد قابل توصیف است ؟

و به تعبیر بعضی از مفسران عظمت این حوادث به قدری است که عظیمترین زلزله هائی که انسان به چشم دیده در برابر آن مانند ترقه های کوچکی است که بچه ها برای بازی منفجر می کنند در برابر بزرگترین بمب اتم .

و به هر حال این تعبیرات قرآنی دلیل بر تفاوت زیاد نظامات آخرت با نظامات دنیا است .

و به دنبال آن اشاره ای به صحنه رستاخیز کرده می افزاید: ((و این در هنگامی است که برای پیامبران تعیین وقت می شود که به نوبت بیایند و شهادت خود را درباره امتها بدهند)) (و اذا الرسل اقتت). <۷>

همانگونه که در آیه ۶ سوره اعراف آمده است ، فلنسئلن الذین ارسل الیهم و لنسئلن المرسلین : ((ما هم از کسانی که رسولان به آنها مبعوث شدند سؤ ال می کنیم ، و هم از رسولان)).

سپس می افزاید: ((برای چه روزی شهادت این رسولان و گواهی آنها بر امتها به تاءخیر افتاده))؟! (لای یوم اجلت). <۸>

((برای روز جدائی)) (لیوم الفصل).

روز جدائی حق از باطل ، جدائی صفوف مؤ منان از کافران ، و نیکوکاران از بدکاران ، و روز داوری مطلق حق درباره همگان .

این سؤ ال و

جواب برای بیان عظمت آن روز بزرگ است و چه تعبیر پر معنی و گویائی از آن روز شده است روز جدائیها!

سپس برای بیان عظمت آن روز می فرماید: ((تو چه می دانی یوم الفصل و روز جدائیها چیست))؟ (و ما ادریک ما یوم الفصل).

جائی که پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) با آن علم وسیع و گسترده ، و با آن دیده تیز بینی که اسرار غیب را مشاهده می کرد ابعاد عظمت آن روز را به درستی نداند، تکلیف بقیه مردم روشن است ، و همان گونه که بارها گفته ایم درک تمام اسرار با عظمت قیامت برای ما زندانیان قفس دنیا ممکن نیست تنها شبحی از آن را می بینیم و به آن ایمان داریم .

و در آخرین آیه مورد بحث ، تکذیب کنندگان آن روز را شدیدا مورد تهدید قرار داده ، می فرماید: ((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)) (ویل یومئذ للمکذبین).

((ویل)) را بعضی به معنی ((هلاکت))، و بعضی به معنی ((انواع عذاب)) و بعضی آن را به معنی ((وادی پر عذابی در جهنم)) تفسیر کرده اند، این کلمه معمولا در مورد حوادث اسفناك به کار می رود، و در اینجا حکایت از سرنوشت دردناك تکذیب کنندگان در آن روز می کند. <۹>

منظور از ((مکذبین)) در اینجا کسانی است که قیامت را تکذیب می کنند، و می دانیم کسی که ایمان به قیامت و دادگاه عدل خداوند و حساب و جزا نداشته باشد به آسانی مرتکب هر گونه گناه و ظلم و فسادی می شود، اما

ایمان راسخ به آن روز به انسان تعهد و احساس مسؤ ولیت و تقوی و پرهیزگاری می بخشد.

۱ - محتوای این سوگندها!

در آیات فوق نخست به بادها و طوفانها سوگند یاد شده ، و این بخاطر نقش مهمی است که آنها در جهان آفرینش دارند: ابرها را به حرکت در می آورند، و سپس آنها را بر فراز زمینها خشک و مرده پیوند می دهند، و بعد از نزول باران آنها را متفرق می سازند.

بذرهای گیاهان را جابجا می کنند، و جنگلها و مرتعها به وجود می آورند.

بسیاری از گلها و میوه ها را بارور می سازند، و حرارت و برودت را از

مناطق مختلف زمین به نقاط دیگر می برند و هوا را تعدیل می کنند.

هوای زنده و پر اکسیژن را از مزارع و صحراها به شهرها می برند، و هوای آلوده را برای تصفیه به صحراها می فرستند.

آبهای دریا را متلاطم و مواج ، و برای موجودات زنده آبزی پر اکسیژن می کنند آری بادها و نسیمها خدمات عظیم و حیاتی در جهان دارند.

بخش دیگر این سوگندها که از برنامه نزول وحی به وسیله فرشتگان سخن می گوید نیز در عالم معنی شباهت با وزش نسیم در عالم ماده دارد، فرشتگان ، کلمات وحی را که همچون قطرات باران زنده کننده است بر قلوب پیامبران خدا نازل می کنند، و گلها و میوه های معارف الهی و تقوی را در قلبها می رویانند، و به این ترتیب خداوند هم به مربیان عالم ماده و هم مربیان عالم معنی سوگند یاد کرده است .

و جالب اینکه تمام این سوگندها برای بیان واقعیت روزی است

که تمام این تلاشها و کوششها به ثمر می نشیند روز قیامت و یوم الفصل . با اینهمه مظاهر قدرت باز در معاد شک دارید؟!

در این آیـات نیز از طرق مختلف به منکران رسـتاخیز هشـدار می دهـد، و بـا بیانـات گوناگون آنها را از خواب سـنگین غفلت بیدار می کند.

نخست دست آنها را گرفته و به گذشـته تاریخ می برد، و سـرزمینهای بلا دیده اقوام کفار پیشـین را به آنها نشان می دهد، می فرماید: ((آیا ما اقوام نخستین که راه کفر و انکار را پیش گرفتند هلاک نکردیم)) (الم نهلک الاولین).

آثار آنها نه تنها بر صفحات تاریخ که بر صفحه روی زمین نیز نمایان است ،

اقـوامی همچـون قـوم ((عـاد)) و ((ثمود)) و قوم ((نوح)) و قوم ((لوط)) و قوم ((فرعون)) که گروهی بـا طوفـان ، و جمعی با صاعقه ، و عده ای با تندباد، و قومی با زلزله و سنگهای آسمانی به کیفر اعمالشان مجازات و نابود شدند.

((سپس ما اقوام آخرین را که اعمال مشابهی دارند به دنبال آنها می فرستیم)) (ثم نتبعهم الاخرین).

چرا که این یک سـنت مسـتمر است و تبعیض و استثنا برنمی دارد، مگر ممکن است گروهی را به جرمی مجازات کند و همان جرم را برای دیگران بپسندد؟!

و لذا در آیه بعد می افزاید: ((اینگونه ما با گنهکاران رفتار می کنیم)) (کذلک نفعل بالمجرمین).

این آیه در حقیقت به منزله بیان دلیل بر هلاکت اقوام اولین و به دنبال آنها هلاکت اقوام آخرین است ، چرا که عـذابهای الهی نه جنبه انتقامجوئی دارد، و نه تصفیه حساب شخصی است ، بلکه تابع

اصل استحقاق و مقتضای حکمت است .

بعضـی گفته انـد: منظـور از ((اولین)) اقوامی هسـتند که در گذشـته دور بودنـد، ماننـد قوم نوح و عـاد و ثمود، و ((آخرین)) اقـوامی می باشـند که بعـد از آنهـا آمدنـد، ماننـد قـوم لـوط و قوم فرعون ، ولی بـا توجه به اینکه ((نتبعهم)) به صورت ((فعل مضارع)) آمـده در حالی که ((الم نهلک)) معنی ماضـی دارد روشن می شود که ((اولین)) تمام اقوام پیشـین را می گیرد که به عـذاب الهی هلاک شدند، و ((آخرین)) کفاری را شامل است که در عصـر پیامبر (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) بودند، یا بعد از آن پا به عرصه وجود می گذارند و آلوده جرم و گناه و ظلم و فساد می شوند.

و سرانجام نتیجه گیری کرده ، می افزاید: ((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)) (ویل یومئذ للمکذبین).

((یومئـذ)) در اینجـا اشـاره بـه روز رسـتاخیز است که مجـازات اصـلی و مهم آنهـا مربـوط به آن روز است ، و این تکـرار برای تاءکید مطلب است ، و اینکه بعضـی احتمال داده اند که این آیه ناظر به عذاب دنیا می باشد، و آیه مشابه آن که قبلا آمد ناظر به عذاب آخرت است بسیار بعید به نظر می رسد.

سپس دست آنهـا را گرفته ، و به عـالم جنین می برد، و عظمت و قـدرت خداونـد، و کـثرت مواهب او را در این جهـان اسـرار آمیز، به آنها نشان می دهد، تا از یکسو به قدرت خدا بر مساءله رستاخیز و معاد پی ببرند، و از سوی دیگر خود را

مدیون نعمتهای بیشمارش بدانند، و سر تعظیم بر آستانش فرود آورند.

می فرماید ((آیا ما شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم))؟! (الم نخلقکم من ماء مهین).

سپس ما آن را در قرار گاهی مناسب و محفوظ و آماده قرار دادیم (فجعلناه فی قرار مکین).

قرار گاهی که تمام شرائط حیات و پرورش و رشد و محافظت نطفه انسان در آن از هر نظر تاءمین شده ، و آنقدر عجیب و جالب و موزون است که هر انسانی را در شگفتی فرو می برد.

سپس می افزاید: ((قرار گرفتن نطفه در آن جایگاه محفوظ تا مدت معینی ادامه دارد)) (الی قدر معلوم).

مدتی که آن را هیچکس جز خدا نمی داند، مدتی مملو از تغییرات و دگرگونیها و تحولات بسیار که هر روز لباس تازه ای از حیات و زندگی بر نطفه پوشانیده می شود، و او را در مسیر تکامل در آن مخفیگاه پیش می برد.

سپس نتیجه گیری می کند ((ما قدرت بر این کار داشتیم که از نطفه بی ارزش و حقیر و ناچیزی چنان انسان شریف و کاملی بسازیم ، پس ما قادر و توانای خوبی هستیم)) (فقدرنا فنعم القادرون).

این همان دلیلی است که قرآن بارها برای اثبات مساءله معاد روی آن تکیه کرده است ، از جمله در آیات آغاز سوره حج می گوید: چگونه در بازگشت مردگان به حیات جدید تردید می کنید با اینکه قدرت او را در آفرینش این انسان از یک نطفه بی ارزش مشاهده می کنید که هر روزش معاد و رستاخیزی

است ؟! چه تفاوتی میان خاک و آن نطفه بی ارزش

است ؟

در پایان باز همان جمله را تکرار فرموده ، می گوید: ((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)) (ویل یومئذ للمکذبین).

وای بر آنها که اینهمه آثار قدرت او را می بینند و باز او را انکار می کنند.

امیر مؤ منان علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: ایها المخلوق السوی ، و المنشا المرعی فی ظلمات الارحام ، و مضاعفات الاستار، بدئت من سلاله من طین ، و وضعت فی قرار مکین ، الی قدر معلوم ، و اجل مقسوم ، تمور فی بطن امک جنینا، لا تحیر دعاء، و لا تسمع نداء، ثم اخرجت من مقرک الی دار لم تشهدها، و لم تعرف سبل منافعها، فمن هداک لاجترار الغذاء من ثدی امک ، و عرفک عند الحاجه مواضع طلبک و ارادتک ؟!

ای مخلوقی که با اندام متناسب و در محیطی محفوظ آفریده شده ای ! در ظلمات رحم و پرده های مضاعف ، آفرینش تو از عصاره گل آغاز شده ، و در قرارگاه محفوظی تا زمان معلوم و سرآمد معینی قرار داده شدی .

آن روز که چنین بودی و در رحم مادر حرکت داشتی نه قدرت پاسخگوئی در تو بود، و نه توانائی شنیدن صدای کسی .

سپس از این قرارگاه به سرائی آمدی که هرگز آن را مشاهده نکرده بودی ، و راه منافع آن را نمی شناختی .

بگو چه کسی در مکیدن شیر از پستان مادرت تو را هدایت کرد؟ و چه کسی راههای وصول به نیازهایت را به تو نشان داد؟

در بخش دیگری از این آیات به بیان قسمتی از آیات و نشانه های آفاقی خداوند

و نعمتهـا و مواهب او در جهان بزرگ می پردازد که هم دلیل بر قـدرت و رحمت واسـعه او است ، و هم دلیلی بر امکان معاد، در حالی که در آیات گذشته سخن از آیات انفسی و مواهب خداوند در آفرینش خود انسان بود.

می فرماید: ((آیا ما زمین را مرکز اجتماع انسانها قرار ندادیم))؟! (الم نجعل الارض کفاتا).

((هم در حال حیات و هم مرگشان)) (احیاء و امواتا).

((کفات)) (بر وزن کتاب) و ((کفت)) (بر وزن کشف) به معنی جمع کردن و ضـمیمه کردن چیزی به یکـدیگر است ، و به پرواز سـریع پرندگان نیز ((کفات)) گفته می شود، چرا که به هنگام پرواز سریع بالها را جمع می کند تا با سرعت بیشتری هوا را بشکافد و به پیش رود.

منظور این است که زمین قرارگاهی است برای همه انسانها، زندگان را روی خود جمع می کند، و تمام حوائج و نیازهایشان را در اختیارشـان می گـذارد، و مردگـان آنها را نیز در خود جای می دهـد، که اگر زمین آماده برای دفن مردگان نبود عفونت و بیماریهای ناشی از آن فاجعه ای برای همه زندگان به وجود می آورد.

آری زمین همچون مادری که فرزندان را دور خود جمع می کند و زیر

پر و بال خویش قرار می دهـد انسانها را روی خود جای می دهد، نوازش می کند، تغذیه می نماید، لباس می پوشاند، مسـکن می دهـد، و همه حوائجشان را تاءمین می نماید و مردگان آنها را نیز در دل خود نگاه می دارد، و جذب می کند، و آثار سوء آنها را از بین

می برد.

بعضی در اینجا ((کفات)) را به معنی پرواز سریع تفسیر کرده ، و آیه را اشاره به حرکت زمین به دور آفتاب و حرکات دیگر می دانند که در زمان نزول قرآن مسلما کشف نشده بود.

ولی با توجه به آیه بعد از آن یعنی ((احیاء و امواتا)) تفسیر اول مناسبتر به نظر می رسد.

به خصوص اینکه در روایتی آمده است که امیر مؤ منان علی (علیه السلام) هنگامی که از میدان صفین باز می گشت به نزدیک کوفه رسید، هنگامی که چشمان مبارکش به قبرستانی که بیرون دروازه کوفه بود افتاد فرمود: هذه کفات الاموات ای مساکنهم : ((این کفات مردگان است یعنی منزلگاههای آنها است)) و سپس نگاهی به خانه های کوفه کرده ، و فرمود: هذه کفات الاحیاء: ((این هم منازل زندگان است)) سپس آیات فوق را تلاوت فرمود: الم نجعل الارض کفاتا احیاء و امواتا.

اشاره به اینکه فاصله زیادی میان منازل زندگان و مردگان وجود ندارد.

سپس به یکی از نعمتهای بزرگ الهی در کره زمین اشاره کرده ، می افزاید: ((در آن کوههای ثابت و استوار و بلند قرار دادیم)) (و جعلنا فیها رواسی شامخات)

این کوهها که سر به آسمان کشیده ، و ریشه های آن به یکدیگر پیوسته است از یک سو همچون زرهی زمین را در بر گرفته ، و در برابر فشار داخلی و فشارهای ناشی از جزر و مد خارجی حفظ می کند، و از سوی دیگر جلو اصطکاک قشر هوا را با زمین می گیرد، و پنجه در هوا انداخته و آن را با خود به گردش در می آورد،

و از سوی سوم طوفانها و بادهای عظیم را کنترل می کند، و به این ترتیب از جهات مختلف به اهل زمین آرامش می بخشد.

و در ذیل همین آیه به یکی دیگر از برکات کوهها اشاره کرده می افزاید: ((و آبی گوارا به شما نوشاندیم)) (و اسقیناکم ماء فراتا).

آبی که هم برای شما گوارا و مایه حیات است ، و هم برای حیوانات شما و زراعتها و باغهایتان .

درست است که تمام آبهای گوارا از باران است ، ولی کوهها مهمترین نقش را در آن ایفا می کند بسیاری از چشمه ها و قناتها از کوهها می جوشد، و سرچشمه بسیاری از نهرها و شطهای عظیم از برفهای متراکمی است که بر قله های کوهها می نشیند، و مهمترین ذخائر آبی انسانها را تشکیل می دهد.

قله کوهها به خاطر دوری از سطح زمین همیشه سرد است و می تواند ذخائر برف را سالیان دراز در خود جای دهد تا تدریجا در پرتو آفتاب آب شود و به صورت نهرها جریان یابد.

در پایان این قسمت باز می فرماید: ((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)) (ویل یومئذ للمکذبین).

همان کسانی که اینهمه آیات و نشانه های قدرت حق را با چشم خود می بینند، و اینهمه نعمتهای الهی را که در آن غرقند مشاهده می کنند باز هم رستاخیز و دادگاه قیامت را که مظهر عدل و حکمت او است انکار می نمایند. نه قدرت بر دفاع دارند نه راهی برای فرار!

در این آیات سرنوشت نهائی تکذیب کنندگان قیامت ، و منکران آن دادگاه عدل الهی بیان شده است ، بیانی که به راستی

انسان را در وحشتی عمیق فرو می برد، و ابعاد فاجعه را روشن می سازد.

می فرماید: ((به آنها گفته می شود بیدرنگ رهسپار شوید به سوی همان چیزی که پیوسته آن را انکار می کردید))! (انطلقوا الی ما کنتم به تکذبون).

رهسپار شوید به سوی جهنم سوزان که همیشه آن را به باد استهزا می گرفتید.

حرکت کنید به سوی انواع عذابها که با اعمالتان آن را از پیش فراهم ساخته اید.

((انطلقوا)) از ماده ((انطلاق)) به معنی حرکت کردن بدون توقف است ، و یک نوع آزادی از قید و بند نیز در آن نهفته شده ، و این در حقیقت توضیحی است برای وضع آنها در عرصه محشر که آنها را مدتی طولانی برای حساب نگه می دارند، سپس آنها را رها ساخته ، می گویند بدون توقف به سوی دوزخ حرکت کنید.

گوینده این سخن ممکن است خداوند متعال باشد که مستقیما به آنها خطاب می کند، و یا فرشتگان عذاب ، و به هر حال لحنی است آمیخته با سرزنشی عمیق که خود عذابی است دردناک و جانکاه .

سپس به توضیح بیشتری درباره این عذاب پرداخته می گوید: ((رهسپار شوید به سوی سایه ای از دودهای خفه کننده آتش که دارای سه شعبه است))! (انطلقوا الی ظل ذی ثلاث شعب).

شاخه ای از بالاسر، و شاخه ای از طرف راست ، و شاخه ای از طرف چپ ، و به این ترتیب از هر طرف این دود غلیظ مرگبار آنها را احاطه می کند، و در کام خود فرو می برد.

((اما سایه ای که آرام بخش نیست و هرگز دوزخیان را از

شعله های آتش جلوگیری نمی کند)) (لا ظلیل و لا یغنی من اللهب).

چه اینکه خود بر خاسته از آتش است .

ممکن است تعبیر به ((ظـل)) (سـایه) این تصور را ایجـاد کنـد که در آنجـا سایه ای وجود دارد که از سوزنـدگی شـعله های آتش ، کمی می کاهـد، ولی این آیه بر این پنـدار غلـط خـط بطلان می کشـد، و می گویـد: این سایه هرگز سایه ای که شـما تصور می کنید نیست ، سایه ای است سوزان و خفقان آور، و بر خاسته از دودهای غلیظ آتش که می تواند گرمای شعله ها را کاملا منعکس کند. <۱۸>

شاهد این سـخن آیات سوره واقعه است که درباره ((اصحاب الشمال)) می فرماید: فی سموم و حمیم و ظل من یحموم لا بارد و لاـ کریم : ((آنهـا در میـان بادهـای کشـنده و آب سوزان قرار دارنـد، و در سـایه دودهـای متراکم و آتش زا، سایه ای که نه خنک می باشد، و نه مفید و آرام بخش)) (سوره واقعه ۴۱ - ۴۴).

بعضـی گفته انـد این شـعبه هـای سه گـانه بازتـابی است از تکـذیبهای سه گانه آنها نسبت به اساس دین ، یعنی ((توحیـد)) و ((نبوت)) و ((معاد)) زیرا تکذیب معاد از تکذیب نبوت و توحید جدا نیست .

و بعضـی گفته انـد اشاره ای است به مبداءهای سه گانه گناه ((قوه غضبیه)) و ((شـهویه)) و ((وهمیه)) آری آن دود تاریک تجسمی است از تاریکیهای شهوات :

زتاریکی خشم و شهوت حذر کن

که از دود آن چشم دل تیره گردد!

غضب چون در آید رود عقل بیرون

هوی

چون شود چیره جان خیره گردد!

سپس در توصیف دیگری از آن آتش سوزان می افزاید: ((جرقه هائی از خود بیرون می دهد مانند یک کاخ عظیم))! (انها ترمی بشرر کالقصر). <۱۹>

نه همچون جرقه های آتش این دنیا که گاه به اندازه سر سوزنی بیش نیست تعبیر به ((قصر)) (کاخ) در اینجا تعبیر پر معنائی است ، شاید تصور شود مناسبتر این بود که گفته شود جرقه هائی همچون کوه ، ولی نباید فراموش کرد کوهها همان گونه که در آیات قبل اشاره شد منبع انواع برکات است و سرچشمه های آب فرات و گوارا، این قصرها و کاخهای ستمکاران هستند که منشاء شعله های سوزان و آتشهای شرر بارند. <۲۰>

در آیه بعد به توصیف دیگری از شراره ها و جرقه های این آتش سوزان پرداخته ، می فرماید: ((آنها همچون شترهای زرد رنگی هستند)) (کانه جمالت صفر). <۲۱>

((جماله)) جمع ((جمل)) به معنی ((شتر)) است (مانند حجر و حجاره) و ((صفر)) (بر وزن قفل) جمع ((اصفر)) به معنی چیزی است که زرد رنگ باشد و گاه به رنگهای تیره و متمایل به سیاه نیز اطلاق شده ، ولی در اینجا مناسب همان معنی اول است زیرا جرقه های آتش زرد متمایل به سرخ است .

در آیه قبل این جرقه ها از نظر حجم به کاخ بزرگ تشبیه شده بود، و در این آیه از نظر کثرت و رنگ و سرعت حرکت و پراکنده شدن به هر سو به گروهی از شتران زرد رنگ تشبیه شده که به هر سو روانند.

جائی که جرقه ها این چنین

باشـد، پیـدا است که خود آن آتش سوزان چگونه است ؟ و در کنار آن چه عـذابهای دردناک دیگری قرار گرفته ؟ (خداوند همه ما را به رحمت و لطفش از آن حفظ کند).

بار دیگر در پایان این بخش از آیات همان هشدار را تکرار کرده ، می فرماید: ((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)) (ویل یومئذ للمکذبین).

سپس فصل دیگری از مشـخصات آن روز هولناک را شـروع کرده ، می افزایـد: ((امروز، روزی است که سـخن نمی گویند:)) (هذا یوم لا ینطقون). <۲۲>

آری خداونـد در آن روز بر دهان مجرمان و گناهکاران مهر سـکوت می زند همانگونه که در آیه ۶۵ سوره یس آمده است ، ((الیوم نختم علی افواههم)): امروز بر دهانشان مهر می نهیم و باز همانگونه که در ذیل همین آیه آمده است دست و پای آنها به سخن درمی آیند و حتی طبق آیات دیگر قرآن پوستهای آنان زبان باز می کنند و همه گفتنیها را می گویند.

سپس می افزاید: ((و به آنها اجازه داده نمی شود که عذر خواهی کنند)) (و لا یؤ ذن لهم فیعتذرون). <۲۳>

نه اجـازه سـخن گفتن دارنـد، و نه عـذر خواهی و دفـاع از خویشـتن ، چرا که همه حقایق در آنجا روشن است ، و چیزی برای گفتن ندارند، آری این زبان پشت هم انداز که در دنیا از آزادی خود سوء اسـتفاده کرده ، به تکذیب انبیاء، و استهزاء اولیاء، و باطل کردن حق ، و حق جلوه دادن باطل ، می پرداخت در آنجا باید به کیفر آن اعمال قفل شود، و از کار بیفتد

که این خود عذاب و شکنجه دردناکی است که در چنان صحنه ای انسان قدرت بر دفاع از خویش ، و یا عذرخواهی نداشته باشد.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که خداوند برتر و عادلتر و بزرگتر از آن است که بنده اش عذر موجهی داشته باشد و به او اجازه عذرخواهی ندهد، بلکه آنها در حقیقت هیچ عذر موجهی ندارند که مطرح کنند. <۲۴>

البته از بعضی از آیات قرآن استفاده می شود که در قیامت مجرمان گاهی سخن می گویند، این بخاطر آن است که همان گونه که قبلا هم اشاره کرده ایم - در قیامت مواقف زیادی است ، در بعضی از مواقف زبان از کار می افتد و نوبت به گواهی اعضاء می رسد، و در بعضی دیگر زبان گشوده می شود، و مطالبی را بازگو می کند که نشانه حسرت و اندوه شدید و سرگردانی و بدبختی آنها است .

باز در پایان این مقطع می گوید: ((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)) (ویل یومئذ للمکذبین).

در مقطع دیگر روی سخن را به مجرمان کرده ، به عنوان حکایت از صحنه آن روز، می گوید: ((امروز همان روز جدائی است که همه شما و پیشینیان را

در آن جمع کرده ایم)) (هذا یوم الفصل جمعناکم و الاولین).

امروز همه انسانها را بدون استثنا از اولین گرفته ، تا آخرین ، همه را برای حسابرسی و فصل خصومت در این عرصه و دادگاه بزرگ گرد آورده ایم .

((اکنون اگر شما در برابر من چاره ای برای فرار از چنگال مجازات دارید انجام دهید)) (فان کان لکم

کید فکیدون). <۲۵>

آیا می توانید از قلمرو حکومت من بگریزید؟

یا می توانید بر قدرت من غلبه کنید؟

یا توانائی دارید با پرداختن فدیه ای آزاد شوید؟

و یا قدرت دارید ماءموران حسابرسی را فریب دهید؟

هر کار از دست شما ساخته است انجام دهید، ولی بدانید کاری از شما ساخته نیست !

در حقیقت این امر به اصطلاح ((امر تعجیزی)) است که برای روشن ساختن عجز و ناتوانی طرف مقابل ذکر می شود مثل همان چیزی که در مورد قرآن مجید آمده است که می فرماید: ((اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم تردید دارید سوره ای مانند آن را بیاورید)).

((کید)) (بر وزن صید) به طوری که ((راغب)) در ((مفردات)) می گوید: نوعی چاره جوئی است که گاه نکوهیده و گاه قابل تمجید است ، هر چند استعمال

آن در موارد مذموم بیشتر است (همانگونه که در آیه مورد بحث نیز چنین است).

مسلما در آن روز کاری از دستشان ساخته نیست ، چرا که می دانیم آن روز روزی است که دست انسان از هر گونه اسباب و وسائل کوتاه می گردد، چنانکه در آیه ۱۶۶ سوره بقره آمده است : ((و تقطعت بهم الاسباب)).

قابل توجه اینکه از یکسو می فرماید: آن روز، یوم ((الفصل یعنی)) روز جدائیها است ، از سوی دیگر می فرماید آن روز ((یوم الجمع)) یعنی روز اجتماع است که هر کدام از این دو در یک مقطع انجام می شود، نخست همه را در آن دادگاه بزرگ جمع می کنند، و سپس بر حسب عقائد و اعمالشان در صفوف مختلفی از هم جدا می

شوند، حتی آنها که رهسپار بهشت می شوند صفوف گوناگون و درجات مختلفی دارند و راهیان دوزخ نیز صفوف متفاوت و درکاتی دارند.

آری آن روز روز جدائی حق از باطل ، و ظالم از مظلوم است .

و باز همان جمله تهدید آمیز و بیدار کننده را تکرار کرده ، می فرماید ((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)) (ویل یومئذ للمکذبین). اگر به قرآن ایمان نمی آورند به کدام سخن ایمان می آورند؟!

می دانیم برنامه قرآن آمیختن انذار به بشارت ، و تهدید به تشویق است ، و همچنین ذکر سرنوشت مؤ منان در برابر سرنوشت مجرمان تا با قرینه مقابله مسائل بهتر درک شود.

بر اساس همین سنت ، در آیات فوق به دنبال بیان مجازاتهای گوناگون مجرمان در قیامت ، اشاره پر معنی و کوتاهی درباره وضع پرهیزکاران در آن روز کرده ، می فرماید: ((افراد با تقوی در سایه های درختان و در میان چشمه ها قرار دارند)) (ان المتقین فی ظلال و عیون).

این در حالی است که مجرمان چنانکه از آیات قبل دانسته شد در سایه

شرر بار و سوزان دودهای خفه کننده اند.

((ظلال)) جمع ((ظل)) به معنی سایه است ، خواه سایه ای مانند سایه درختان در روز، و یا سایه ای که در تاریکی شب حاصل می شود، در حالی که ((فی ء)) به سایه ای گفته می شود که تنها در مقابل یک مبداء نورانی به وجود می آید همچون سایه درختان در مقابل آفتاب .

سپس می افزاید: ((آنها در میان انواع میوه ها از آنچه مایل باشند و می خواهند قرار دارند)) (و فواکه

مما یشتهون).

روشن است ذکر ((میوه هـا)) و ((سـایه هـا)) و ((چشـمه ها)) اشاره به گوشه ای از مواهب عظیم الهی بر آنها است ، گوشه ای که بـا زبـان اهـل دنیـا قابل بیان و ترسـیم است ، اما آنچه در بیان نمی گنجـد، و به فکر ساکنان دنیا خطور نمی کنـد، از آن به مراتب برتر و بالاتر است .

جالب اینکه آنها در این میهمان سـرای الهی به عالیترین وجهی پـذیرائی می شوند، همان گونه که در آیه بعد آمده که به آنها گفته می شود ((بخورید و بنوشید گوارا، اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید))! (کلوا و اشربوا هنیئا بما کنتم تعملون).

این جمله خواه مسـتقیما از سوی خداوند به عنوان خطاب به آنها باشد، یا وسـیله فرشتگان تواءم با لطف و محبتی است آشکار که غذائی است برای روح و جان آنها.

تعبیر ((بما کنتم تعملون)) (در مقابل اعمالی که انجام می دادیـد) اشاره به این است که این مواهب را بـدون حساب به کسـی نمی دهند، و با ادعا و خیال

و پندار به دست نمی آید، تنها به وسیله اعمال صالح فراهم می شود.

((هنی ء)) (بر وزن ملیح) به گفته ((راغب)) در ((مفردات)) هر چیزی است که مشـقتی به دنبال ندارد، و ناراحتی تولید نمی کند، و لذا به غذا و آب گوارا ((هنی ء)) گفته می شود، گاه به زندگی گوارا نیز اطلاق می گردد.

و این اشاره به آن است که میوه ها و غـذاها و نوشابه های بهشتی ، هماننـد آب و غـذای دنیا نیست که گاه آثار سوئی در بدن می گذارد

یا عوارض نامطلوبی به دنبال دارد.

در میان مفسران گفتگو است که این امر به خوردن و نوشیدن آیا برای بیان مباح بودن استفاده از این نعمتها است ، و یا واقعا امر و فرمان و دستور است ؟

ولی باید توجه داشت اینگونه اوامر که به هنگام پذیرائی گفته می شود نوعی طلب و خواست گوینده است که برای عظمت و احترام میهمان بیان می گردد، و میزبان دوست دارد غذایش را بیشتر بخورد تا اکرام بیشتری از او شده باشد.

در آیه بعد باز روی این مطلب تکیه می کند که این نعمتها بی حساب نیست ، می افزاید: ((مسلما ما این گونه ، نیکوکاران را جزا می دهیم)) (انا کذلک نجزی المحسنین).

جالب اینکه در آیه نخست روی مساءله ((تقوی)) تکیه شده ، و در آیه بعد از آن روی ((عمل)) و در این آیه روی ((احسان و نیکوکاری)).

((تقوی)) هرگونه پرهیز از گناه و فساد و شرک و کفر است و ((احسان)) انجام هر کار نیک ، و ((عمل)) نیز ناظر به اعمال صالح است ، تا روشن شود برنامه نعمتهای الهی تنها مربوط به این گروه است ، نه مدعیان دروغین ایمان ،

و آلودگان به انواع فساد، هر چند ظاهرا در سلک اهل ایمان در آیند.

و در پایان این مقطع باز تکرار می کند: ((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)) (ویل یومئذ للمکذبین).

وای بر آنها که از تمام این نعمتها و محبتها محروم می شوند، که حسرت این محرومیت آزارش کمتر از آتش سوزان دوزخ نیست ؟

و از آنجا که یکی از عوامل

انکار معاد پرداختن به لـذات زودگـذر دنیا، و تمایل به آزادی بیقیـد و شـرط برای بهره گیری از این لـذات است ، در آیه بعد روی سـخن را به مجرمان کرده با لحنی تهدیـد آمیز می فرمایـد: ((بخوریـد و بهره گیریـد در این چند روز کوتاه ، ولی بدانید عذاب الهی در انتظار شما است ، چرا که شما مجرم و گنهکارید)) (کلوا و تمتعوا قلیلا انکم مجرمون).

تعبیر به ((قلیلا)) می توانـد اشاره به مـدت کوتاه عمر انسان در دنیا باشـد، و هم ناچیز بودن مواهب این جهان در برابر نعمتهای بی حساب آخرت .

گرچه بعضـی از مفسران گفته اند که این خطاب را در آخرت به مجرمان می کنند، ولی با توجه به اینکه در آخرت هیچ گونه تمتع و بهره گیری برای مجرمـان از مواهب حیـات تصور نمی شود، بایـد قبول کرد که این سـخن خطـابی است به آنها در این دنیا.

در حقیقت ((متقین)) و پرهیزگـاران بـا نهایت احترام در آخرت پـذیرائی می شونـد، و با جمله پر از لطف کلوا و اشـربوا هنیئا مخاطب می گردند، ولی دنیا پرستان در این دنیا با جمله تهدید آمیز کلوا و تمتعوا قلیلا مخاطبند.

به پرهیزکاران می فرماید: بما کنتم تعملون (اینها در برابر اعمال صالحی

است که انجام می دادید).

و به اینها نیز می گوید: ((انکم مجرمون)): ((این تهدید به خاطر آن است که شما مجرمید)). <۲۶>

و به هر حـال نشـان می دهـد که سرچشـمه عـذاب الهی جرم و گناه انسان است که از بی ایمانی یا اسارت در چنگال شـهوات ناشی می شود.

سپس این تهدید را بار دیگر با جمله :

((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)) تکمیل می کند (ویل یومئذ للمکذبین).

همانها که به زرق و برق دنیا و لذات و شهوات آن مغرور و فریفته شدند، و عذاب الهی را برای خود خریدند.

در آیه بعد به یکی دیگر از عوامل انحراف و بدبختی و آلودگی آنها اشاره کرده ، می افزاید: ((چنان از باده غرور سرمستند که وقتی به آنان گفته شود در برابر پروردگار رکوع کنید رکوع نمی کنند)) (و اذا قیل لهم ارکعوا لا یرکعون)

بسیاری از مفسران گفته اند که این آیه درباره قبیله ((ثقیف)) نازل شد که پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به آنها فرمود: ((نماز بخوانید)) آنها گفتند: ما هرگز در برابر کسی خم نمی شویم ، و این برای ما عیب است ! پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) فرمود: لا خیر فی دین لیس فیه رکوع و لا سجود: ((دینی که در آن رکوع و سجود نباشد ارزشی ندارد))!. <۲۷>

آنها نه فقط از رکوع و سجود ابا داشتند بلکه این روح غرور و نخوت

در تمامی افکار و زندگیشان منعکس بود، نه در برابر خدا تسلیم بودند و نه در برابر دستورات پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم)، نه حقوق مردم را به رسمیت می شناختند و نه تواضعی در برابر خالق و فروتنی در برابر خلق داشتند در حقیقت این دو عامل (غرور و شهوت پرستی) از مهمترین عوامل جرم و گناه و کفر و ظلم و طغیان است .

بعضی احتمال داده اند که این خطاب ارکعوا (رکوع کنید) در

قیامت به آنها گفته می شود ولی این احتمال بعید به نظر می رسد، مخصوصا با در نظر گرفتن آیات قبل و بعد.

و بعد برای دهمین و آخرین بار در این سوره می فرماید: ((وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)) ((ویل یومئذ للمکذبین)).

و در آخرین آیه مورد بحث که آخرین آیه سوره ((مرسلات)) است با لحنی آمیخته از عتاب ، و مملو از سرزنش ، به صورت یک استفهام آمیخته با تعجب می فرماید: ((اگر به این قرآن که دلائل صدقش از تمام آیاتش نمایان است ، و حقانیتش در تمام تعبیراتش منعکس می باشد ایمان نیاورند، به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند))؟! (فبای حدیث بعده یؤ منون).

کسی که به قرآنی که اگر بر کوهها نازل می شد لرزان و خاشع می شدند و از هم می شکافتند ایمان نیاورد، در برابر هیچ کتاب آسمانی ، و هیچ منطق عقلانی تسلیم نخواهد شد، و این نشانه روح عناد و لجاج است .

همان گونه که در آغاز سوره اشاره کردیم ده بار جمله ((ویل یومئذ للمکذبین)) در آن تکرار شده ، و این برای تاءکید بر یک واقعیت مهم و تکان دهنده است ، و شبیه آن در سخنان فصحا و بلغا فراوان است که قسمتی را که عنایت و تاءکید مخصوصی روی آن دارند در شعر و نثر تکرار می کنند.

ولی بعضی از مفسران معتقدند که هر یک از این ده آیه اشاره به نکته جدیدی است که به تکذیب مطالب قبل از آن مربوط می شود بنابراین تکراری در بین نیست .

این سوره را با

جمله ای از تفسیر ((روح البیان)) خاتمه می دهیم ، او می گوید این سوره در غاری در نزدیکی مسجد ((خیف)) در سرزمین ((منی)) بر پیامبر نازل گردید، و من شخصا این غار را زیارت کرده ام .

خداوندا! ما را توفیقی مرحمت کن که هرگز آلوده تکذیب آیات تو نشویم .

پروردگارا! ما را از غرور و نخوت و هوا و هوس که سرچشمه های اصلی جرائمند محفوظ دار.

بارالها! در آن روزی که پرهیزگاران در جوار قرب تو با احترام تمام پذیرائی می شوند ما را در صف آنان قرار ده .

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در آستانه سوره دیگری قرار داریم. به جاست پیش از آغاز ترجمه و تفسیر آیات آن، به شناسنامه اش بنگریم:

۱ - نام این سوره نام این سوره «مرسلات» یا فرشتگانی است که پیاپی برای آوردن پیام خدا و وحی او به پیامبران فرود می آیند.

فروفرستنده قرآن در نخستین آیه این سوره به آنان سوگند نموده و نام این سوره را نیز از این آیه برگرفته اند.

۲ - فرودگاه آن از دیدگاه مفسران و محدثان این سوره در مکّه بر قلب پیامبر نور فرود آمده است. در این مورد همه دانشمندان اتفاق نظر دارند. افزون بر این آیات نیز نشانگر حال و هوای آغازین سال های بعثت پیامبر است.

۳ - شمار آیه ها و واژه ها و حروف آن این سوره دارای ۵۰ آیه است، و از ۱۱۸ واژه و ۸۱۶ حرف پدید آمده است. این سوره در سال دوم از بعثت در «منا» فرود آمده است.

۴ -

پاداش تلاوت آن از پیامبر گرامی آورده اند که فرمود:

من قرأ سوره «و المرسلات» کتب انّه لیس من المشرکین.(۲۰۰)

هر کس سوره «والمرسلات» را آگاهانه و خالصانه و برای عمل تلاوت کند، در مورد او نوشته می شود که: او از شرک گرایان و حق ناپذیران نیست.

و از امام صادق آورده اند که فرمود:

من قرأها عرف اللّه بینه و بین محمد(ص).(۲۰۱)

هر کس این سوره را تلاوت کند و خویشتن را با رهنمود آن بسازد با پیامبر خدا آشنا می گردد.

۵ - دورنمایی از مفاهیم آن آیات جان بخش و تکاندهنده این سوره پس از توجه دادن به یاد و نام خدا با سوگندهایی تفکرانگیز آغاز می گردد، آن گاه ضمن طرح بحث ها و مفاهیم متنوع، از آغاز تا انجام، سخن از رستاخیز و صحنه های هراس انگیز آن و دادگاه رستاخیز است، و بارها به تکذیب کنندگان رستاخیز هشدار می دهد.

مفاهیم و معارف این سوره به گونه ای تکاندهنده است که پیامبر گرامی فرمود:

شیّبتنی هود و الواقعه و المرسلات و عم یتسائلون.(۲۰۲)

سوره های هود، واقعه، مرسلات، و نبأ مرا پیر کرد.

در این سوره این مفاهیم متنوع و اندیشاننده به تابلو رفته است:

سوگندهای تفکربرانگیز،

قطعی بودن رستاخیز،

بخشی از رویدادهای سهمگین و هراس انگیز آن روز،

برخی از نشانه های فرارسیدن رستاخیز،

هشدار به انکارگران رستاخیز،

سرنوشت سیاه و عبرت انگیز مجرمان،

قدرت نمایی خدا در زمین و زمان،

عذاب انکارگران روز رستاخیز،

پرتوی از مهر خدا به شایسته کرداران،

و نکات ظریف و لطیف و سازنده ای که خواهد آمد.

۱ - سوگند به آن فرستاده شدگان پیاپی،

۲ - و آن شتابندگان [به سوی انجام فرمان خدا] که سخت توفنده اند،

۳ - و

سوگند به آن نشردهندگان نشردهنده [پیام خدا]،

۴ - که [میان حق و باطل جدایی می افکنند،

۵ - و آن القاکنندگان وحی [و پیام خدا بر پیامبران ،

۶ - برای [پیشگیری از] بهانه جویی [حق ناپذیران و] یا هشدار به آنان.

۷ - [آری، به همه این ها سوگند] که آنچه وعده داده می شوید رخ خواهد داد.

۸ - پس آن گاه که ستارگان محو شوند،

۹ - و آن گاه که آسمان بشکافد،

۱۰ - و آن گاه که کوه ها از جا کنده شوند [و فرو پاشند]

۱۱ و آن گاه که به پیامبران وقت داده شود [تا گواهی دهند]

۱۲ - این [رویدادها] برای چه روزی به تأخیر افکنده شده است؟!

۱۳ - برای روز جدایی [و داوری .

۱۴ - و تو چه می دانی که روز جدایی [و داوری چیست؟

۱۵ - در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

تفسیر

به همه این پدیده ها سوگند که رستاخیز رخ خواهد گشود

در آغازین آیات این سوره مبارکه با چندین سوگند اندیشاننده رو به رو می گردیم.

نخست با این سوگند که می فرماید:

وَ الْمُرْسَلاتِ عُرْفاً

سوگند به آن فرستاده شدگانی که پیاپی فرستاده می شوند.

آنچه آمد ترجمه و دریافتی از آیه است و در تفسیر آن دیدگاه ها متفاوت است:

۱ – به باور گروهی نظیر «ابن عباس»، «مجاهد»، «قتاده» و... منظور این است که: سوگند به بادهای توفنده ای که آنها را پیاپی بسان اسب های تیز تک فرستادیم.

با این بیان از دیدگاه این گروه واژه «عرفاً» حال است.

۲ –«ابن مسعود» و «ابوحمزه ثمالی» از علی(ع) آورده اند که: منظور از فرستاده شدگان در آیه،

فرشتگانی هستند که برای رساندن دعوت ها و هشدارهای خدا آمده اند.

با این بیان واژه (عرفاً) مفعول له می باشد.

۳ - و از دیدگاه پاره ای دیگر منظور از فرستاده شدگان پیامبران خدا هستند که برای رساندن پیام حق و امر به معروف و نهی از گناه گسیل شده اند.

آن گاه می فرماید:

فَالْعاصِفاتِ عَصْفاً

و آن شتابندگان و شتاب گیران به انجام فرمان خدا که سخت توفنده اند.

منظور از شتاب گیرندگان، تندبادهایند که به فرمان خدا وزیدن می گیرند. دو واژه «هبوب» و «عصوف» به معنی وزش تندباد آمده است.

سپس می افزاید:

وَ النَّاشِراتِ نَشْراً

و سوگند به آنها که می گسترانند و نشر می دهند.

منظور از این گسترانندگان، بادهایی هستند که ابرهای باران زا و باران خیز را می گسترانند و باعث بارش باران می گردند.

«ابوحمزه ثمالی» و «ابوصالح» برآنند که منظور فرشتگانی هستند که کتاب های آسمانی را از سوی خدا نشر می دهند و به پیام آورانش می رسانند.

پاره ای برآنند که: منظور باران هایی است که گل ها و گیاهان را می رویانند.

امّا پاره ای دیگر برآنند که منظور بادهای رحمت خداست که همه جا وزیدن می گیرند.

و از دیدگاه «جبایی» منظور بادهایی هستند که ابرها را در فضا می پراکنند.

و می افزاید:

فَالْفارِقاتِ فَرْقاً

و آنها که حق و باطل را از هم جدا می سازند.

از دیدگاه برخی از جمله «ابن عباس» منظور فرشتگانی هستند که با آوردن مقررات خدا حلال را از حرام و عدل را از بیداد و حق را از باطل جدا می کنند.

و از دیدگاه گروهی نظیر «حسن» ، «قتاده» و... منظور آیات روح پرور قرآن است که با فرود خود، حق را از باطل و هدایت را از گمراهی جدا می سازد.

در آیه بعد می افزاید:

فَالْمُلْقِياتِ ذِكْراً

و آنها که وحی و پیام خدا و آیات روشنگر او را به پیامبران القا می کنند و آنان آنها را به مردم می رسانند.

واژه «القاء» در فرهنگ عرب به معنی انداختن و افکندن چیزی است بر دیگری.

که این افکنده شدن و رساندن پیام خدا و آیات روشنگر او برای جلوگیری از بهانه جویی حق ناپذیران و هشدار به آنان است.

عُذْراً أَوْ نُذْراً

از دیدگاه «حسن» منظور از واژه «عذراً» دلیل و اتمام حجت از سوی خداست تا روشن سازد که کیفر و عذاب او بر اساس حکمت و عدالت است، و «نذراً» عبارت از هشداردادن و آگاهانیدن این واقعیت که گناه و نافرمانی خدا کیفری سخت از پی دارد؛ از این رو گناهکاران و ظالمان باید هشدار پذیرند و به خود آیند.

در مورد این سوگندها میان مفسران بحث و گفتگوست:

از دیدگاه برخی این سوگندها از سوی خداست و ذات پاک او سوگند یاد می کند. اما از دیدگاه «جبایی» خدای فرزانه در این آیات به پروردگار این پدیده ها سوگند یاد می کند، چرا که سوگند جز به نام خدا روا نیست.

و برخی نیز برآنند که خدای فرزانه به منظور توجه دادن به اهمیت و نقش این پدیده ها به آنها سوگند یاد می کند.

در هفتمین آیه مورد بحث در پاسخ این سوگندها می فرماید:

إِنَّما تُوعَدُونَ لَواقِعٌ آری، به همه این ها سوگند که آنچه در مورد فرا رسیدن رستاخیز و زنده شدن مردگان و پاداش و کیفر عملکردها و بهشت و دوزخ وعده داده می شوید رخ خواهد داد، و همه شما انسان ها به ره آورد اندیشه های مترقی و تاریک

و عملکرد عادلانه و بیدادگرانه خود خواهید رسید.

واژه «واقع» به معنی پدیـده جدیـدی است که رخ می گشایـد و پدیدار می گردد؛ بسان دیواری که میان کوچه و خانه احداث می گردد. تفاوت این واژه با واژه «کائن» در این است که در آنجا حـدوث و پدیدآمـدنِ پدیده ای جدید در کار است، اما در این جا می شود پدیده ای تازه باشد و یا قدیم و ثابت، که پیشتر پدید آمده است.

نشانه های فرا رسیدن رستاخیز

در ادامه آیات در اشاره به نشانه های فرارسیدن آن رخداد بزرگ و پرجاذبه می فرماید:

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ این روز تکاندهنـده و وعـده داده شـده، روزی رخ خواهد گشود که سـتارگان محو و تیره و تار گردند، و نور آنها تمام شود.

و آن گاه که آسمانها از هم شکافته شوند و شکاف ها نمایان گردد.

وَ إِذَا السَّماءُ فُرِجَتْ

و آن گاه که کوه ها از جای کنده شوند و از هم فرو پاشند.

وَ إِذَا الْجِبالُ نُسِفَتْ به باور پاره ای منظور این است که: و آن گاه که کوه ها با سرعت سرسام آوری به حرکت درآیند و اثری از آنها برجای نماند.

در آیه بعد در اشاره ای روشنگر به رخدادهای روز رستاخیز می فرماید:

وَ إِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ و آن گاه که به پیامبران خـدا، برای حضور در روز رسـتاخیز و گواهی در مورد عملکرد امت ها و جامعه ها وقت داده شود.

و می افزاید:

لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ این رویداد سهمگین برای چه روزی به تأخیر افکنده شده است؟

از دیدگاه گروهی از جمله «ابن زید» ، «ابراهیم» و «مجاهد» منظور این است که: این حضور پیامبران در

دادگاه رستاخیز و وقت مقرر برای گواهی دادن آنان، که همه را شگفت زده می سازد، برای چه روزی به تأخیر افتاده است و کی خواهد بود؟

و از دیدگاه برخی منظور شناخت روز حساب و روز پاداش و کیفر است، چرا که در دنیا هیچ کس از هنگامه آن رخداد آگاهی نداشت.

پاره ای نیز برآنند که منظور آگاهی انسان ها از ثمره عملکرد خویش در زندگی دنیاست که آن روز آگاه می شوند.

از امام صادق آورده اند که: منظور برانگیخته شدن پیامبران در فرصت های مختلف است.

در سیزدهمین آیه مورد بحث می فرماید:

لِيَوْمِ الْفَصْلِ برای روز جدایی،

روز جدایی حق از باطل و بیداد، شایستگان از پلیدان و روزی که خدای دادگر میان بندگان داوری خواهد کرد.

آن گاه در اشاره به اهمیت آن روز سهمگین می فرماید:

وَ ما أَدْراكَ ما يَوْمُ الْفَصْلِ و تو چه می دانی که روز جدایی و روز داوری خدا در میان بندگان چیست؟

و می افزاید:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ در آن روز وای بر دروغ شمرندگان و انکارگران.

در این آیه هشداری است به دروغ شمرندگان و تکذیب کنندگان روز رستاخیز.

قرآن در این آیه این هشدار را به انکارگران روز رستاخیز و روز پاداش و کیفر متوّجه می کند، چرا که اگر فرد و جامعه و حکومتی روز رستاخیز را به راستی باور نداشت و آن را به گونه ای انکار کرد، به هر گناهی و بیدادی دست می یازد و به ثمره کارش نمی اندیشد. این نکته اگر چه در آیه نیامده، امّا از شواهد و سیاق آیات دریافت می گردد و این آیه نیز بسان آن است که می فرماید:

انّما توعدون لواقع.(۲۰۳)

آن

گاه که ستارگان تیره و تار گردند، و آن گاه که آسمان شکافته شود، و آن گاه که کوه ها از جا کنده شوند و فرو پاشند، و آن گاه که پیامبران در روز رستاخیز گرد آیند و برای گواهی آماده شوند، آری، آن روز و آن گاه است که آنچه از فرارسیدن رستاخیز، حسابرسی و بازخواست، پاداش و کیفر و بهشت و دوزخ وعده داده می شوید رخ خواهد داد. ۱۶ - آیا پیشینیان را [به کیفر بیدادشان نابود نساختیم؟

۱۷ - آن گاه پسینیان را از پی آنان در آوردیم.

۱۸ - ما با جنایتکاران [به کیفر بیدادشان چنین می کنیم.

۱۹ - در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

۲۰ - آیا شما را از آبی بی مقدار نیافریدیم؟

۲۱ - آن گاه آن را در جایگاهی استوار قرار دادیم،

۲۲ - تا مدتی معلوم [و حساب شده .

۲۳ - و [ما بر همه این کارها] توانا هستیم، و چه نیک تواناییم.

۲۴ - در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

۲۵ - آیا قرار ندادیم زمین را در برگیرنده...

۲۶ - زندگان و مردگان؟!

۲۷ - و در آن، کوه هایی بلند قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشانیدیم.

۲۸ - در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

نگرشی بر واژه ها

قرار: به محل استقرار و مکانی گفته می شود که امکان توقف و ماندن در آنجا زیاد است.

قدر: این واژه مصدر و به معنی اندازه گرفتن و تقدیر کردن آمده است و منظور از آن مقدار معلوم و اندازه مشخصی است که کم و زیاد ندارد.

کفات: این واژه مصدر است که به مفهوم

اسم فاعل آمـده و به معنی دربرگیرنـده است. واژه «کفت» بسان «وصف» نیز مصدر است و به مفهوم گردآوردن و دربرگرفتن پدیده ها آمده است. واژه «اکتفوا» در روایات «اکفتوا صبیانکم» از همین باب است و می فرماید: فرزندانتان را با مهر و صفا در برگیرید و به سینه چسبانید...

رواسی: جمع «راسیه» به معنی ثابت و ثابت ها آمده است.

شامخات: جمع «شامخ» به مفهوم بلند. به همین دلیل به کسی که خود را گرفت و با خودخواهی و کبر بزرگ شمرد، گفته می شود: «شمخ بانفه».

ماء فرات: آب گوارا. و به رودخانه بزرگ «فرات» نیز به دلیل گوارایی آب آن این عنوان را داده اند.

«ابن عبـاس» آورده است که: سرچشـمه آب هـای گوارا و شـیرین دنیـا در چهار جاست، که عبارتنـد از: جیحون در سـمرقند و بخارا، دجله در عراق، سیحون در بلخ، فرات در کوفه، و نیل در مصر.

تفسیر

هشدار به انکارگران رستاخیز

در این آیات قرآن شـریف با توجه دادن به سرنوشت شوم اصلاح ستیزان و بیدادگران پیشین که رستاخیز را انکار می کردند و بر این پندار پای می فشردند که هیچ گاه محاسبه و بازخواست نخواهند شد، می فرماید:

أَ لَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ آیـا نه این است که کفرگرایان و ظالمان پیشـین را به کیفر حق ناپـذیریشان نابود ساختیم؟ منظور از جامعه های هلاك شده پیشـین جامعه نوح وعاد و ثمود است که به کیفر بیداد و انکار وحی و رسالت و روز رسـتاخیز و حسابرسی و پاداش و کیفر گرفتار عذاب شدند و از صفحه روزگار زدوده شدند.

آن گاه می افزاید:

ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْ آخِرِينَ سپس دیگر جامعه ها و ملت ها، نظیر قوم لوط و جامعه ابراهیم

را، که همان شیوه زشت و ظالمانه آنها را گام سپردند، به سرنوشت آنان دچار ساخته و از پی آنها می فرستیم.

گفتنی است که این آیه را به آیه پیش پیوند نمی زند، بلکه به گونه ای مستقل آغاز می کند تا مطلب جدیدی را طرح کند.

«مبرّد» در این مورد می گوید: تقدیر آیه این گونه است: «ثم نحن نتبعهم الاخرین». و این سبک و این شیوه را نمی توان به آیه پیش عطف کرد، چرا که در آیه پیش مفهوم گذشته دارد، اما این آیه از آینده خبر می دهد.

سخن «حسن بصری» نیز تأییدگر این مطلب است که می گوید: آخرین امت ها آنهایی هستند که با برپایی رستاخیز رو به رو می گردند.

سپس می فرماید:

كَذلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ما با گناهكاران و ظالمان این گونه رفتار می کنیم.

گرچه آیه شریفه بیانگر یک شیوه و سنت پایدار و جهانشمول و حاکم بر روند جامعه و تاریخ است، اما پیش از هر جامعه ای هشدار به استبداد و شرک حاکم بر مکّه است، که در برابر دعوت توحیدی و انسانی و عادلانه پیامبر بر اصلاح ستیزی و حق ناپذیری پای می فشرد.

آری، هشداری است سخت به آنان که بسان جامعه های بیدادپیشه پیشین نابود خواهند شد، و تاریخ نشانگر آن است که سردمداران ستم در پیکار «بدر» و دیگر میدان ها کشته و از صفحه روزگار زدوده شدند و اتحاد شوم آنان فرو پاشید.

لازم به یادآوری است که کیفر خدا و نابودی ظالمان هماره به صورت کشته شدن نیست، بلکه گاه به صورت کشته شدن است و گاه به صورت افول و غروب شخصیت و اقتدار کاذب آنها از دل ها، و گاه به گمنامی و زندگی مخفیانه

گزیدن، و زمانی نیز به مرگ ذلت بار و یا مسخ شدن و به صورت سنگ و گل درآمدن خواهد بود.

پس از این چند آیه هشدار می دهد که:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ وای بر تکذیب کنندگان روز رستاخیز که در سرای آخرت سخت دچار عذاب و شکنجه خواهند شد.

آیا ما نمی توانیم رستاخیز را پدید آوریم؟

در ادامه آیات، قرآن انسان را به آفرینش خویش و نظام شگرفی که در آن به کار رفته است توجّه می دهد، تا روشنگری کند که پدیدآوردن رستاخیز برای آن آفریدگار توانا و آن تدبیرگر دانا آسان است.

در این مورد می پرسد:

أَ لَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ آیا نه این است که ما شما را از آبی پست و بی مقدار آفریدیم؟

راستی که در آفرینش انسان با این ابزارهای شگفت انگیز شناخت، نعمت گرانبهای خرد و قدرت اندیشیدن و اندیشاندن، توان مقایسه و انتخاب و قدرت بیان و سخن و نوشتار، آن هم از ذره ای آب بی مقدار شگفتی هایی وصف ناپذیر است، و روشن ترین دلیل ها و برهان ها جلوه گر است که پدیدآورنده این موجود بهت آور، آن هم از نطفه ای بی ارزش آفریدگاری است بی همتا، و تدبیرگری است یکتا وتوانا و بی همانند. کسی که این واقعیت را نپذیرد، چنان است که گویی با خرد و اندیشه و برهان های روشن به پیکار برخاسته و آن ها را انکار می کند.

در آیه بعد می افزاید:

فَجَعَلْناهُ فِي قَرارٍ مَكِينٍ آن گاه آن آب بی مقدار را در قرارگاهی استوار و مناسب قرار دادیم.

سپس می افزاید:

إِلى قَدَرٍ مَعْلُومٍ آن نطفه تا مدتی مقرر و زمانی معلوم که دوران بارداری است، و با اندازه گیری و حساب

در آن قرارگاه استوار خواهد بود و مرحله به مرحله به سوی کمال مقرر و آفرینش کامل و تعیین جنسیت و یا دختر و پسربودن پیش می رود.

در آیه بعد در اشاره به قدرت بی کران آفریدگار توانا می فرماید:

فَقَدَرْنا فَنِعْمَ الْقادِرُونَ پس ما آفرینش آن کودک را از آن آب بی مقدار، در آن قرارگاه استوار اندازه گیری نمودیم و ما مقرر داشتیم که او از نظر ریز و درشت بودن، یا جنسیت و دیگر مشخصات چگونه باشد، و راستی که ما چه نیکو اندازه گیرنده ایم، و نیک تقدیرها را رقم می زنیم.

ممکن است منظور آیه این باشد که: ما هستیم که بر این آفرینش شگفت آور توانائیم که از نطفه ای بی مقدار و ناچیز انسانی به این عظمت و کرامت پدید آوریم! و راستی که چه نیکو توانا هستیم، چرا که ما کاری را انجام می دهیم و تدبیری رابه سامان می بریم که از هیچ کسی دیگر ساخته نیست.

و بار دیگر می فرماید:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

آری، با این که ما همه پدیده ها، از آن جمله انسان را آفریدیم و برای روز رستاخیز دگرباره همه را زنده می سازیم و گرد می آوریم، در آن روز وای بر آن کسانی که قدرت و حکمت و هدفداری ما را نفی و رستاخیز را انکار کردند.

در این مرحله از آیات، قرآن انسان را به دیگر نشانه های قدرت خدا در کران تا کران آفرینش توجه می دهد و می فرماید:

أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً

آیا نه این است که ما زمین را در برگیرنده و قرارگاه و نگاهدارنده انسان ها قرار دادیم.

و چنان تدبیر نمودیم

که زندگان بر روی زمین زندگی کنند و خانه ها و مراکز گوناگون تجاری و اداری و... خود را بر پشت آن بسازند و مردگان نیز در شکم زمین مدفون گردند.

أَحْیاءً وَ أَمْواتاً

به باور «شعبی» منظور این است که: و مردگان را در دل خویش نگاه دارد و جذب کند.

«بنان» آورده است که: به همراه «شعبی» برای تشییع جنازه ای رفته بودیم که او نگاهی به جانب جنازه و گورستان کرد و گفت : این است در برگیرنده مردگان. آن گاه نظری به خانه ها نمود و گفت: و این است در برگیرنده زندگان.(۲۰۴)

به باور پاره ای واژه «کفات» به معنی ظرف آمده است.

در مورد «احیاءً و امواتاً» نیز پاره ای برآنند که منظور این است که: پاره ای از این زمین ها حاصلخیز و بارور است و گل و گیاه و دانه و میوه در خود می رویاند و زنده می سازد، و پاره ای شوره زار هستند و مرده و چیزی را نمی رویانند. با این بیان این دو واژه حال هستند و به این دلیل منصوب می باشند و از نظر دیدگاه نخست «مفعول به» می باشند.

در آیه بعد می فرماید:

وَ جَعَلْنا فِیها رَواسِیَ شامِخاتٍ و در زمین کوه های استوار و سر به آسمان کشیده قرار دادیم.

وَ أَسْقَیْناکُمْ ماءً فُراتاً

و به شما آبی گوارا نوشانیدیم.

و بار دیگر هشدار می دهد که:

وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ در آن روز وای بر انکارگران و دروغ شمارندگان روز رستاخیز.(۲۰۵)

گفتنی است این آیه گرچه به ظاهر تکرار است، اما بسان سوره رحمن تکراری نیست، چرا که هر بار با طرح نکات جدید و بر شمردن نعمتی تازه از نعمت ها و مواهب

بی شمار خدا به انسان هشدار می دهد، به همین جهت تکراری نیست و تازه است.

پرتوی از آیات در آیات روح پرور و اندیشاننده ای که از نظر گذراندیم سه نکته دیگر را باید به خاطر سپرد و اندیشید:

۱ - سنت خدا در نابودی بیدادگران از این آیات و آیات و روایات بسیاری دریافت می گردد که ستم و بیداد، تنها ثمره شوم و ویرانگرش در سرای آخرت دامانگیر انسان نمی گردد و او را به آتش شعله ور دوزخ و عذاب مرگبار نمی افکند، بلکه اثر طبیعی آن در این جهان نیز گریبان زورمداران و رژیم ها و حاکمان بیدادپیشه و پایمال کننده حقوق بشر را می گیرد، و آنان افزون بر رسوایی در افکار ملی و فراملی و محکومیت جهانی و محکومیت در دادگاه وجدان و تاریخ، سرانجام به کیفر ظلم و بیدادشان نابود خواهند شد. این سنت و شیوه هماره و جهان شمول خداست، و قانون حاکم بر جامعه و تاریخ است و تخلّفی در آن راه ندارد، چرا که او دشمن ستمکاران و مدافع ستمدیده گان آزادی خواه است و ندای آنان را می شنود.

فانّ اللّه سمیع دعوه المضطهدین و هو للظالمین بالمرصاد.(۲۰۶)

۲ - شاهکار خدا در آفرینش انسان در این آیات قرآن به سبک جالبی شاهکار خدا و قدرت نمایی او در آفرینش انسان را به تابلو می برد و روشنگری می کند که او چگونه در پرتو قدرت و علم و حکمت بی کران خود انسان را از نطفه ای بی مقدار در شکم مادر طراحی می کند و با دنیایی از نظام و تدبیر او را می آفریند. آن گاه می پرسد آیا چنین آفریدگار و تدبیرگری نمی تواند رستاخیز را پدید آورد؟ راستی

چرا نتواند؟

و بدین سان با استدلال به قدرت بی کران خدا در آفرینش به معاد توجه می دهد.

۳ - زنجیره ای از نعمت های خدا به انسان و در شماری از آیات این بخش نیز به منظور انگیزش حس سپاس و خردمندی و خردورزی انسان، زنجیره ای از نعمت های گران او را به تابلو می برد، که هر کدام در خور نگارش کتابی جداگانه است؛ نعمت های ارزشمند و حساسی چون:

نعمت زمین برای زندگان و مردگان،

نعمت و نقش کوه های بلند در کنترل زمین،

نعمت زندگی بخش آب گوارا،(۲۰۷) ۲۹ - [به آنان گفته می شود] بروید به سوی چیزی که آن را دروغ می شمردید!

۳۰ - بروید به سوی سایه ای [از دود و دم که سه شاخه است.

۳۱ - [سایه ای که نه سایه دار است [و نه خنک و نه شعله آتش را دور می سازد.

۳۲ - بی گمان آن [آتش شعله ور دوزخ شراره هایی بسان کاخ [بلند]پرتاب می کند.

۳۳ - گویی آن [شراره ها] شترهایی زرد فام اند.

۳۴ - در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

۳۵ - این، روزی است که آنان دم نمی زنند.

۳۶ - و به آنان اجازه داده نمی شود تا پوزش بخواهند.

۳۷ - در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

۳۸ - این است روز جدایی، که شما و پیشینیان را [در آن گرد می آوریم.

۳۹ - پس اگر نیرنگی دارید، در برابر من دست به نیرنگ بزنید!

۴۰ - در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

تفسیر

کیفر انکارگران روز رستاخیز

در این آیات در اشاره به فرجام سیاه و فاجعه بار انکارگران رستاخیز و حق ناپذیران و ستمکاران می فرماید:

انْطَلِقُوا إِلی ما

کُنْتُمْ بِهِ تُکَذِّبُونَ در روز رستاخیز فرشتگان نگهبان آتش، به کفرگرایان و ظالمان می گویند: اینک به سوی آتش شعله وری که آن را دروغ می شمردید حرکت کنید.

واژه «انطلاق» به معنی جابه جاشدن و رفتن از جایی به جای دیگر بدون درنگ و به سرعت است. با این بیان منظور این است که در روز رستاخیز به آنان دستور می دهند که: بی درنگ به سوی دوزخ بروید.

آن گاه در اشاره به جایی که باید بروند می فرماید:

انْطَلِقُوا إِلی ظِلٍّ ذِی ثَلاثِ شُعَبٍ به سوی سایه ای از دود و دم مرگبار و خفه کننده ای حرکت کنید که آتش شعله ور آن سه شعبه و سه شاخه است.

ازدیدگاه «مجاهد» و «قتاده» این دود و آتش مرگبار، سه شاخه و سه شعبه دارد، که شاخه ای از سمت راست، شاخه ای از سمت چپ، و شاخه ای از بالای سر، کفرگرایان و ظالمان را فرا می گیرد.

در این آیه، قرآن شریف از دود سیاه و غلیظ به سایه تعبیر می کند؛ درست بسان این آیه که می فرماید:

احاط بهم سرادقها...(۲۰۸)

ما برای ستمکاران دود خفه کننده و آتشی آماده ساخته ایم که سراپرده هایش، آنان را در بر می گیرد.

به باور پاره ای در روز رستاخیز زبانه و شراره ای سهمگین از آتش دوزخ، هر یک از کفرگرایان و ظالمان را بسان سراپرده ای از هر سو فرامی گیرد. آن گاه به صورت سه شاخه و سه شعبه به همراه دودی غلیظ و مرگبار آنان را - تا مورد محاسبه قرار گیرند و حسابشان به پایان رسد - در محاصره نگاه می دارد.

سپس در وصف آن سایه یا دود سیاه و مرگبار می فرماید:

لا ظَلِیلٍ وَ لا

يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ آن سـایه مرگبـار و خفه کننـده، سایه ای است که نه خنک و آرامش بخش است، و نه شـعله ها و شـراره های آتش دوزخ را دور می سازد.

واژه «ظلیـل»از «ظلّه» ، بسـان «کنین» از «کن» به معنی سـایه بانی است که از اذیت و آزار جلوگیری می کنـد، اما در آیه منظور این است که: این دود سیاه و مرگبار مانع رسیدن شعله های آتش به کفرگرایان و بیدادپیشگان نمی گردد.

واژه «لهب» به معنی شعله و شراره آتش می باشد که به هنگام زبانه کشیدن آتش به صورت رنگ های سه گانه سرخ و زرد و سبز نمایـان می گردد. بـا این بیـان کفرگرایان در روز رسـتاخیز هنگامی که از این دود سـیاه و مرگبار سایه ای آرام بخش می خواهند، آن سایه پنداری شعله های سرکش آتش را از آنان دور نمی سازد.

و باز در وصف آن آتش مرگبار می افزاید:

إِنَّها تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ

آن آتش شـعله ور، جرقه ها و شـراره هایی به بزرگی یک کاخ بلند از دل خود می پراند و پرش و پرتاب آن از هر سو ترس و هراس بر دل کافران و ظالمان می باراند، که باید به خدا پناه برد.

واژه «قصر» مفرد «قصور» به معنی کاخ و کاخ هاست، و در شعر و نثر عرب شتر را گاه در بزرگی به قصر تشبیه کرده اند...

شاعر می گوید:

فوقفت فيها ناقتى و كانّها

فـدن لاـ قضـی حـاجه المتلوم پس شترم را در آنجـا نگاه داشـتم، تو گویی آن شتر کاخ و سالن انتظار برای برآوردن حاجت و خواسته نیازمند و منتظر است.

در این شعر واژه «فدن» به معنی کاخ آمده و شاعر شتر را به آن تشبیه کرده است.

از دیدگاه گروهی چون

«قتاده» ، «ضحاک» و «سعید بن جبیر» منظور این است که: آن آتش شعله ور، جرقه ها و شراره هایی همانند ریشه و تنه درختان بزرگ و سر به آسمان کشیده از دل خود می پراند.

و باز در وصف دیگری از جرقه ها و شراره های آتش شعله ور روز رستاخیز می افزاید:

كَأَنَّهُ جِمالَتٌ صُفْرٌ

تو گویی آن جرقه ها و شراره ها شترهایی زردرنگ و زردفام اند.

واژه «جماله» جمع «جمل» به معنی شتر می باشد، و «صفر» نیز جمع «اصفر» به معنی زردرنگ و زردفام، و گاه به معنی تیره رنگ آمده است.

به باور «حسن» و «قتاده» منظور این است که: گویا آن، رشته و طناب سیه فام است، چرا که تیرگی و سیاهی آن از زردی است. اما به باور «فرّاء» سیاه تر از شتر نمی بینی، مگر این که زردرنگ باشد و به همین دلیل هم عرب از شترهای سیاه به «صفراء» تعبیر می کند.

کوتاه سخن اینکه این جرقه ها و شراره های آتش از نظر شمار بسیار، رنگ و سرعت و حرکت و روان شدن سیل آسا به هر سو، به شتران زرد رنگ تشبیه می گردد.

و دگرباره می فرماید:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان از آتش شعله وری که وصف شد.

آن گاه در بیان دیگر ویژگی های آن روز سهمگین می فرماید:

هذا يَوْمُ لا يَنْطِقُونَ امروز، روزی است که کفرگرایان و ظالمان دم بر نمی آورند.

ویژگی دیگر آن روز این است که به گناهکاران اجازه داده نمی شود تا پوزش بخواهند.

وَ لا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ به باور برخی منظور این است که کفرگرایان و ظالمان آن روز سخنی ندارند و نخواهند گفت که به حال آنان سودبخش

افتد و به همین دلیل چنان است که گویی هرگز سخنی نمی گویند.

امّا به باور برخی دیگر منظور این است که آنان در پاره ای از مواقف رستاخیز مهر خاموشی بر دهان زده و سخنی نمی گویند، چرا که در روز رستاخیز انسان ها از مواقف گوناگونی عبور می کنند، که در پاره ای از آنها سخن می گویند و در پاره ای ساکت هستند.

«قتاده» آورده است که: مردی نزد، «عکرمه» آمد و گفت: دوست عزیز! آیا این آیه را دیده اید که می فرماید: «هذا یوم لا ینطقون» امروز روزی است که ظالمان و کفرگرایان دم بر نمی آورند و سخنی نمی گویند؟

او پاسخ داد: آری.

آن مرد پرسید این آیه را چطور، که می فرماید:

ثم انّکم یوم القیامه عند ربکم تختصمون.(۲۰۹)

سپس شما در روز رستاخیز در پیشگاه پروردگارتان مجادله خواهید کرد؟

«عکرمه» پاسخ داد: آری، این آیه را نیز دیده ام.

آن مرد گفت:از آن آیه چنین دریافت می گردد که آنان در روز رستاخیز اجازه سخن نخواهند داشت، اما در این آیه سخن از گفتگو و مجادله آنان در پیشگاه خداست، اینک راه حل چیست؟

«عکرمه» گفت: دوست من! در روز رستاخیز بر سر راه انسان ها موقف هایی است که در پاره ای از آنها به ظالمان و کفرگرایان اجازه سخن می دهند و در پاره ای دیگر اجازه دم برآوردن ندارند.

و بار دیگر هشدار می دهد که:

وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ در این روز وای بر تکذیب کنندگان روز رستاخیز از این خبر.

در ادامه آیات قرآن روی سخن را به گناهکاران و ظالمان می کند و می فرماید:

هذا یَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْناکُمْ وَ الْأَوَّلِینَ این است روز جدایی میان حق طلبان و پایمال کنندگان حقوق انسان ها یا

اهل بهشت و دوزخ که شما و پیشینیان را در آن گرد می آوریم.

به بـاور پـاره ای منظـور این است که:این است روز داوری میـان مردم و روز دادخواهی سـتمدیده از سـتمکار، چرا که در روز رستاخیز داوری و قضاوت به مفهوم واقعی آن خواهد بود،

و بر خلاف دنیا که اگر دسـتگاه قضایی و داوری دادخواه و بی طرف و عادلانه ای هم باشد، بر اساس ظاهر و دانش و آگاهی محدود داوری می کند، اما در روز رستاخیز داوری بر اساس ظاهر و باطن و آگاهی و دانش واقعی و همه جانبه خواهد بود.

به باور پاره ای دیگر منظور این است که: این است روز جـدایی میان خوبان و بـدان که ما تکـذیب کننـدگان رسـتاخیز از این امت را با تکذیب کنندگان جامعه های پیشین در آن گرد می آوریم.

و می افزاید:

فَإِنْ كانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ اینک اگر شـما فریبکاران در برابر تدبیر عادلانه و حکیمانه من فریب و نیرنگی برای فرار از عدالت من دارید به کار گیرید، و به هر نیرنگی می توانید دست زنید.

به بـاور پـاره ای این فراز و این سـخن، نکوهش خـدا از کفرگرایـان و ظالمـان، و نشانگر خشم خـدا بر سـرکوب آنان، و نشان دهنده نهایت حقارت و ناتوانی آنان در دفاع از خودشان می باشد، تا چه رسد که برای دیگران چاره اندیشـی کنند و عذاب و کیفر را از دیگران دور سازنـد. آری، این نکوهش به خاطر آن است که در دنیا کارهایی انجام می دادیـد که خدا را به خشـم آورد، و اینک از هر گونه چاره اندیشی برای نجات خود ناتوان هستید و وزر و وبال عملکرد خود را دیدید و بادی

را که کشت کردید اینک توفان درویدید.

و در آخرین آیه مورد بحث بار دیگر این هشدار است که:

وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ در این روز وای بر دروغ شمرندگان روز رستاخیز... ۴۱ - بی گمان پرواپیشگان در [زیر] سایه ها و [کنار] چشمه سارانند؛

۴۲ - و هر نوع میوه ای که بخواهند.

۴۳ - [به آنان ندا می رسد که:] به پاداش آنچه انجام می دادید، بخورید و بنوشید؛ گوارایتان باد!

۴۴ - بی تردید ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم.

۴۵ - در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

۴۶ - [هان ای کفرگرایان و ظالمان!] بخورید و [از زندگی دنیا]اندکی بهره ور شوید که شما گناهکارید.

۴۷ - در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

۴۸ - و هنگامی که به آنان گفته شود: رکوع کنید، رکوع نمی کنند.

۴۹ - در آن روز وای بر تکذیب کنندگان!

۵۰ - اینک، پس از این [قرآن ، به کدامین سخن [وکتاب ایمان می آورید؟!

تفسیر

پرتوی از مهر خدا به پاکان و شایستگان در آیات پیش، قرآن شریف در هشدار به ظالمان و کفرگرایان برخی از کیفرهای آنان در روز رستاخیز را ترسیم کرد، اینک در ترسیم پرتوی از پاداش خدا به پاکان و خوبان می فرماید:

إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی ظِلالٍ وَ عُیُونٍ بی گمان آن کسانی که از شرک و گناه دوری جسته و پروای خدا پیشه ساختند، در سایه های درختان پرطراوت و سایه گستر و در کنار چشمه سارها خواهند بود.

به باور پاره ای این چشمه سارها بدون جدول و شکاف است و آب صاف و زلال در برابر دیدگان مردم پرواپیشه و شایسته کردار از هر کجا که آنان

بخواهند، به صورت زیبایی جریان می یابد.

اما به باور پاره ای دیگر این چشمه سارها در میان درختان پرطراوت و پرمیوه در جریان است.

آن گاه می فرماید:

وَ فَواكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ و هر نوع میوه ای که بخواهند در دسترس آنان است.

سپس در اشاره به چگونگی بزرگداشت و پذیرایی از آنان می افزاید:

كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئاً بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ به آنان گفته می شود: به پاداش کارهای شایسته و رفتار عادلانه ای که در زندگی داشتید، اینک بخورید و بنوشید که گوارایتان باد.

از دیدگاه برخی دو واژه «کلوا» و «اشربوا»، در قالب امر هستند، اما نشانگر وجوب نیستند، بلکه دلالت بر اباحه دارند.

امّا به باور پاره ای منظور، امر حقیقی است و خدا به آنان دستور می دهد که از نعمت های وصف ناپذیر بهشت بخورند و بنوشند؛ چرا که وقتی آنان بدانند که بهره وری از آن نعمت ها و مواهب بر سرور و شادمانی آنان می افزاید، در می یابند که خواست خدا و فرمان او بر این کار نیز بیهوده نخواهد بود.

واژه «هنیئاً» به باور پاره ای به معنی سود و آسایش خالص از هر نوع رنج و درد و ناراحتی است، اما به باور پاره ای دیگر به معنی رنج و آزاری است که پس از آن هماره راحتی و خوشی است و دیگر رنجی نخواهد بود.

آیه بعد نشانگر سبک و شیوه هماره خدا در مورد نیکوکاران و شایستگان است که می فرماید:

إِنَّا كَذلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم.

گفتنی است که آیه مورد بحث در روز رستاخیز نخستین خبر شادی بخشی است که به مردم درست اندیش و پرواپیشه داده می شود.

آن

گاه به گناهکاران گفته می شود: در این روز سهمگین وای بر کسانی که چنین روزی را دروغ شمردند.

وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ

در ادامه آیات قرآن شریف روی سخن را به مردم گناهکار و بیدادپیشه نموده و در هشداری بیدارگر و غفلت زده می فرماید:

کُلُوا وَ تَمَتَّعُوا قَلِیلاً إِنَّکُمْ مُجْرِمُونَ در این چند روز زندگی زودگذر دنیا بخورید و از نعمت های خدا بهره ور گردید، اما بدانید که گرفتار عذاب خواهید شد، چرا که شما مردمی جنایت کارید و در خور کیفر.

و بار دیگر هشدار می دهد که:

وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان این هشدارها.

در آیه بعد در اشاره به یکی از دلایل گرفتاری آنان می فرماید:

وَ إِذا قِیلَ لَهُمُ ارْکَعُوا لا یَرْکَعُونَ آنان به گونه ای در زندگی دنیا مست زر و زور و فریب و غرور هستند که وقتی به آنان گفته می شود: خدا را بندگی کنید و به مقررات او احترام گزارید و نماز بخوانید، نمی خوانند.

«مقاتل» بر آن است که این آیه در مورد قبیله «ثقیف» فرود آمد، چرا که وقتی پیامبر به آنان دستور خواندن نماز داد، نپذیرفتند و گفتند این کار برای ما سبک است که خم شویم و سجده نماییم.

پیامبر گرامی نیز فرمود: «لا خیر فی دین لیس فیه رکوع و سجود»(۲۱۰) در آن دین باوری و دینداری که نماز و سجده نباشد، خیر و ره آوردی نیست.

امّا «ابن عبّاس» بر آن است که منظور آیه این است که در روز رستاخیز آنان را به سجده فرمان می دهند، امّا آنان در می مانند و نمی توانند سجده کنند.

و باز هشدار می دهد

که:

وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان و انکارگرانی که وجوب نماز را دروغ می شمارند.

در آخرین آیه مورد بحث که پایان بخش این سوره است می فرماید:

فَبِأَیِّ حَدِیثٍ بَعْدَهُ یُؤْمِنُونَ اگر کفرگرایان و حق ناپذیران به قرآن پرشکوه که سند صداقت محمد(ص) و معجزه ماندگار اوست ایمان نمی آورند، و این همه دلیل های روشن و روشنگر را نادیده می انگارند، پس دیگر به کدامین کتاب ایمان می آورند؟ و کدامین برنامه آسمانی را تصدیق خواهند کرد؟!

روشن است که وقتی فرد و گروهی به قرآن، با آن همه دلیل و برهان روشن بر آسمانی بودنش ایمان نیاورد، دیگر به کتاب و پیامبری ایمان نخواهد آورد و در گمراهی و حق ستیزی خواهد ماند.

بار خدایا! به شکوه و مهرت سوگند که از گناهان و لغزش های ما بگذر، و ما را از بندگان پرواپیشه و شایسته کردارت قرار ده، و در روز رستاخیز در زمره آنان برانگیز.

تفسیر اطیب البیان

سوره مرسلات ، غرض سوره :موعظه و تذکر بوسیله روز قیامت ، انذار و بشارت .

(۱) (و المرسلات عرفا):(قسم به رسولانی که بدنبال هم فرستاده شده اند)

(۲) (فالعاصفات عصفا):(قسم به فرشتگانی که به سرعت تند باد به انجام حکم حق می شتابند)

(۳) (و الناشرات نشرا):(و قسم به آنانکه نیکو نشر می دهند)

(۴) (فالفارقات فرقا):(و به آنانکه به نیکی جدا می کنند)

(۵) (فالملقیات ذکرا):(و قسم به آنانکه ذکر را بر انبیاء تلاوت و وحی می کنند)

(۶) (عذرا او نذرا):(تا عذر نیکان و تهدید کافران محقق شود)

(۷) (انما توعدون لواقع):(قسم به همه اینها که آنچه به شما وعده دادند، البته واقع خواهد شد)ظاهرادر همه این صفات پنج گانه (مرسلات)، (عاصفات

)، (ناشرات)، (فارقات)،(ملقیات)، ملائکه وحی منظورند، می فرماید: قسم به فرشتگان روانه شده درحالیکه پشت سر هم می آیند و یا قسم به فرشتگان روانه شده که به خاطر خیر و معروف فرستاده شده اند و قسم به ملائکه ای که مانند بادهای سریع به سرعت روانه انجام مأموریت خود می شوند و قسم به ملائکه ای که صحیفه های آسمانی را که وحی الهی برآن نوشته شده باز می کنند تا پیغمبران آن را تلقی کنند وقسم به آنانکه بین حق و باطل وحلال و حرام ، امتیاز و فرق می نهند و قسم به ملائکه ای که وحی را بر انبیاء القاء می کنندو آنها ذکر را تلاوت می کنند تا عذر و حجتی برای مؤمنان و تهدیدی برای کافران و یااتمام حجتی برای مکذبان و تهدیدی برای غیر ایشان باشد.و در انتها در جواب این سوگندها می فرماید: آن چیزی که خداوند شما را به آن وعده داده ، یعنی مسأله بعث و عقاب و ثواب خواه ناخواه واقع خواهد شد.

(۸) (فاذا النجوم طمست):(وقتی که ستارگان محو و بی نور شوند)

(۹) (و اذا السماء فرجت):(و آسمان شکافته گردد)

(۱۰) (و اذا الجبال نسفت):(و کوهها از ریشه کنده و نابود شوند)

(۱۱) (و اذا الرسل اقتت):(و در آن زمان که برای پیامبران تعیین وقت شود)

(۱۲) (لای یوم اجلت):(برای چه وقت معین می شود؟)

(۱۳) (لیوم الفصل):(برای روز قیامت که بین حق و باطل جدایی افتد)

(۱۴) (و ما ادریک ما یوم الفصل):(و تو چگونه می توانی عظمت آن روز جدایی را تصور کنی)

(۱۵) (ویل یومئذ للمکذبین

):(وای در آن روز بر تکـذیب کننـدگان)این آیـات بیانگر روز موعودی است که از آن خبر داده بود و حوادثی را که در آن روز واقع می شودو مسـتلزم انقراض عالم انسانی و انقطاع نظام دنیویست توضـیح می دهد.می فرماید: در آن زمان اثر ستارگان یعنی نور و سایر آثار آنها محو می شود و آسـمان پاره می گردد و می شکافد و کوهها از ریشه کنده شده و از بین می روند و آن روز زمـان حضور انبیاء برای شـهادت علیه امتها تعیین می شود، آنگاه می پرسـد این امور عظیم وترسـناک برای چه روزی تأخیر انـداخته شـده و در چه روزی صورت می گیرد؟و خود در پاسـخ می فرماید:برای روز فصل ، که روزی است که در آن خـدای تعالی بین خلائق فصل قضاء می کنـد و همان روز جزاست ، آنگاه در مقام تعظیم آنروزمی فرماید: تو چه می دانی که آن چه روز بزرگ و عظیمی است ، روزیست که تکذیب گران در آن هلاک می شوند، یعنی روز فصل زمانیست که تکذیب گران معاد وجزا در آن زمان هلاک می گردند.

(۱۶) (الم نهلک الاولین):(آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم ؟)

(۱۷) (ثم نتبعهم الاخرین):(پس بدنبال ایشان قومی دیگر را نیز هلاک می کنیم)

(۱۸) (کذلک نفعل بالمجرمین):(ما با مجرمان همینگونه رفتار می کنیم)

(۱۹) (ویل یومئذللمکذبین):(وای در آن روز به حال تکذیب کنندگان)با استفهامی انکاری می فرماید: آیا ما امتهای مکذب و گمراه گذشـته ، نظیر قوم عـاد وثمود و...را هلاـک نکردیم ؟ بنابراین پس از آنها امتهای دیگری را هم که مرتکب تکـذیب شوند

هلاـک می سازیم ، سپس در تعلیل مطلب می فرمایـد: ما با مجرمان این گونه رفتار می کنیم ، یعنی علت هلاکت آنها جرم و گنه کـاری ایشـان است .در ادامه بـا لحنی انـذاری می فرمایـد: وای بر مکـذبان در روز قیـامت و این کلام خودحجتی است بر یگانگی خدا در ربوبیت ، چون هلاک کردن انسانهای مجرم ، تصرفی درعالم انسانی وتدبیری برای آنست و چون غیر از خدا هلاک کننده ای نیست و خودمشرکین هم به این معنااعتراف می کنند،پس رب هم تنهااوست وغیراورب ومعبودی نیست .

(۲۰) (الم نخلقکم من ماء مهین):(آیا ما شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم ؟)

(۲۱) (فجعلناه فی قرار مکین):(و سپس آن را در قرارگاهی محکم قرار دادیم)

(۲۲) (الی قدر معلوم):(تا مدتی معین و معلوم)

(۲۳) (فقدرنا فنعم القادرون):(پس آن را اندازه گیری و تقدیر کردیم که چه نیکوقدرتمندی هستیم)

(۲۴) (ویل یؤمئـذ للمکذبین):(وای بر تکذیب کنندگان در آن روز)با اسـتفهامی انکاری خطاب به آدمیان می فرماید: ما شـما را از آبی ناچیز و پست ، که همان نطفه باشد، آفریده ایم و آن آب را در قرارگاهی محفوظ، که همان رحم مادران می باشد، جای دادیم و تا مـدتی معلوم ، یعنی همان مدت حمل ، در آنجا نگه داشتیم ،پس ما همه این حوادث و صـفات و احوال را که با هستی شـما در ارتباط هسـتند، تقـدیرکردیم و چه خوب مقـدری هستیم ، آنگاه فرمود: وای بر تکـذیب کنندگان روز فصـل وجزا در آن روز و این فراز نیز مانند گفتار سابق حجتی بر وحدانیت خدای متعال و نیزحجتی

بر تحقق روز جزاست .

(۲۵) (الم نجعل الارض کفاتا):(آیا زمین را محل اجتماع بشر قرار ندادیم ؟)

(۲۶) (احیاء و امواتا):(تا زنده و مرده در آن زندگی کرده یا جای بگیرند)

(۲۷) (و جعلنا فیها رواسی شامخات و اسقیناکم ماء فراتا):(و در زمین کوههای بلند افراشتیم و ابر و باران بر شما آب زلال و گوارا نوشانیدیم)

(۲۸) (ویل یومئذ للمکذبین):(وای در آن روز به حال آنانکه آیات خدا راتکذیب کردند)بااستفهام انکاری می فرماید: این ماییم که زمین را چنان قرار داده ایم که همه بندگان را در خود جمع می کند، چه مرده ها و چه زنده ها را، البته این در صورتی است که به (کفت)به معنای جمع کردن باشد، ولی بعضی گفته اند (کفت) به معنای ظرف است ومی خواهد بفرماید زمین مانند ظرفیست که زندگان و مردگان را در خود جای می دهد.آنگاه می فرماید: ما در زمین کوههای ثابت و بلند برافراشتیم و شما را از آب گوارای نهرها و چشمه ها سیراب نمودیم ، و این بیانات چنانچه در فرازهای سابق نیز گفتیم حجتی بر ربوبیت خداوند و اثبات روز فصل و جزاست ، آنگاه مجددا می فرماید: وای در آن روز به حال تکذیب کنندگان .

(۲۹) (انطلقوا الی ما کنتم به تکذبون):(خطاب رسد: ای منکران ، شما امروز به سوی آن دوزخی که تکذیب کردید بروید)

(۳۰) (انطلقوا الی ظل ذی ثلث شعب):(بروید در سایه دودهای آتش دوزخ که دارای سه شعبه است)

(۳۱) (لا ظلیل و لا یغنی من اللهب):(نه آنجا سایه ای خواهد بود و نه از شرارآتش هیچ نجاتی دارند)

(۳۲) (انها ترمی

بشرر كالقصر):(آن آتش هر شراری بیفکند مانند قصری است)

(۳۳) (كانه جمالت صفر):(گویی آن شراره درسرعت همچون شتران زردموی است)

(۳۴) (ويل يومئذ للمكذبين):(وای در آن روز به حال تکذیب کنندگان)یعنی در روز فصل و جزا از جانب خدای متعال به آن مکذبان خطاب می سد که ازمحشر بدون هیچ درنگی به سوی آتش روانه شوید، همان آتش که همواره تکذیبش می کردید. روانه شوید، بسوی سایه دودی که از آتش جهنم زبانه می کشد و در اثر تراکم و غلظت به سه شاخه تقسیم شده است و سایه آن دود نه خنکی دارد و نه از حرارت واذیت آتش جلوگیری می کند و از آن آتش زبانه و شراره ای بر می خیزد که مانند قصری برافراشته است ، و در سرعت و انبوهی مانند شتران نر می باشد.و مجددا در مقام هول انگیزی و ارعاب و انذار می فرماید: وای در آنروز بر تکذیب کنندگان .

(۳۵) (هذا يوم لا ينطقون):(امروز روزیست که کافران نمی توانند سخنی بگویند)

(۳۶) (و لا يؤذن لهم فيعتذرون):(و به آنها اجازه عذرخواهی داده نمی شود)

(۳۷) (ويل يومئذ للمكذبين):(وای در آن روز بر تکذیب کنندگان)

(۳۸) (هذا يوم الفصل جمعناكم و الاولين):(این روز فصلی است که شما و همه پیشینیانتان را در عرصه محشر گرد می آوریم)

(۳۹) (فان كان لكم كيد فكيدون):(پس اگر کید و چاره ای دارید، بیاورید)

(۴۰) (ويل يومئذ للمكذبين):(وای در آن روز بر مکذبان)می فرماید: روز فصل و جزا روزیست که اهل محشر نمی توانند سخنی بگویند و اذن سخن گفتن یا عذرخواهی به آنها داده نمی

شود و نمی تواننـد عـذر و بهانه بیاورنـد و اعمال خود را توجیه کننـد و این نفی نطق با اثبات آن در آیات دیگر منافات ندارد، چون روزقیـامت مواقف بسـیار و مختلفی دارد، در یـک موقف از آنهـا سـئوال می شود و بایـدجواب دهنـد و در موقفی دیگر بردهانهایشان مهر می زننـد، بطوریکه نتواننـد سـخنی بگوینـد، پس وای برتکـذیب کننـدگان خدا و معاد در آن روز، این روز همـان روز جـدایی و فصـل میان اهل حق و اهل باطل است که خداونـد در آنروز میان ایشان داوری می کنـد،آنگاه خطاب به تکذیب گران این امت که از آخرین هسـتند، می فرماید: ما همه شـما و نیزگذشتگان و پیشینیان را در صحنه محشر گردآوری می کنیم ، تا به حساب شـما رسیدگی شود، حالا اگر شما حیله ای بر علیه من دارید تا با حیله عذاب مرا از خود دفع کنید، آن حیله را بکار ببریـد و این کلام در مقام تعجیز است ، یعنی شـما چنین نیرویی نداریـد و به هیـچ ترفنـدی نمی توانیـد خود را از عذاب برهانید، پس وای بر مکذبان از چنان روزی .

(۴۱) (ان المتقین فی ظلال و عیون):(همانا بندگان با تقوی در سایه درختان بهشتی و کنار چشمه ها متنعمند)

(۴۲) (و فواکه مما یشتهون):(و از هر نوع میوه که بخواهند در اختیار دارند)

(۴۳) (کلوا واشربوا هنیئا بما کنتم تعملون):(بخورید و بیاشامید، گوارایتان باد به پاداش اعمال نیکی که در دنیا بجای آوردید)

(۴۴) (انا کذلک نجزی المحسنین):(البته ما اینچنین نیکوکاران را پاداش می دهیم)

(۴۵) (ویل یومئذ للمکذبین):(وای بر مکذبان در آن روز)در اینجا به توصیف

حالات اهل بهشت در روز فصل و جزا می پردازد و می فرماید:اهل تقوی در بهشت و در کنار چشمه سارها و زیر سایه درختان غرق نعمتند و از هرمیوه ای که اراده کنند، در اختیار دارند و به ایشان خطاب می رسد: که هر چه می خواهیدبخورید و بنوشید، گوارای وجودتان ، این نعمتها بدلیل آن اعمال نیکی است که در دنیابجا می آورید و سپس در مقام تثبیت سعادت ایشان می فرماید: ما همه نیکوکاران رااینچنین جزا می دهیم ، آنگاه در مقام هول انگیزی و ایجاد وحشت و حسرت می فرماید:وای بر مکذبین در آن روز، که از این نعمات بی بهره و محرومند.

(۴۶) (کلوا و تمتعوا قلیلا انکم مجرمون):(شما هم بخورید و بهره ببرید در این مدت اندک دنیا، همانا شما بدکارید)

(۴۷) (ویل یومئذ للمکذبین):(وای در آن روز به حال مکذبان)

(۴۸) (و اذا قیل لهم ارکعوا لا یرکعون):(که هر گاه به ایشان گفته شد نماز و طاعت بجا بیاورید، اطاعت نکردند)

(۴۹) (ویل یومئذ للمکذبین):(وای در آن روز به حال مکذبان)

(۵۰) (فبای حدیث بعده یؤمنون):(پس ایشان ، پس از آیات خدا به کدام گفتارایمان می آورند؟)در اینجا به نحو تهدید و تعجیز خطاب به مکذبان معاد و آیات حق می فرماید: هرچه می خواهید بخورید و از نعمات ناپایدار دنیا بهره ببرید، ولی بدلیل مجرم بودنتان ،سودی از این تمتعات نخواهید برد و در نهایت عذاب الهی شما را در بر خواهد گرفت وجزای مجرم خواه ناخواه آتش جهنم است ، پس وای بر تکذیب کنندگان در روز قیامت که این عذاب را مشاهده خواهند

کرد.آنگاه خطاب را از آنها بازگردانده و به نحو غیبت ادامه سخن می دهد، چون آنها رابه حال تمتع از بهره های دنیا رها نموده و ایشان ارزش و لیاقت مخاطب بودن را ندارند،می فرماید: وقتی به آنها گفته می شد خدا را عبادت کنید و اعمال عبادی مثل نماز (رکوع و سجود) را بجا بیاورید، سر باز می زدند و اطاعت نمی کردند، پس وای به حال این منکران و مکذبان در روز فصل و جزا، و در آخر می فرماید: وقتی این منکران آیات آشکار الهی و قرآن عظیم را انکار کردند و آیات ساطع و براهین قاطع آن را ندیده گرفتند، دیگر به چه سخنی ایمان خواهند آورد؟و این کلام در حکم نفی کلی و یأس از ایمان آنهاست و می خواهد به پیامبر ص تفهیم نماید که اینها دیگر ایمان آور نیستند و هیچ فایده ای در دعوت کردن آنان نیست ،جز همینکه حجت بر آنها تمام شود،(و در قیامت عذری نداشته باشند و نگویند که مانمی دانستیم حق چیست و پیامبر بیم رسانی ما را انذار نکرد.

تفسیر نور

کلمه «عُرف» به معنای پی در پی است و به یال اسب که موهای ردیف دارد، عُرْف گویند. این واژه به معنای نیک و پسندیده نیز آمده و کلمه ی «معروف» از آن است.

برای اموری که در پنج آیه اول این سوره به آنها سوگند یاد شده، یعنی <<المرسلات، العاصفات، الناشرات، الفارقات و الملقیات>>، سه تفسیر بیان شده است:

الف: برخی از مفسران عقیده دارند مراد از آنها انواع بادها و طوفان ها است؛<۶۷۸>

ب: برخی عقیده دارند که مراد از آنها انواع فرشتگان است؛<۶۷۹>

ج: برخی عقیده

دارنـد که آیـات اول و دوم مربوط به بـاد و طوفـان و آیات سوم تا پنجم مربوط به فرشـتگان است و این تفکیک به خاطر نوع حرف عطف است، زیرا حرف «واو» در اول آیه نشانه جدایی و حرف «فاء» در اول آیه نشانه اتصال است.

«العاصـفات» جمـع «عـاصف» بـه معنـای بـاد شـکننده و سـخت اسـت، چنـانکه در آیه ۱۲ سـوره یـونس می خـوانیم: <<ریح عـاصف>> و کلمه «عصف» به معنای تنـدباد است، ماننـد: <<کعصفٍ مأکول>><۶۸۰>، <<والحبّ ذو العصـف>> <۶۸۱>

اگر مراد از «عاصـفات» را فرشـتگان بـدانیم، معنـای آیه چنین است که فرشـتگان، فرمـان الهی را با شـدّت و سـرعت انجام می دهند. نظیر آیاتی که می فرماید: <<یفعلون ما یؤمرون>><۶۸۲> و یا <<هم بامره یعملون>><۶۸۳>.

در کنار هم آمـدن سوگنـد به بادها و فرشـتگان، شایـد به خاطر شـباهت میان باد و فرشـته باشـد، از این نظر که هر دو لطیف و سریع اند و در آفرینش و تدبیر امور نقش دارند.

کلمه «ملقیات» به صورت جمع آمده است، شاید به خاطر آن که گاهی فرشـتگان دیگری همراه فرشته وحی یعنی جبرئیل نازل می شونـد و شایـد به خاطر آن باشد که گاهی فرشـته و گاهی افراد و امور دیگر وسـیله تذکر انسان شده و مسایلی را به انسان القا می کنند.

خداونـد متعال بایـد حجّت را بر مردم تمام کنـد و جلوی بهانه ها و عذرتراشـی ها را بگیرد. <<عذراً>>. در آیه ۱۳۴ سوره طـه نیز می خـوانیم: اگر قبـل از آمـدن انبیـا مردم را هلاـک کنیـم، عـذر خواهنـد آورد و می گوینـد: چراپیش از این پیـامبری نفرستاد تا ما از او پیروی کنیم

گرفتار نشویم.

در صفات سه گانه ناشرات، فارقات و ملقیات یک سیر طبیعی وجود دارد. یعنی ابتدا باید

فرشتگانی معارف را گسترش دهند: «الناشرات»، سپس در سایه آن، حق و باطل و حلال و حرام از هم جدا شوند: «الفارقات» و به دنبال آن، ذکر القا شود. <<فالملقیات ذکراً>><۶۸۴>

۱- آنچه از جانب خداوند فرستاده می شود، مقدّس و قابل سوگند خوردن است. <<والمرسلات>>

۲- الطاف خداوند، دائمی و مستمر است.<۶۸۵> <<والمرسلات عرفا>>

۳- آنچه از جانب خداوند نازل می شود، خیر است.<۶۸۶> <<والمرسلات عرفا>>

۴- در نظام آفرینش، حتّی وزش باد به طور تصادفی نیست، بلکه آفریدگار جهان، آن را می فرستد. <<المرسلات>>

۵ - مأموریّت های مهم، باید به سرعت انجام شود. <<عصفاً>>

۶- در جهان بینی الهی، نرمی و سختی هر کدام به جای خود ارزشمند است. <<عرفاً... عصفاً>>

۷- توسعه و گسترش به معنای نادیده گرفتن اصول و چارچوب نیست. <<والناشرات نشراً فالفارقات فرقاً>>

۸ - در نظام هستی کارها تقسیم شده و هر کاری به فرد یا گروهی سپرده شده و این رمز یک مدیریّت موفق است. <<المرسلات، الناشرات، الفارقات>>

۹- در نظام الهی، تکوین و تشریع در کنار یکدیگرند. <<والمرسلات... فالملقیات ذکراً>>

۱۰- در مأموریّت های ارشادی باید مطلب به مخاطبان تفهیم شود. <<فالملقیات ذکراً>>

۱۱- هرگونه ذکر، الهام، علم و خطور حق از سوی خداوند است. <<فالملقیات ذکراً>>

۱۲- خداوند با تفاوت هایی که میان حق و باطل قرار داده، هم اتمام حجّت کرده است: <<عذراً>> و هم هشدار می دهد. <<نُذراً>>

۱۳- در مأموریّت های ارشادی، باید راه های بهانه جویی مسدود شود. <<عذراً او نذراً>>

۱۴- برای امور مهم همچون وقوع قیامت، سوگندهای متعدّد مفید و راهگشا است. <<والمرسلات، فالعاصفات، والناشرات، فالفارقات، فالملقیات، انّما توعدون لواقع>>

۱۵- انسان در مورد قیامت، دائماً نیاز به تذکّر و یادآوری دارد. <<فالملقیات ذکراً... انّما توعدون لواقع>>

«طَمس» به معنای از بین رفتن و محو

شدن است و شاید مراد از بین رفتن نور آنها باشد.

«فرج» به معنای شکاف است و <<و اذا السماء فرجت>> به معنای شکاف برداشتن و پاره پاره شدن آسمان است.

«اقّتت» از «وقت» به معنای تعیین وقت برای گواهی دادن انبیا در قیامت است که بارها در قرآن به آن اشاره شده است. چنانکه در سوره مائده می خوانیم: <<یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجتبم>><۶۸۷> روزی که خداوند همه انبیا را جمع گرداند، پس گوید: چگونه امّتت

دعوت شما را اجابت کردند.

یکی از اسامی قیامت «یوم الفصل» یعنی روز جدایی است. در قرآن می خوانیم: <<انّ اللّه یفصل بینهم یوم القیامه>><۶۸۸> خداوند متعال در روز قیامت بین آنها (و آنچه بدان دلبسته اند) جدایی می افکند.

در این آیات با سه تعبیر از عظمت قیامت یاد شده است: <<لایّ یوم اجّلت لیوم الفصل و ما ادراک یوم الفصل>> و تکرار کلمه «یوم» نشانه عظمت آن روز است.

مشابه این چند آیه در سوره های دیگر قرآن نیز دیده می شود:

<<فاذا النجوم طمست>> در جای دیگر می فرماید: <<و اذا النّجوم انکدرت>><۶۸۹>

<<واذا السماء فرجت>> در جای دیگر می فرماید: <<اذا السّماء انشقت>><۶۹۰>

<<واذا الجبال نسفت>> در جای دیگرمی فرماید: <<و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی نسفا>><۶۹۱>

<<واذا الرّسل اقّتت>> در جای دیگر می فرماید: <<یوم یجمع اللّه الرّسل>><۶۹۲>

۱- نظام کنونی آفرینش در قیامت دگرگون می شود؛ ستارگان محو و آسمان شکافته می شود و این دگرگونی بارها در قرآن یادآوری شده است: <<فاذا النجوم طمست و اذا السماء فرجت>>

۲- حقیقت قیامت تنها از راه وحی قابل شناخت است. <<و ما ادریک ما یوم الفصل>>

۳- جایی که پیامبر اکرم با آن علم گسترده، بر اسرار قیامت آگاهی کامل ندارد، تکلیف بقیه روشن

است. <<و ما ادراک ما یوم الفصل>>

۴- در قیامت، برای گواهی پیامبران بر امّت های خویش، وقتی معیّن قرار داده شده است. <<و اذا الرّسل اقّتت، لایّ یوم اجّلت>>

در این سوره بارها آیه <<ویل یومئذ للمکذّبین>> تکرار شده و در پایان هر چند آیه، این هشدار به چشم می خورد.

کلمه «ویل» در مقام هشدار و تهدید به عذاب و هلاکت به کار می رود و بر اساس روایات، نام وادی خاصّی در جهنّم و یا نام یکی از درهای آن است.

۱- تکذیب کنندگان دین در معرض هلاکت و نابودی هستند و قهر خداوند نسبت به آنان، یک سنّت الهی است. <<ویل یومئذ للمکذّبین ألم نهلک الاولین>>

۲- با طرح تاریخ گذشتگان، وجدان های خفته را بیدار کنید. <<ألم نهلک الاولین>>

۳- تکذیب دین سابقه طولانی دارد. <<المکذّبین... الاوّلین>>

۴- تمدّن های بشری، اگر از مرز دین بگذرند، روبه افول و سقوط می روند و جای خود را به تمدن های دیگر می دهند. <<نهلک الاوّلین... نتبعهم الآخرین>>

۵ - ریشه جرم و فساد در جامعه، تکذیب دین و ارزشهای دینی است. <<المکذّبین... المجرمین>>

۶- قهر خداوند قانونمند است و تنها مجرمان را در برمی گیرد. <<کذلک نفعل بالمجرمین>>

۷- عذاب های الهی، از روی انتقام نیست، بلکه بر اساس استحقاق انسان ها است. <<کذلک نفعل بالمجرمین>>

«مهین» به معنای حقیر، ضعیف وقلیل و «مکین» به معنای محکم و استوار است.

برای تولید یک محصول، لوازم و شرایطی مورد نیاز است، از جمله: تعیین اهداف، تأمین موادّ، طرح و برنامه، زمان بندی مراحل اجرا، خدمات پشتیبانی پس از تولید، تعمیر و اصلاح.

در آفرینش انسان همه این مراحل پیش بینی و اجرا شده است:

هدف: تکامل اختیاری و معنوی انسان. <<و ما خلقت الجنّ و الانس الاّ لیعبدون>><۶۹۳>

مواد

اولیه: تراب و نطفه. <<من ماء مهین>>،

محلّ تولید: <<فی قرار مکین>>،

طرح و برنامه تولید: <<نطفه، علقه، مضغه،...>>،

زمان بندی: <<الی قدر معلوم>>،

برنامه ریزی درونی: <<فالهمها فجورها و تقواها>><۶۹۴>، همراه با کنترل بیرونی: <<انّا هدیناه السبیل>><۶۹۵> و <<انّ علینا للهدی>><۶۹۶>.

خدمات پس از تولید: <<نحن قسمنا بینهم معیشتهم>><۶۹۷>.

تعمیر و اصلاح: <<یقبل التوبه>><۶۹۸>، <<انّه غفور رحیم>><۶۹۹>.

شاهکار خلقت آن است که خداوند آفرینش انسان را با آن همه پیچیدگی بر روی یک قطره آب طراحی کرده است که هیچ هنرمندی توان طرّاحی بر روی آن را ندارد. <<نخلقکم من ماء مهین>>

خداوند در آفرینش انسان، یک بار مدالِ <<احسن الخالقین>><۷۰۰> را به خود داده است و در اینجا عنوان <<نعم القادرون>> را مطرح می کند.

آری، او بهترین خالق و بهترین قادر است.

عبارتِ <<نعم القادرون>> را دو گونه می توان معنا کرد:

الف. با توجّه به عبارتِ <<الی قدر>> و <<فقدّرنا>> که پیش از آن آمده، مراد از «قادرون» اندازه گیری باشد که خداوند بهترین اندازه گیری را در مورد انسان به کار برده است.

ب. با توجّه به آنکه بحث خلقت و مراحل آن است که نیاز به قدرت دارد، مراد از «قادرون» قدرت و توان باشد که خداوند کمال قدرت را در آفرینش انسان به کار برده است.

خداوند در همه چیز بهترین است:

بهترین یاری کننده و بهترین سرپرست: <<نعم المولی و نعم النصیر>><۷۰۱>

بهترین پشتیبان: <<نعم الوکیل>><۷۰۲>

بهترین مهد گستر: <<فنعم الماهدون>><۷۰۳>

بهترین اجابت کننده: <<فنعم المجیبون>><۷۰۴>

بهترین پاداش دهنده: <<نعم اجرالعاملین>><۷۰۵>

بهترین قادر و تقدیر کننده: <<نعم القادرون>>

۱- آفرینش انسان از آبی بی مقدار، هم نشانه عظمت و قدرت الهی است و هم دلیلی بر معاد و آفرینش دوباره انسان. <<ألم نخلقکم من ماء مهین>>

۲- یاد ضعف ها و ناچیز بودن گذشته ها، غرور و تکبر

انسان را از بین می برد. <<ألم نخلقکم من ماء مهین>>

۳- در شیوه دعوت و تبلیغ، از مسایل محسوس بگویید. <<ألم نخلقکم من ماء مهین>>

۴- از خداوند بیاموزیم و در کار و تولید، به دنبال استواری و استحکام باشیم.<<فی قرار مکین>>

۵ - تقدیر و زمان بندی، از اصول آفرینش الهی است. <<الی قدر معلوم فقدّرنا>>

۶- رشد جنین بر اساس اندازه گیری های دقیق الهی است. <<فقدرنا فنعم القادرون>>

«کفات»، نام محلی است که در آن چیزی نهاده و گردآوری می شود. در روایات می خوانیم که امام صادق علیه السلام نگاهی به قبرستان کرده و فرمود: اینجا کفات مردگان است و نگاهی به خانه ها کرده و فرمود: اینجا کفات زنده هاست. <۷۰۶>

مراد از <<ظلّ ذی ثلاث شعب>> سایه ای است که از دود عظیم آتش دوزخ ایجاد می شود، امّا روشن است که این سایه نه فقط آرامش بخش نیست بلکه سوزنده و آزار دهنده است. این دود به قدری متراکم و عظیم است که شاخه شاخه می شود، شاخه ای از بالای سر، شاخه ای از طرف راس

و شاخه ای از سمت چپ، فرد دوزخی را فرامی گیرد و در کام خود فرو می برد.

زبانه هایی که از آتش دوزخ برمی خیزد، همانند قصرهای بلند دنیوی است و همچون شترانِ زرد رنگ است. گویا قرآن، کاخ نشینان و زراندوزان را تهدید می کند که مراقب باشید گرفتار شرارههای قصرگونه دوزخ نشوید.

«شامخات» به معنای کوههای بلند و «فرات» به معنای آب گوارا است.

«ظلّ ظلیل» به معنای سایه دائم و «ظلّ لا ظلیل» یعنی سایه غیر مفید و غیر خنک.

«جمالت» جمع «جمل» به معنای شتر و «صُفر» جمع «اصفر» به معنای زرد است.

خداوند زمین را از نظر وسعت، نحوه حرکت، تأمین امنیّت از طریق کوهها، تأمین آب

مورد نیاز انسانها، گیاهان و حیوانات، به مناسب ترین شکل آفرید و خاک را بهترین وسیله برای از بین بردن زباله، آبهای آلوده و دفن مردگان قرار داد و در آن نوعی تصفیه خانه با داشتن

صیّت میکرب کشی قرار داد به نحوی که زمین آب آلوده می گیرد و آب زلال تحویل می دهد. این تصفیه خانه، طبیعی، مجّانی، دائمی، عمومی و بدون پیدا شدن نقص فنی است. راستی اگر زمین وجود نداشت، بوی بد و تعفّن همه را آزار می داد.

قهر الهی از همه سو مجرمان را احاطه می کند به نحوی که راه فراری در کار نیست و تنها راه به سوی دوزخ باز است. <<انطلقوا الی ما کنتم به تکذّبون>> چنانکه در آیات دیگر می فرماید: <<کلّما ارادوا أن یخرجوا منها من غمٍّ اعیدوا فیها و ذوقوا عذاب الحریق>>[۷۰۷]

<<احاط بهم سرادقها>>[۷۰۸]

۱- روی زمین بهترین جایگاه برای زندگان و درون آن بهترین جایگاه برای مردگان است. <<ألم نجعل الارض کفاتاً احیاءً و امواتاً>>

۲- کوهها از منابع تأمین آب مورد نیاز است. <<رواسی شامخات و اسقیناکم ماءً>>

۳- صحنه قیامت به قدری سخت و دشوار است که گویا رفتن به دوزخ برای مجرمان نوعی رهایی است. <<انطقوا الی...>>

۴- دوزخ را دود غلیظی احاطه کرده است که سایه آفرین است، امّا در آن هیچ آسایشی نیست. <<ظِلّ... لاظلیل>>

۵ - کاخ ها و سرمایه هایی که در دنیا به ناحق به دست می آیند، در قیامت به شراره های دوزخ تبدیل می شوند. <<کالقصر کانّه جماله صفر>>

۶- وقتی زبانه های آتش دوزخ مانند قصر بلند و مانند شتر عظیم باشد، خود آتش چگونه خواهد بود! <<بشرر کالقصر کانّه جماله صفر>>

۷- ریشه همه جرم ها، عقاید فاسد است. زیرا کسی که اعتقاد

ندارد و حق را تکذیب می کند، به هر کار خلافی دست می زند. <<ویل یومئذ للمکذّبین>>

مت پرداخته است.

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا عادل تر از آن است که بنده اش عذر داشته باشد و خداوند اجازه ندهد آن را بیان کند، ولی چون بنده گنه کار عذری ندارد، به او اجازه داده نمی شود در دادگاه الهی سخنی بگوید.<۷۱۰>

در دنیا انسان قادر است تا خود یا دیگران را فریب دهد و به وسیله زر و زور و تزویر و یا وعده و تهدید و رشوه، یا وابستگی نسبی و سببی برای خود چاره ای بیندیشد ولی در قیامت راه برای تمام این کارها بسته است. <<فان کان لکم کید فکیدون>>

۱- در قیامت، مجرمان یا از روی ترس، یا به خاطر بی فایده بودن، یا به خاطر مهر خوردن بر دهان و یا به خاطر روشن بودن همه مسایل، سخن نمی گویند. <<هذا یوم لاینطقون>>

۲- مبلّغ و مربّی نباید از تکرار هشدار خسته شود. در این سوره آیه <<ویلٌ یومئذ للمکذبین>> ده مرتبه تکرار شده است.

۳- قیامت، هم روز جمع است و هم روز فصل. <<هذا یوم الفصل جمعناکم>> (از یکسو همه جمع می شوند و هیچ کس جا نمی ماند: <<و حشرناهم فلم نغادر منهم احداً>><۷۱۱> و از سوی دیگر میان خوبان و بدان فیصله داده می شود و جدایی می افتد، حتّی بهشتیان در بهشت درجاتی د

د.)

۴- قیامت، روز قضاوت است نه عذرخواهی. <<لایؤذن لهم فیعتذرون... هذا یوم الفصل>>

۵ - در قیامت نه فرار است، نه فریب و نه فدیه ای قبول می شود و راهی برای فلاح وجود ندارد. <<ان کان لکم کید فکیدون>>

۶- در قیامت، مجرمان ناتوان و درمانده از هر گونه چاره اندیشی اند. <<فان کان

لکم کید فکیدون>>

در آیات قبل، خداوند ویژگی های دوزخ و دود و آتش سه شعبه ای که آن را احاطه کرده بیان فرمود و در این آیه در مقابل آن، سه نعمت برای اهل تقوی بیان فرموده است: <<ظلال و عیون و فواکه>>

کلمه <<هنیئاً>> آنجا به کار می رود که هیچ سختی و ناگواری به دنبال نباشد و کاملاً گورا و مطبوع باشد.

یکی از شیوه های تربیتی قرآن، شیوه مقایسه است:

پاداش متقین: کیفر مجرمین:

<<فی ظلال و عیون<< >>ظلّ ذی ثلاث شعب لاظلیل >>

<<کلوا واشربوا هنیئاً>> <<کلوا وتمتّعوا قلیلاً انّکم مجرمون>>

<<انّا کذلک نجزی المحسنین>> <<کذلک نفعل بالمجرمین>>

<<هنیئاً بما کنتم تعملون>> <<انطلقوا الی ما کنتم به تکذبون >>

سؤال: چرا بعد از آیات مربوط به بهشت نیز آیه <<ویل یومئذ للمکذبین>> آمده است؟

پاسخ: شاید به خاطر آن که حسرت محرومیّت از نعمت های بهشت، خود بالاترین عذاب هاست.

۱- بهشت و دوزخ دارای سایه های متفاوت است. <<ظلّ ذی ثلاث شعب...فی ظلال و عیون>>

۲- انسان تنوع طلب است و در بهشت، باغ ها، چشمه ها، میوه ها، خوراکی ها و نهرها همه متنوّع اند. <<فی ظلال و عیون و فواکه ممّا یشتهون>>

۳- وجود آب و درخت در کنار هم، نشانه کامیابی کامل است. <<فی ظلال و عیون>>

۴- محرومیّت مؤمنان در دنیا، با کامیابی در قیامت جبران می شود. <<انّ المتقین فی ظلال و عیون>>

۵ - معاد جسمانی است و نعمت های آن متناسب با نیازهای جسم بشری. <<و فواکه ممّا یشتهون کلوا واشربوا>>

۶- میوه برترین خوراکی هاست. در قرآن در مورد کامیابی بهشتیان به میوه بسیار اشاره شده است. <<و فواکه ممّا یشتهون>>

۷- دریافت نعمت وابسته به عملکرد انسان است. <<هنیئاً بما کنتم تعملون>>

۸ - خوردنی های بهشتی عارضه و مشقتی را به دنبال ندارد.

<<کلوا واشربوا هنیئاً>>

۹- بهشت را به بها دهند نه بهانه. <<بما کنتم تعملون>>

۱۰- عملی ارزش دارد که دائمی و پایدار باشد، نه موسمی و مقطعی. <<کنتم تعملون>>

۱۱- لازمه ی تقوا، تلاش و احسان است. <<المتّقین... کنتم تعملون... المحسنین>>

۱۲- سنّت الهی در کیفر و پاداش انسان ها یکسان است. <<انّا کذلک نجزی المحسنین>>

۱۳- تکرار هشدار نشانه لطف خداوند است تا شاید مستکبران بر سر عقل آیند و از تکذیب حقایق دین دست بردارند. <<ویل یومئذ للمکذّبین>>

پزشک در دو حالت به بیمار اجازه می دهد که هر غذایی را بخورد: یکی آنجا که بیمار درمان گشته و سالم است و دیگر آنجا که بیماری فرد لاعلاج و بدون درمان است و پزشک از بهبود او مأیوس شده است. در قرآن نیز فرمان <<کلوا>> گاهی نشانه امید و سلامتی است و گاهی نشا

قهر الهی، چنانکه در آیات خداوند خطاب به مجرمان می فرماید: <<کلوا و تمتّعوا قلیلاً انکم مجرمون>> و نظیر آیه <<اعملوا ما شئتم>><۷۱۲> هر کاری می خواهید، بکنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به قبیله ثقیف دستور نماز داد، آنها گفتند: ما در برابر کسی خم و راست نمی شویم. حضرت فرمود: دینی که رکوع و سجود در آن نباشد، خیری نیست. «لا خیر فی دین لیس فیه رکوع و لاسجود»<۷۱۳>

بعد از فتح مکّه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از همسر ابوسفیان (مادر معاویه) پرسید: اسلام را چگونه می بینی؟ گفت: اسلام خوب است مگر سه چیز آن: حجاب، اذان بلال، رکوع و سجود. پیامبر در پاسخ فرمود: امّا حجاب بهترین پوشش است و نماز بدون رکوع و سجود نماز

ست و بلال نیز بهترین بنده است.<۷۱۴>

«حدیث» به معنای سخن جدید و تازه است که

از دیگران سابقه ندارد.

حضرت ابراهیم پس از تجدید بنای کعبه از خداوند خواست تا فقط به اهل ایمان روزی دهد. <<و ارزق اهله من الثمرات من آمن منهم>> امّا خداوند فرمود: من در دنیا به کفّار نیز روزی می دهم و حساب قیامت از دنیا جداست. <<و من کفر فامتعه...>><۷۱۵>

رکوع از ارکان نماز و مشخصه و نشانه ویژه نماز است، زیرا سجده به خودی خود و خارج از نماز نیز محقق می شود، مانند سجده شکر. ولی رکوع جایگاهی جز نماز ندارد و لذا درباره نماز کلمه رکعت به کار می رود. <<اذا قیل لهم ارکعوا لایرکعون>>

۱- کامیابی دنیا نسبت به کامیابی آخرت، بسیار ناچیز است. <<کلوا وتمتّعوا قلیلاً>>

۲- کامیابی از نعمت های دنیا، نشانه محبوبیّت نزد خداوند نیست. (مجرمان نیز بهره مند می شوند.) <<کلوا وتمتّعوا قلیلاً انکم مجرمون>>

۳- بهره مجرمان از نعمتهای الهی، فقط بهره مادّی است. <<کلوا وتمتّعوا... انّکم مجرمون>>

۴- زندگی دنیا هر قدر هم طولانی باشد، نسبت به آخرت ناچیز است. <<تمتّعوا قلیلاً>>

۵ - از نشانه های تکذیب عملی دین، ترک نماز است. (ترک نماز در میان دو کلمه «مکذّبین» قرار گرفته است.) <<ویل یومئذ للمکذّبین اذا قیل لهم ارکعوا لایرکعون ویل یومئذ للمکذّبین>>

۶- انکار دین وارتکاب جرم، ملازم یکدیگرند. <<انّکم مجرمون ویل یومئذ للمکذّبین>>

۷- قرآن، شیواترین، تازه ترین و شایسته ترین پیام برای مردم است. <<فبایّ حدیث>>

۸ - مطالب قرآن هرگز کهنه نمی شود و در هر زمان، نو و تازه است. <<فبّای حدیث بعده>>

۹- اگر کسی به قرآن ایمان نیاورد، به کدام سخن ایمان خواهد آورد. <<فبایّ حدیث بعده یؤمنون>>

«والحمد للّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

:Aqa Mahdi Puya says

Mursalat, in addition to the winds sent forth, refers to all the communicating

agencies who convey the divine blessings and grace to the created beings in various stages and realms, such as prophets, angels and other conscious and unconscious .functionaries in the activity of communication

The winds are an important factor in governing the physical world. They bring the blessings of rain and fertility (Hijr: ٢٢ and Rum: ۴٨). They scatter seeds far and wide, separate chaff from grains, and clear pollution from the environment. There are innumerable benefits for mankind as well as other creatures in the blowing of the winds. They not only come on beneficent errands of mercy but also as violent tornadoes, uprooting and destroying, charged with the wrath of Allah to punish or to .give a warning

Verses ۵ and ۶, as Aqa Puya has suggested, also refer to prophets and messengers of Allah. The prophets have followed one another, the verses, of the Quran came, one after another, to provide guidance for mans spiritual salvation. They uprooted the .spiritually decadent human society

.They sorted out believers and disbelievers in the path of Allah

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

.These verses refer to the events that will happen on the day of resurrection

The prophets, sent in succession at different times to all nations, will be gathered together in one place before the seat of judgement to bear witness as to the righteous or the unjust among their followers and the Holy Prophet as a witness over all the prophets of Allah. See

.(commentary of Bara-at: ۱۰۵; Nisa: ۴۱; Nahl: ۸۹ and Baqarah: ۱۴۳

(see commentary for verse ۷)

(see commentary for verse ۷)

(see commentary for verse ۷)

(see commentary for verse ۷)

(see commentary for verse ۷)

(see commentary for verse ۷)

(see commentary for verse ۷)

(see commentary for verse ۷)

Refer to Araf, Hud and Yunus for the destruction of the people of Nuh, Lut, Hud, Salih .(and Firawn (in the time of Musa

As said in verse ۱۳, on the day of judgement good will be completely separated from evil. Those who chose falsehood and belied truth will be the losers, therefore "Woe on that day unto the beliers!" has been repeated as a march of punishment unto the .disbelievers

.Refer to the commentary of Hajj: ۵ for verses ۲۰ to ۲۳

.Refer to the commentary of Nahl: ۱۵ for verses ۲۵ to ۲۷

.Refer to the commentary of Nur: ۲۴ for verses ۳۵ and ۳۶

:Aqa Mahdi Puya says

.The beliers were given plain and clear guidance but they refused to accept it

(see commentary for verse ۱۷)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for

(verse ١٧

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

(see commentary for verse ١٧)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹